

عُسر و يُسر

## فهرست

مقدمه

ان مع العسر يسراً ----- ١

مظلوميت ----- ٥

امتحانات ----- ١٣

تأييدات ، بشارات ، هدايات ----- ٣١

بلايا ----- ٤٤

بحرانها و نتايج حاصله ----- ٥٩

## مقدمه

سپاس بی قیاس درگاه غنی متعال را سزااست که بندگان درگاه خود را مورد فضل و عنایات قرار داده و آنان را در جمیع موارد خصوصا زمان عسرت و ناراحتی بشارت به یسر و رحمت می دهد و می فرماید "مثل ناس مثل حوت است و مثل الواح الهیه ماء اگر چه نسایم در مرور است و آنی منقطع نه ولکن در ارسال الواح بقدر امکان تعویق جایز نه چه که انتشار کلمه الله بین عباد ارواح جدیده منیعہ مبذول فرماید" (۱)

اینک رساله تقدیمی حضور احبای گرامی جمع آوری از آثار مبارکه مربوط به عسر و یسر (در تشریح بحراناها و پیروزیها) می باشد امید است مورد استفاده و عنایت خوانندگان عزیز واقع گردد و با زیارت نصوص مبارکه و با اطمینان کامل به این نتیجه برسیم که طبق بیانات مقدسه "جمیع امور خادم امرالله خواهد بود و جمیع عسرها موجب یسر عظیم می گردد"

با تاییدات الهی

ملوک خادم

## انّ مع العُسْر يُسْرًا

" ايربّ بَدَل عسر اولياتك باليسر وشدّتهم  
برخاء و ذلّهم بالعزّ . . . "

عُسْر در لغت به معنای شدّت، سختی، فقر و . . . و يُسْر به معنای سهولت و راحتی، غنا و ثروت  
و . . . آمده است . در قرآن مجید نیز در سوره انشراح آیه ۶ و ۷ خداوند می فرماید:

« فَاِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . اِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا . » که مفاد آن به فارسی چنین است

همانا پس از هر سختی آسایشی است پس از محنت و رنج آرامشی است .  
حال به چند نمونه از نصوص مبارکه طلعات مقدّسه در باره عُسْر و يُسْر اشاره می شود :  
حضرت بهاءالله می فرمایند قوله تعالی :

« حزن و سرور و فقر و غنا و شدّت و رخاء و عُسْر و يُسْر کلّ در قبضه قدرت او بوده وهست . . . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۱۰۸

ایضا می فرمایند :

« حمد محبوب عالم و مقصود امم را لایق و سزااست که لازال اخذ و عطا از یمن و یسار اراده اش  
جاری و ظا هر ، اخذ نماید آنچه را عطا فرمود و عطا فرماید آنچه را اخذ نمود در اخذ صد  
هزار حکمت بالغه مستور و همچنین در عطایش بلندی و علوّ مقام ، عطا را از اخذ معلوم نمود ، از  
آردی که سنگ آسیاب بر سرش گشته آدم پدیدار آرد و از زحمت آن این نعمت حاصل و از شدّت  
آن این رخاء پدیدار . . . »

آثار قلم اعلی ج ۷ ص ۳۰

طبق بیانات مبارکه با تاییدات الهی هر عُسْری به يُسْر و هر شدتی به رخا تبدیل خواهد شد  
اینست وعده ای که فرموده اند قوله الاحلی :

« اگر عُسْری وارد شود البته به يُسْر تبدیل گردد هذا ما انزله الله فی کتب القبل و فی هذا الكتاب

المبین . . . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۱۱۱

ایضا می فرماید: « در اول هر ظهور سختی و شدت و تنگی و عُسرت از هر جهت صائل و هائل ولکن در نهایت، این شدت به رخاء و این عُسرت به عزّت بی منتهی مبدّل گردیده است . » ترجمه

ظهور عدل الهی ص ۱۶۸

جمال اقدس الهی در لوحی چنین می فرماید :

« یا رضی . . . اگر فقیری غنا باتوست وقتی این مظلوم در زیر غل و زنجیر در ارض طا بود در حالتی که دو روز بر او گذشت و چیزی بر لب نرسید و دیناری با او نبود در آن حین اغنی العالم بوده کسی که غنای او از منتهی درجه فقر حاصل و از ذلت و ننگ عالم در سبیل امر مالک قدم دلتنگ و خجل نه با تو بوده و هست. غم مخور سرورها از پی، دلتنگ مباش فرح بی منتهی از عقب . در نفس این عالم ابواب لا یُحصی موجود انشاءالله باصبع اراده بگشاید و عوالم جدیده در این عالم مشاهده گردد . او فقیر را دوست داشته و دارد با او مجالس است و موانس اگر بر تراب جالسی غم مخور مالک عرش با تو است ، اگر گرسنه ای محزون مباش ، منزل مانده به تو نازل ، اگر شب بی چراغی دلتنگ مشو مطلع نور حاضر ، لذت بیان رحمن و حلاوت آن تلخی های دنیای فانیه را مبدّل فرماید و زائل نماید طوبی لمن وجد عرف بیانی و تمسک با لصبر . . . »

پیام های ش ۲۴۵ ص ۳

حضرت عبدالبهاء می فرماید قوله عزّ بیانه :

«ای ورقه متضرّعه الی الله . . . شکر کن خدا را که در سبیل الهی جمیع آیام را بمحنت و مشقت و زحمت و مصیبت گذراندی گاهی بمذمت و طعن و ملامت نساء مبتلا بودی و گاهی بشماتت و مضرتّ اعداء ، گاهی از دست ساقی قضا کاس بلا نوشیدی و گاهی بتالان و تاراج ستمکاران، گاهی خلیل جلیل را شهید سبیل الهی یافتی و گاهی خانمان را از هجوم عوانان بر باد دیدی ، گاهی بیسر و سامان بودی و گاهی سر گشته کوه و بیابان چون جمیع این بلایا و رزایا در راه خدا واقع مقبول و مطبوع و محبوب ارباب قلوب است زهر هلاهلش شهد و شکر است و تلخی حنظلش شیرینی قند مکرّر، دردش درمان است و زخمش مرهم دل و جان

گر تیر بلا آید اینک هدفش جاها      ور درّ عطا بخشد اینک صدفش دلها

. . . این ذلت را موهبت عظیمه در پی و این مصیبت را شادمانی بی پایان در عقب این تلخی را حلاوت حقیقی معدن و این سمّ قاتل را دریاق اعظم مقدر ، عنقریب تلافی جمیع این آلام و محن در

ملکوت تقدیس که متره از ادراک نفوس است خواهد شد هر تیری را تاثیر صد هزار عنایت جمال  
منیر و هر کأس تلخی را صد هزار دریای حلاوت اثر بی نظیر . . . »

مکاتیب ج ۷ ص ۵-۱۵۳

ایضا می فرماید قوله تعالی :

« . . . از پریشانی امور مسرور باش زیرا نفس پریشانی منتهی بمعموری و آبادی گردد و تفرقه  
افکار سبب جمعیت خاطر شود در امر الله اصول و قانون چنین است هر ذلتی عزت و هر فقر  
غناست و هر پریشانی جمعیت و هر خرابی آبادی . . . »

مائده آسمانی ج ۹ ص ۹۹

ایضا می فرماید :

« . . . انشاءالله این عُسْر سبب یُسْر گردد و این زحمت بادی رحمت شود تا زحمتی حاصل نگردد  
رحمت جلوه ننماید آن مع العُسْر یُسْر فرموده حال ایام عُسْر تست مطمئن باش که زمان یُسْر و  
راحت نیز خواهد آمد این عُسْر و یُسْر و فقر و غنا و راحت و زحمت اهمیتی ندارد در آنچه  
مهمست بکوش . . . »

ور چو یچی می کنی خونم سیبیل

ورز فقرم عیسی مریم کنی

بهر فرمان تو دارم جان و سر

گر در آتش رفت باید چون خلیل

ور چو یوسف چاه و زندانم کنی

سر نگردانم نگردم از تو من

مائده آسمانی ج ۵ ص ۲۰

ایضا می فرماید : « . . . امیدوارم که زحمات و بلیات سبب حصول عنایت حضرت کبریا  
گردد و وسیله مقبولی در ملکوت اهی . انشاءالله این زحمت براحات و این شدت بر خفاء تبدیل  
می گردد . . . »

مکاتیب ج ۸ ص ۱۳

تحمّل عُسْر بعد از یُسْر مشکل است

زندگانی جمال اقدس اهی جلّ اسمه الاعلی در نهایت یُسْر و راحتی ، عزّت ، نعمت و . . . بوده  
ولی تحمّل زحمت فرموده چنانچه می فرماید :

« گردنی را که در میان پرند و پرنیان تربیت فرمودی آخردرغلهای محکم بستی و بدنی را که به  
لباس حریر و دیبا راحت بخشیدی عاقبت بر ذلت حبس مقرر داشتی . . . چه سالها که گذشت و

آلام و مصائب چون امطار بهاری بر این عبد بیارید و بسا لیلی که بسر آمد از ثقل سناسل و اغلال را حت مسلوب بود . . . »

بهاء الله شمس حقیقت ص ۱۳۴

حضرت عبدالبهاء می فرماید قوله عزّ بیانہ :

« . . . فی الحقیقه تحمّل عُسر بعد از یُسْر مُشکل است ولی محن و آلام یار مهربان را اشتراک لازم، بهره و نصیبی باید گرفت، لهذا اگر بر شما ایام سخت گردد این از مبارکی بخت است محزون مباش، بگذرد این روزگار تلختر از زهر توکل بخدا کن و صبر بر بلا نما در ایام خوشی و سرور و فرح و حبور هر کس مرد میدان است ولی سزاوار اصفیا فرح و شادمانی و سرور و کامرانی در زمان بی سر و سامانی است . . . »

مآخذ اشعار فارسی ج ۲ ص ۲۵۹

از نار، نور و از حزن، سرور ظاهر می فرماید

حضرت بهاء الله می فرماید قوله الاحلی :

« . . . تعالت قدرته الغالبه و ارادته المحیطه که از نار نور و از حزن سرور ظاهر می فرماید غافلان بگمان باطل قتل و صُلب را علّت انخاماد نار کلمه الهیه تصوّر نموده اند و شهادت را نهایت اذیت پنداشته اند غافل از آنکه سبب ارتفاع و اعلائی امر الهی است و علّت وصول شهیدان بمقامات قرب نامتناهی ... »

نار و نور ص ۳

اگر نعیق مرتفع است رحیق هم جاری و ساری

حضرت بهاء الله می فرماید قوله تعالی :

« . . . هر چه امر عظیم و بزرگست بلایا و محن او بزرگ و لکن امروز بلایا و محن دیده نمی شود چه که سماء فضل مرتفع است و بحر عنایت ظاهر اگر از جهتی کؤس بلایا ورزایا مشاهده شود از جهت اُخری طلعت اهی باید بیضا کوثر بقا عطا می فرماید اگر نعیق مرتفع است رحیق هم جاری و ساری . . . »

نار و نور ص ۱۳

اگر نعمت است صد هزار رحمت در آن مکنون

حضرت بهاء الله می فرماید قوله عزّ بیانہ : « . . . اگر آگاهی بمقتضای حکمت بالغه الهی

امری منافی ظاهر شود البته آن سبب ظهور نعمتهای ربّانی و مائده های سمائی است در امور واقعه

در ارض یاء تفکر نما عمری هر فقره آن سبب اعلاء کلمة الله و ارتفاع امر . اوست آنچه در آیام ظهور ظاهر شود اگر بر حسب ظاهر ذلت است صد هزار عزت در آن مستور و اگر نقیمت است صد هزار رحمت در آن مکنون . . . .»

نار و نور ص ۱۵

## مظلومیت

« . . . از دود آه مظلومان پرهیز باید

زیرا شرر انگیز است . . . .»

جمال اقدس اهی در الواح متعدّد خود را مظلوم معرفی می فرمایند که بطور نمونه به ذکر چند فقره از آنها اشاره می شود چنانچه در لوحی چنین می فرمایند قوله عزّ بیانه :

« ای امة الله . . . قسم بذکر اعظم که بلا یابی بر این عبد وارد شده که مظلومان عالم از اوّل دنیا الی حین بر مظلوم میّتم نوحه می نمایند. »

توقیع مبارک ۱۱۳

ایضا می فرمایند :

« یا نبیل بن نبیل مظلوم را احزان از هر شطری احاطه نموده . . . .»

مجموعه الواح مبارکه ص ۱۴ خط عندلیب

در جواب نفوسیکه اظهار می داشتند جمال قدم که خود مظهر قدرت و عزّت و با اتّصال دو حرف ک و نون (کن) عالم را بوجود می آورند چگونه خود را مظلوم معرفی می نمایند باید در جواب به بیانات مقدّسه حضرتش توجّه داشت که می فرمایند :

« مقصود این مظلوم ریاست دین نبوده و نیست بلکه تطهیر عالم از مفتریات و اکاذیب قبل بوده . . . .»

نقل از مجموعه های لجنة ملی استخراج و ترجمه آیات ص ۴۰۵ از کتاب شماره ۴

مظلومیت صرفه اثرها دارد و ثمرها آرد

حضرت بهاء الله می فرمایند قوله تعالی : « قسم بآفتاب معانی که از ظلم این ظالمان قامتت خم شده و موتم سفید گشته البته اگر بین یدی العرش حاضر شوی جمال قدم را نمی شناسی بلکه



طراوتش از ظلم مشرکین تبدیل شده و نضارتش تمام شده تالله قلب و فؤاد و حشا جمیع آب شده  
ولکن بقوة الله بین عباد حرکت مینمام . . . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۳۷

ایضا می فرمایند قوله تعالی :

« قسم به نیر افق معانی که از این مظلومیّت آثار قدرت و عزّت در ابداع ظاهر خواهد شد این  
ربّک هو البّین العلیم نفّسی که لبّ الله از نفسی بر آید در عالم اثر عظیم دارد تا چه رسد ببلايا و  
رزایائی که در سبیل الله بر نفسی وارد شود . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۴۸

ایضا می فرمایند قوله تعالی :

« جمیع اشیاء بر مظلومیّت اهل حق نوحه نمودند و جمیع را حزن احاطه کرده ظلمها بی که در این  
کره من غیر سبب وارد شده بمشابه اشجاری است که غافلین بایادی خود غرس نموده اند زود  
است که اثمار آن را مشاهده نمایند . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۹۴

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله عزّ بیهانه :

« . . . مظلومیّت کبری غالیّت است و محویّت و فنا عزّت ابدیه . . . »

مکاتیب ج ۲ ص ۲۰۶

ایضا می فرمایند قوله تعالی :

« . . . بامر میرم الهی مامور بصلح عمومی هستند و مکلف بمظلومیّت کبری لهذا اگر ستمکاری  
دست تطاول بگشاید و مانند گرگ تیز چنگ هجوم نماید احبای الهی مانند اغنام تسلیم شوند ابد  
مقاومت نمایند بلکه تیغ و شمشیر را بشهد و شیر مقابله نمایند زخم بچگر گاه خورند . دست  
قاتل را ببوسند و در سبیل الهی جانفشانی نمایند از برای ستمکار استغفار کنند و طلب عفو از  
پروردگار نمایند . »

مکاتیب ج ۳ ص ۱۲۴

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله تعالی :

« . . . الحمد لله بظهور جمال مبارک چنان نور صلح و سلام درخشید و مظلومیّت کبری بمیان  
آمد که در یزد رجال و نساء و اطفال هدف تیر و عرضه شمشیر گشتند سروران و علماء سوء و  
پیروان بالاتفاق هجوم بر مظلومان نمودند و بسفک دماء ستمدیدگان پرداختند حتی مخدّرات را  
شرحہ شرحہ نمودند و یتیمان ستمدیده را بخنجر جفا حنجر بریدند . تنهای پاره پاره را آتش زدند

با وجود این نفسی از احبای الهی دست نگشاد بلکه بعضی از شهیدان دشت بلا و همعنان شهدای کربلا چون قاتل را بسیف شاهر مهاجم دید نبات در دهن او گذاشت و گفت با مذاق شیرین بقتل این مسکین پرداز زیرا این مقام فداست و این شهادت کبری و مرا آرزوی بی منتهی .»

تذکره الوفا ص ۳۰۴-۵

نهایت مظلومیت حضرت ربّ اعلی در پاسخ یاران که تقاضای رهایی ایشان را از زندان داشتند معلوم و مشخص می شود که فرمودند :

« کوههای آذربایجان هم حقی دارند اگر من راضی به محبوس شدن در کوههای آذربایجان نمی شدم امتحان الهی برای مردم عادی چگونه می بود و چطور پیش بینی حضرت امام محمد باقر (ع) امام پنجم تحقق می یافت که می فرماید : لا بُد لنا من آذر بایجان ما لا یقوم لها شیء»

نقل از هائی نیوز ترانه امید ش ۶ سال ۲۷

بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ شهر الکمال ۱۵۰ بدیع چنین می فرماید :

« . . . بندگان آستان یزدان . . . یکصد و پنجاه سال تجربه نموده اند که **مظلومیت** در سبیل عشق، **فاتحیت** است و **غابلیت** است و **مرضی درگاه احدیت** است ، الخصوص در این ایام ، زیرا که هر تجاوز و تطاولی را که به دل و جان تحمل نمایند ، آنا " آثار مثبتة نافذہ اش در عالم وجود ظاهر شود و فوراً **نتایج عظیمه اش** در ترقی و تقدّم امر عزیز الهی ملاحظه گردد . . . »

الحمد لله در این زمان نیز **مظلومیت** اهل بها در نظر صاحبان قدرت ظاهر ، و به زبان خود شهادت بر **مظلومیت** دادند چنانچه دو نفر از دوستان که برای بازجویی خوانده شدند شخصی که از رؤسای قوم بود و با انصاف هم به نظر می رسید ، از صبح تا عصر شاهد ناراحتیهای وارده بر این دو نفر بود که حتی آب خواستند مضایقه شد و این دو نفس ابدا اعتراض ننموده و با تسلیم و رضا و اطاعت برای بازجویی عازم شدند اظهار داشت شماها " **چقدر مظلوم** هستید این **مظلومیت** شما باعث شد که برای خود و ما زحمت ایجاد کنید " این نیز یکی از عنایات الهی است که به عزیزان ایران عنایت شد .

**ظلم ظالمین و تعدّیات غافلین سبب ارتفاع امر بوده و هست**

حضرت بهاءالله جلّ جلاله می فرماید قوله تعالی :

« کَلِمَا از داد البلیا آنّه زاد فی اظهار امرک و اعلاء کلمتک . . . »

حضرت ولی عزیز امرالله چنین بیان می فرمایند:

« . . . نظری بحوادث حیرت انگیز این قرن عظیم از حین طلوع فجر هدی از افق آن اقلیم پر ابتلاء الی یومنا هذا اندازیم و در تصرفات عجیبه این امر جلیل تفکر نماییم و وقایع جسیمه و انقلابات هائله و انتصارات باهره و تاسیسات بدیعه و مشروعات بهیه اش را بیاد آریم و از آنچه واقع گشته و در اثر بروز و ظهور این قوه قدسیه در عرصه شهود تحقق یافته عبرت گیریم که چگونه انقلابات و امتحانات و بلایا و رزایا و زجر و حرق و طرد و نهب و ضرب و شتم و أسر و نفی و حبس و قتل هیچیک مانع از پیشرفت این امر نازنین نگشت و فتوری در همت پیروان و مدافعینش در اقطار مختلفه عالم احداث نمود . . . بلکه نفس انقلاب و تابع مصائب و نوائب و شدائد و متاعب و محن و مصائب ممد نفوذ ذاتیه اش گشت . . . »

توقیعات مبارکه ۱۰۱ ص ۴۲-۴۳

ایضا می فرمایند:

« بیقین مبین بدانند که تعدیات معرضین و ظالمین علت اشتهار امرالله و اعلاء کلمه الله و استحکام اساس دین الله گردد دشمنان بالمآل مغلوب و منکوب گردند و امر الهی غالب و کلمه الله نافذ گردد »

نقل از جزوه بجرانها و پیروزیها ص ۱۱

ایضا می فرمایند:

« بقین مبین بدانید که هر قدر اعدای امرالله بیشتر کوشند، شعله نیران امر الهی مرتفع تر گردد و بر حرارت و اشتعالش بیفزاید . . . »

نقل از جزوه بجرانها و پیروزیها ص ۱۴

**ظلم ظالمین موجب وصول عاشقان بمقامات قرب معشوق**

حضرت بهاء الله می فرماید قوله تعالی: « . . . ستایش پاک پروردگاری را جلت قدرته که ظلم ظالمین و تعدی معتدین علت وصول عاشقان بمقامات قرب معشوق و ورود مخلصان بجنان وصل مقصود مقرر فرموده و بظهور بلایا و رزایا کلمه امریه را منتشر و اعلام ذکریه را مرتفع نموده . . . »

نار و نور ص ۳

ایضا می فرماید: « . . . ظلم ظالمین و انکار علماء و اعراض و اعتراض جهلا بمنزله مصفی، آنچه خالص است وارد میشود و اجرام از دخول ممنوع قدر این ایام را باید بدانیم . . . »

## منکرین منادیانند

حضرت بماء الله جلت عظمة می فرماید قوله تعالی :

« . . . اگر جمیع عالم از حق اعراض نمایند ضرری بر امر وارد نه بلکه اعراض خلق سبب و علت ارتفاع امر حق جل جلاله است . . . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۵۷

ایضا می فرماید : « . . . ولکن اهل ارض بسیار غفلت نموده اندو چنان گمان کرده اند که می توانند امر الله را معدوم نمایند و یا انوار الله را اطفاء کنند و یا چراغهای قدسی را خاموش نمایند فباطل ما هم یظنون قسم به خدا که هر چه در اطفایش سعی نمایند روشنتر می شود و آنچه که در إحمادش بکوشند مشتعل تر خواهد شد مشیت الهی محیط بر همه مشیتها و اراده اوفوق اراده هاست چه که جمیع من فی السموات و الارض بنفحه ای از نفحات مقدّسش که بکلمه امریه اطلاق شده موجود شده اند و بحرفی فانی خواهند شد . . . »

مجموعه الواح جمال قدم استخراج از اخبار امری

حضرت عبدالبهاء مرکز میثاق در لوح ابن اصدق می فرماید قوله الاحلی :

« منکرین و رادّین اول منادی حق هستند مثل ردّیه که ابن اثیم مرقوم نموده این نفوس اهیّتی نداشتند و ندارند عنقریب ملاحظه خواهید نمود که نفوس بسیار مهمی از شرق و غرب صحائف عظیمه بردّ نوشته و نعره زنان فریاد کنند چه که عظمت امر آنچه بیشتر ظاهر شود معترضین و منکرین و رادّین عظیمتر و کثیرتر گردد و کلّ سبب اعلاء کلمة الله است شما دعا نمائید که خدا از این قبیل رادّین بسیار خلق فرماید چه که خیلی مفید است . »

مائده آسمانی ج ۵ ص ۲۵۷

ایضا می فرماید :

« . . . شما می دانید این عبد اینگونه کلمات ردّیه را سبب اعلاء می دانم علی الخصوص از نفوسیکه ملتفت عبارات لفظیه نیز نباشند ردّ آنچه از این قبیل است هر چه بیشتر بهتر است منکرین و رادّین اول منادی حق هستند . . . »

مائده آسمانی ج ۵ ص ۱۷۱

ایضا می فرماید : « . . . از جفای اهل ذنوب باید خوشنود گشت زیرا سبب بقا و وسیله

کبری و نعمت عظمی و موهبت بی منتهاست . »

پیام شهر الشرف ۱۴۱ بدیع

ایضا می فرمایند : « جمیع امور و اوضاع عالم خادم امر الله است چه خوب بود مرا از ایالات متحده بیرون می کردند یا از اول راه نمی دادند در حالتیکه منع، مروج امر الله است دیگر امداد چه خواهد کرد . »

بدایع الآثار ج ۱ ص ۲۵

ایضا می فرمایند :

« . . . چنانکه مشاهده می نمایی که هر چه جهلا بیشتر جفا نمودند علم وفا بلند تر شد و هر چه مقاومت بیشتر کردند سطوع انوار افزون تر شد تا نفس اعداء سبب گشتند که صیت امر الله در شرق و غرب منتشر شد و آوازه جمال الهی جهانگیر گشت . . . این از مواهب کلیه الهیه است . »

مائده آسمانی ج ۵ ص ۲۵۷

ایضا می فرمایند :

« پنداشتند که تشدد و تعرض سبب خمودت و خاموشی گردد و بادی قمع و فراموشی و حال آنکه تعرض بامور وجدانیه سبب ثبوت و رسوخ گردد و بادی توجه انظار و نفوس و این قضیه بکرات و مراتب به تجربه رسیده . »

نقل از جزوه بحرانها و پیروزیها ص ۱۲

جمال اقدس الهی در مورد چگونگی برخورد با رادین برای حفظ و صیانت امر عزیز الهی چنین

بیان می فرماید قوله تعالی :

« بر جمیع نفوس حتم است که بر ردّ من ردّ علی الله آنچه قادر باشند بنویسند کذلک قدر من لدن مقتدر قدیر چه که الیوم نصرت حق بذکر و بیان است نه سیف و امثال آن . . . »

نقل از جزوه بحرانها و پیروزیها ص ۱۳

در عاقبت حال منکرین

حضرت عبدالبهاء می فرماید قوله تعالی :

« عاقبت منکرین نیز از مقبلین گردند و مستکبرین نیز بغایت خضوع و خشوع بر خیزند همانست که مرقوم نموده ئی نفوذ کلمه الله کوه البرز را مانند پرکاه نماید عنقریب ملاحظه خواهی نمود که رایت کلمه الله در اوج اعلی موج می زند . . . »

مکاتیب ج ۳ ص ۴۶۲

ختم المقال این مبحث ما بیان جمال اقدس الهی است که حضرت ولی مقدس امر الله آن راشاهد

آورده اند :

« لو یسترون النور فی البر انه یظهر من قطب البحر و یقول ائی محیی العالمین . . . و لو یلقونه فی  
بئر ظلماء یجدونه فی اعلی الجبال ینادی قدا تی المقصود بسلطان العظمة و الاستقلال ولوید فنونه فی  
الارض یطلع من افق السماء و ینطق باعلی النداء قد اتی البهاء بملکوت الله المقدس العزیز المختار . »  
دور بهایی ص ۲۴

مضمون به فارسی : « . . . و اگر او را در چاهی تاریک بیندازند او را در مرتفعترین قلّه کوهها  
خواهند یافت درحالتی که به تمام بشریت ندا در می دهد . . . اگر در اعماق زمین مدفونش سازند ،  
روحش از افق آسمان طلوع خواهد کرد و با صدای بلند ندا در می دهد که بنگرید حکومت  
خداوند عزیز پاک و صاحب اختیار را . »

### وظیفه احبا در برابر ظلم ظالمین

حضرت بهاء الله می فرمایند قوله الاحلی :

« هر ظلمی که از ظالمی ظاهر شد او را بنفوس حق واگذارید عدل الهی مهیمن و محیط است احتیاج  
بفساد و نزاع و جدال و قتل و غارت نداشته و ندارد نصرت امر بییان بوده و خواهد بود . . . »  
آثار قلم اعلی ج ۷ ص ۱۵۲

ایضا می فرمایند :

« هو الله ای درویش عوض ، جان در ره جانان بیاز ولی عوض مطلب زیرا مخالف روش عاشقان و  
رای منجذبانست . از خدا می طلبیم که در عوض رضای احبّای الهی باشد زیرا رضای احبّای الهی  
رضای حقست . . . »

مکاتیب ج ۸ ص ۸۱

چنانچه جمال اقدس الهی در مورد قبول بلایا و طلب عفو از ساحت کبریا در باره مخالفین

می فرمایند :

« . . . حق شاهد و گواه اگر چنانچه مخالف شریعة الله نبود دست قاتل خویش را می بوسیدم و  
از مال خود او را ارث می دادم . . . »

در این آیام نیز فردی در وصیت نامه از ورّاث خود تقاضا نمود مبلغی به قاتلش داده شود که مورد  
قبول جامعه قرار نگرفت .

عکس العمل احباء جانفشان امرالله در مجبوحه امتحانات و افتتانات اخيره در مهد امرالله نشان دهنده اين است که احباء توانسته اند روش حضرت عبدالبهاء را دستور العمل خویش قرار دهند :

برای نمونه ، در یکی از شهرها در ایام صیام در ساعت مقرر گروه ضربت مراجعه نموده ، صاحب خانه با نهایت احترام آنان را می پذیرد و چون وقت افطار بوده به سر میز غذا دعوت می کند هر چه آنان امتناع می نمایند ایشان اصرار بر اینکه طبق حدیث اسلامی که می فرمایند " من زار حیا و لم یذق شیئا کانه زار میتا " ، شما بمترل ما آمده اید و باید از این سفره تناول نمائید البته آنان که با نظر سوء که سفره کافر است و حتی عدم تکلم را شعار خود ساخته بودند توجهی به مطلب نداشته بکار خود که جمع آوری کتب و غیره بوده پرداختند و لکن طرز برخورد اثر خود را گذاشت چون هر عملی که الله انجام شود بی اثر نخواهد ماند .

عزیزی را برای بازجویی صدا زدند چون وارد اطاق شد با نهایت ادب سلام نموده ، خود را معرفی فرموده در آن حال چنان مشتعل و منجذب و نور الهی در قلبش درخشان و از چهره اش نمایان که با التماس خواهش نمود آنچه با شکنجه و آزار از دیگران پرسا هستید از من بخواهید تا همگی را جواب گویم و هر تعزیری روا می دارید من حاضرم . پس از جواب به هر پرسشی و تحمل هر مشقتی با نهایت سرور و حبور و تسلیم و رضا به بارگاه بها راه یافت در این موقع مصداق بیان جمال مبارک قرار گرفت که می فرمایند : " استقامت بر امر حجتی است بزرگ و برهانیست عظیم . . . چنانچه خاتم انبیاء می فرماید : " فاستقم کما امرت "

آیات الهی ج ۲ ص ۱۲۲

و در لوح مریم می فرمایند : " در موارد قضایا چون شمع روشن و منیر بودم و در مواقع بلا یا ربانی چون جبل راسخ . . . "

بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۱۹۸۵ چنین می فرمایند :

« . . . بالاتر از همه با تعمق و تدبیر نسبت به درک هدف اعلی و مقصد اسنی از ظهور مبارک حضرت بهاءالله ما خود را آماده و مهیا خواهیم ساخت که زندگی بشری در سیاره خاکی را به نحوی تبدیل و تغییر دهیم که شایستگی وصول فیوضات و مواهب و برکات ملکوت الهی را بیابد ( ترجمه )

## امتحانات

" موهبت عظیم امتحان و افتتان است "

نار و نور ص ۷

مدنیت متحمل امتحانات شدیدہ بی سابقہ است

حضرت بہاء اللہ جلّ جلالہ می فرماید همانطور کہ شما طلا را بآتش امتحان می کنید ما شما را بہ طلا امتحان می کنیم قوله تعالی :

« . . . لا تشتغل بالدنيا لأنّ بالنار تمتحن الذهب و بالذهب تمتحن العباد . . . »

کلمات مکنونہ ش ۵۵

حضرت عبدالبہا می فرماید قوله الاحلی :

« من فم ائمه هدى و نجوم الافق الاعلى عليهم التحية و الثناء قال عليه السلام . الناس هلکاء الا المومنون و المومنون هلکاء الا الممتحنون و الممتحنون هلکاء الا المخلصون و المخلصون فى خطر عظیم . »

مکاتیب ج ۳ ص ۲۳۰

ایضا می فرماید :

« . . . امتحانات هر امری بقدر عظمت آن امر است چون تا بحال چنین میثاقی صریح بقلم اعلی وقوع نیافته لهذا امتحانات نیز عظیم است ، این امتحانات نفوس ضعیفہ را متزلزل نماید ولی در نفوس قویہ امتحان چه تاثیر دارد . . . »

مکاتیب ج ۳ ص ۸۴

ایضا می فرماید :

« . . . امتحان از برای صادقان موهبت حضرت یزدان است . زیرا شخص شجاع بمیدان امتحان حرب شدید بنهایت سرور و شادمانی بشتابد ولی جبان بترسد و بلرزد و بجزع و فزع افتد . . . امتحان از برای نفوس مقدسہ موهبت حضرت یزدان است اما از برای نفوس ضعیفہ بلای ناگہان . این امتحان همانست کہ مرقوم نمودید . . . »

مکاتیب ج ۲ ص ۲۶۹ - ۲۷۰

ایضا می فرماید :

« . . . غم و اندوه مانند شیار بر زمین است هر چه شیار عمیقتر باشد حاصل بیشتر است . »

نمونه حیات بھایی ص ۹



ایضا می فرمایند: « فَاِنَّ الْاِمْتِحَانَ رَحْمَةً لِّلْمُوقِنِينَ وَ نَقْمَةً لِّلْمُتَرَلِّزِينَ . »

مکاتیب ج ۲ ص ۲۳۳

ایضا می فرمایند:

« هر فتح و ظفری را امتحان و افتتان از پی و نور هر نصرت درخشانی را نار آزمایش از عقب .  
... و استیلاى آئین نازنین حصول آفات و وقوع بلیّات را مستلزم . »

پیام شهر العزة ۱۳۵ بدیع

ایضا می فرمایند:

« ..... از امتحان و افتتان مرقوم نموده بودی چنین است چون بدید بصیرت ملا حظه نمایی ذرات  
کائنات در موقع امتحانست تا چه رسد بانسان علی الخصوص اهل ایمان تفاوت در این است که از  
امتحانات وارده نور مبین در جبین مخلصین بر افروزد و ضعفا چون در دام بلا گرفتار گردند ناله و  
حنین بلند کنند . . . پس تو شکر کن که الحمدلله در آتش امتحان رخ بر افروختی و پرده  
احتجاب بسوختی و ثابت و راسخ ماندی . . . »

مکاتیب ج ۵ ص ۵۸

رجای حفظ از امتحان

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله تعالى :

« . . . رجای حفظ از امتحان دارید فی الحقیقه باید که بنهایت عجز و زاری از درگاه احدیه  
طلب صون و حمایت نمود زیرا امتحان شدید است و افتتان قواصف و عواصف در نهایت تشدید ،  
امید چنین است که مانند جبال راسیه ثابت و مستقیم بمانی و بنهایت متانت و ثبوت مقاومت  
طوفان امتحان نمایی . »

مآخذ اشعار فارسی ج ۲ ص ۲۰۹

هر کس مشمول و لائق عنایات الهی نیست

حضرت عبدالبهادر این باره چنین می فرمایند قوله تعالى :

« . . . باید بشکرانه پروردگار یگانه پرداخت که بیگانگان از این فیض محروم و آشنایان فائز و  
مرزوق زیرا بلایای سبیل الهی را هر نادانی شایان نه و مصائب راه عشق را هر ناسپاسی لایق  
نیست شمع را افروختن باید و پروانه عشق را سوختن . . . اگر چه امتحان در این آیام بی حدّ و  
پایان است ولی فضل و الطاف یزدانی نیز بی حساب و بی کران . همیشه متذکر بلایای شما هستم

. و از حق طلب استقامت و ثبوت می تمام این بلا یا تخم افشان نیست عنقریب ملاحظه خواهید نمود  
که برکت خرمن گشته و فیض نامتناهی مبذول داشته . . . »

نار و نور ص ۶۶

در کتاب ایوب آمده است :

"هان خوشا بحال شخصی که خدا تنبیهش می کند، پس تادیب قادر مطلق را خوار مشمار زیرا  
که او مجروح می سازد و التیام می دهد (عُسر و یُسْر) و می گوید، و دست او شفا می دهد،  
در شش بلا ترا نجات خواهد داد و در هفت بلا هیچ ضرر بر تو نخواهد رسید در قحط ترا از موت  
فدیه خواهد داد و در جنگ از دم شمشیر از تازیانه زنان پنهان خواهی ماند و چون هلاکت آید از  
آن نخواهی ترسید و بر خرابی و تنگدستی خواهی خندید و از وحوش زمین بیم نخواهی داشت زیرا  
با سنگهای صحرا همداستان خواهی بود و وحوش صحرا با تو صلح خواهند کرد . . . »

کتاب ایوب باب ۵ آیه ۱۷ تا ۳۳

### فرق بین مومن و ممتحن

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله الاحلی :

« ای یاران روحانی و دوستان رحمانی در هر عهد مؤمن بسیار ولی ممتحن کمیاب حمد کنید خدا  
را که مؤمن و ممتحنید و در سیل ربّ مهیمن اسیر هر نوع آلام و محن گشتید در آتش امتحان  
مانند ذهب خالص رخ بر افروختید و در نائره ظلم و جفای ستمکاران سوختید و ساختید و هر  
مؤمنی را رسم و آداب ثبوت و استقامت آموختید صبر چنین است و قرار چنان، جانفشانی است  
و پریشانی آن، این از موهبت پروردگار بود و عنایت بی پایان جمال الهی که یاران آن سامان را در  
سیل محبتش بحمل اعظم بلا یا مخصّص داشت ظاهره نارو باطنه نور. . . »

نار و نور ص ۶۰

ایضا می فرمایند قوله تعالی :

« . . . نفوسی که از صهبای الهی مست و مخمورند . . . گاهی در طوفان اعظم بلا چون حضرت  
نوح کشتی رانند . . . و زمانی در شدّت سورّت علل و اسقام چون حضرت ایوب از حرارت  
تب زار زار بسوزند . . . »

محاضرات ج ۱ ص ۵۰-۵۱

### وظیفه احبا نسبت به مومنین و ممتحنین

جمال اقدس الهی وظیفه احبا را در مقابل ممتحنین چنین بیان می فرماید قوله تعالی :

« نفوسیکه فی سبیل الله بلایا دیده اند و شماتت غافلین را شنیده اند و در سجن رفته اند و از وجوه مکروهه آثار قهر و غضب مشاهده نموده اند بر جمیع لازم ذکر ایشان و احترام ایشان . . . »

مجموعه الواح خط عنده ص ۲۱۹

### فشار و مقاومت قوای مکنونه را آشکار می سازد

حضرت ولی مقدس امراله در بیانی چنین می فرماید :

« مگر نه اینست که حضرت بهاء الله بما اطمینان داده اند که بلایا و محرومیتها مواهب خفیه هستند که بدان وسیله قوای درونی و روحانی ما تجهیز شده، خالصتر و پر قدرتر و ارزشمندتر می شوند. »  
نمونه حیات بهایی ص ۱۵

حال از نظر علمی و طبیعی چگونه ممکن است بلا و فشار و زحمت باعث پیشرفت و ظهور قوای مکنونه گردد خلاصه ای از مقاله جناب جرجی زیدان این حقیقت را روشن ساخته است . . .

« . . . از اسرار طبیعی آنستکه در ماده، قوه واحده موجود است که از تنوعات مختلفه آن قوه واحده قوای طبیعی مختلفه از قبیل جاذبیت و حرارت و نور و کهرباء و مغناطیس حاصل می شود همه این قوای طبیعی که ذکر شد تنوعات و تطورات مختلفه قوه واحده هستند که در ماده مکنون است ساده ترین راهی که می توان بوسیله آن مکنونات مزبوره را آشکار کرد فشار و مالش و عبارت دیگر مقاومت است . اگر بحالت طبیعی یک قطعه آهن را در نظر بگیریم نه حرارتی و نه نوری و نه مغناطیسی در آن مشاهده می کنیم و بطوری بنظر می رسد که فاقد جمیع این صفات است حال اگر این قطعه آهن تاریک و سرد را با چکش بکوبیم و یا با سوهان بساییم خواهیم دید که فوراً بر اثر کوبیدن و ساییدن گرم و داغ می شود و اگر فشار بر آن شدید تر باشد نورانیت پیدا می کند و برق می زند پس در این قطعه آهن، حرارت و نور مکنون بود و اگر مقاومتی در میان نمی آمد و فشار و مصیبتی به آن نمی رسید حرارت و نوریکه در آن مکنون بود بهیچوجه آشکار نمی شد . . . پس حرارت و کهرباء در اثر فشار و مقاومت بوجود می آید اثر مقاومت مادیه ظهور قوای مکنونه در ماده بود که بدون مقاومت ظهور قوای مزبوره ممکن نبود . . . در مقاومت ادبیه نیز عین اثر و نتیجه موجود است . ممکن است یکنفر دارای ذکاء و هوش و همت و اقدام باشد و لکن چون مقاومتی پیش نیامده باشد همه آن فضائل در وجود او مکنون باشد و انسان خیال کند که او بهیچوجه دارای فضیلت و مزیتی نیست ولی همین شخص چون در

میدان حیات دچار مشکلات شود و مقاومتها ی شدید برای او پیش آید اجبارا با آنها تصادم کند و به مبارزه پردازد در چنین وقتی قوای مزبوره که در وجود او مکنون بود آشکار شود در میان افراد جامعه آنکسی که مقاومتش در میدان زندگی بیشتر و شدیدتر باشد تاثیرش در جامعه بیشتر است شواهد این موضوع رجال و نوابغ و رسولان و پیغمبران است .

محاضرات ج ۱ ص ۲۵۵ ( مجله الهلال سال هفتم بقلم جرجی زیدان )

### هر امری مستلزم تحمّل مشکلاتی است

زندگی جمعی از محبّان کوری دوست . مشمول این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء است که می فرمایند : « یاران آسمانی چون ستم بینند پای را محکم کنند و قوّت متانت و مقاومت ظاهر نمایند تحمّل تیغ و شمشیر کنند و نعره یا بهاء الاهی بملکوت اثر رسانند الحمدلله تو پهلوان این میدانی و تهمتن این رزمگاه ، شکر کن خدا را تا شادمانی و کامرانی در جهان جاودانی حاصل گردد . »  
نار و نور ص ۴۹

برای نمونه شمه ای از شرح حال جناب دکتر مهاجر یاد آور می گردد.

جناب دکتر مهاجر ایادی عزیز امرالله و فارس امر حضرت بهاء الله بطوریکه خاتم محترم

ایشان ایران خاتم فروتن مرقوم داشته اند : ( خلاصه شده )

ایشان پس از اتمام دوره دکترا آرزوی مهاجرت و خدمت داشتند و چون زیارت هیکل مبارک موفق گردیدند حضرت ولی مقدّس امرالله در حین عبور از باغها غالبا از نقشه ده ساله جهاد اکبر و اهداف مهاجرتی آن و مهاجرین مورد لزوم برای تأمین اهداف نقشه مذکور بیان می فرمودند با اهتزاز ی شدید خطاب به رحمت در باره اهداف مهاجرتی جزائر و نواحی پاسفیک و جنوب شرقی آسیا و بخصوص مجمع الجزائر اندوزی بیاناتی می فرمودند : آیا می دانید سنگاپور کجاست ؟ . . رحمت حضرت ولی مقدّس امرالله را عمیقا دوست می داشت . . . و از خداوند می خواست که لیاقت و قابلیت شرکت در نقشه ده ساله را بوی عطا فرماید . . . تنها بوسیله دعا و استغاثه و توکل بلطف الهی امکان حصول آن میسر می شد . . . بالاخره پس از دعای شبانه روز تصمیم گرفته و تحمّل مصائب و متاعب بیشمار فرموده ( که باید به کتاب خاطرات ایران فروتن ، مهاجر ) مراجعه شود . ایران خاتم ادامه می دهند که رحمت خوابی که قبل از ملاقات با محفل ملی دیده بود چنین شرح دادند . جمال مبارک را در خواب زیارت کردم در حالیکه فرش بزرگ لوله شده ای را روی شانه های مبارک حمل می فرمودند به آهستگی بدنبال

ایشان رفتم و گوشه فرش را گرفتم و بکمک پرداختم حضرت بهاءالله بطرف من توجه فرموده و با تبسمی جانبخش رضایت خاطر مبارک را از کمکی که در حمل آن یار می نمودم اظهار فرمودند . نتیجه آنکه جناب دکتر مهاجر به سمت ایادی عزیز امرالله و از فارسین امر حضرت بهاءالله محسوبند . همچنین در شرح حال ملا رضای یزدی به قلم آقا میرزا حسین زنجانی که مدتی در حبس طهران با هم بوده اند ، می خوانیم . . . در استقامت فرید عصر بود و بزجر و شکنجه طاقت بی منتهی را داشت احبای یزد نقل می کنند که بفتوای علما او را در یک روز در هفت رهگذر ، حکومت بچوب بست ابدان فریادی بر آورد و نه التماس کرد بفرگذری که می رسیدند که فراشها می خواستند چوب بزنند اول دستمالش را بزمین پهن می کرد و عبا و عمامه و جوراب پایش را بروی دستمال می گذاشت بعد خودش پاهایش را بطرف فلکه دراز می کرد و دامنش را بروی خود کشیده می گفت بسم الله مشغول شوید فراشها هم در نهایت بغض و عداوت آنچه که زور بازویشان بود می زدند بلکه التماس نماید ابدان گله ای از او نمی شنیدند در یک محلی چنان سخت زده بودند گمان نموده بودند که دیگر مرده ، بعد نگاه می کنند که در زیر دامنش دندانهایش را مسواک می کند .

جناب آقا سید اسدالله قمی نقل می کند جناب ملا رضای یزدی . . . من با ایشان در یک منزل همکاسه بودم و شبها همزنجیر ، چون در سجن تبلیغ می کرد احباب مشهدهی علی زندانبان سپردند که غدغن کن که ملا رضا در سجن تبلیغ نکند تا ببینیم کار ما عاقبت بکجا می انجامد تا آنکه مشهدهی علی در صحن زندان ملا رضا را با تازیانه به پشت عریان او بسیار بی اندازه می زند ولی کلمه آخ و غیره نگفته بود . . . ملا رضا گفت ای سید اسد الله چه خیال می کنی وقتی بمن تازیانه می زدند چون فیل مست بودم ابدان نفهمیدم که چطور زدند چه که حضور جمال مبارک بودم و با او صحبت می کردم شخصی بود غلامرضا خان در زندان و از بزرگان طهران بود . بعد از تازیانه خوردن ملا رضا ایشان بمقام تحقیق بر آمد ، عاقبت تصدیق کرد و آدم مشتعلی شد از او پرسیده بودند که در زندان مبلغ تو که بود ؟ گفته بود تازیانه . پرسیده بودند چطور تازیانه ؟ زدنی بیانا گفت که تازیانه خوردن ملا رضا و طاقت آوردن آن پیرمرد و حرکت نمودن او ، حال مرا تغییر داد و متحیر شدم که فی الواقع این چه طاقتی است که در او هست بمقام مجاهده بر آمدم و حق را شناختم .

آری هزاران هزار نفر از جمیع شئون دنیوی گذشتند چون به اجر معنوی معتقد بودند و باین بیان مبارک حضرت عبد البهاء خرم و دلشاد «... باید بدانی که زحمات هدر نرفته است بلکه در ساحت قدس ملکوت و نزد این عبد و عباد رحمن مذکور و مشهود است...»

مکاتیب ج ۶ ص ۳۶

همچنین فرموده اند: «... اگر در این جهان فانی، زحمتی حاصل، الحمدلله در جهان الهی رحمتی سابق و سابق. اگر مردم از شما رخ بتافتند الحمد لله عین رحمانیت شامل...»

مکاتیب ج ۴ ص ۱۰۹

در حالیکه خود هیکل مبارک حضرت عبدالبهاء چل عظمة تایید می فرمایند که:

«جسم را فدا نمودن آسان و لکن شئون منبعثه از حیّز وجود را که از لوازم ذاتی امکانست فدا نمودن مشکل.»

مکاتیب ج ۸ ص ۱۱۴

### عاشق صادق

حضرت بهاء الله جلّ جلاله می فرمایند قوله تعالی :

«... عاشق صادق را حیات در وصال است و موت در فراق صدرشان از صبر خالی و قلوبشان از اضطبار مقدّس از صد هزار جان در گذرند و بکوی جانان شتابند.»

کلمات مکنونه ش ۴

ایضا می فرمایند: «ای برادر من تا بمصر عشق در نیائی بیوسف جمال دوست و اصل نشوی... و تا بنار عشق نیفروزی بیار شوق نیامیزی و عاشق را از هیچ چیز پروا نیست و از هیچ ضرری ضرر نه... عشق هستی قبول نکند و زندگی نخواهد... نیستی باید تا نار هستی بر افروزی و مقبول راه عشق شوی.»

آیات الهی ج ۱ ص ۱۶۱

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله عزّ بیانه :

«... در این دور مبارک که فخر اعصار و قرون است، ایمان عبارت از اقرار بوحدانیت الهیه نه، بلکه قیام بجمیع شئون و کمالات ایمان است.»

و لیلی لا تقرّ لهم بذاکا

تبیین من بکی ممن تباکا

و کلّ یدعی و صلا" بلیلی

اذ اسال الدموع علی الخدود

مکاتیب ج ۴ ص ۵۲

ایضا می فرماید: « اگر نفسی خود را در دریای خون شناور نبیند و ادعای حبّ مرا نماید ، از طراز صدق بی بهره و نصیب است . »

کتر اول از پنج کتر جزوه مقام انسان و حیات بهائی ص ۳۵

ایضا می فرماید :

ایتها الشقیقة العزیزة یا ورقة العلیا سیبل حق را طریقی جز تحمل شدائد و بلایا نه اگر چون توئی تحمل آن نتواند حمل آن که تواند ؟ ( ترجمه )

کتاب هدیه عشق جناب فیضی

امتحان موجب امتیاز مومنین و مریین است

حضرت بهاء الله می فرماید قوله تعالی :

« . . . لم یزل هبوبات اریاح افتتان و امتحان از مشرق عدل رحمن در مرور بوده و خواهد بود تا تفصیل دهد معرض را از مُقبل و لکن طوبی از برای نفوسیکه در حین هبوب مضطرب نشوند . . . »

مائده آسمانی ج ۴ ص ۲۲

حضرت عبد البهاء می فرماید قوله عزّ بیانه : « . . . نفوس مقدّسه و مظاهر الهیه آرزوی فنا و وصول بمشهد فدا داشتند جانفشانی نمودند و نفی و آواره گی دیدند ، صدمات شدید کشیدند ، اسیر سلاسل و زنجیر بودند ، هدف تیر شدند ، معرض شمشیر گردیدند . . . اینست برهان عاشق صادق و اینست دلیل حبیب موافق اگر چنین نبود هر بیگانه آشنا بود و هر محروم محرم راز و هر بعید، قریب و هر محجوب، محبوب لهذا حکمت کبری اقتضا نمود که آتش امتحان شعله زند و سیل افتتان طغیان نماید تا صادق از کاذب ممتاز گردد و موافق از منافق افتراق یابد . . . اینست حکمت بلایا ، اینست سبب رزایا . . . »

مکاتیب ج ۱ ص ۲۹۰

اگر مشمول این عنایت شدیم چه باید انجام دهیم ؟

مسلم است که دنیا ( بمعنی دنی ) ، جز رنج و زحمت و مشقت چیز دیگری نیست این را باید قبول داشت . حال باید دید که چگونه با آن بر خورد نماییم . راه حل طبق دستورات مبارکه ، توجه به ابعاد روحانی انسان است و با دعا و مناجات و طبق آیات و آثار الهیه عمل نمودن ، چنانچه فردی بمقام ایثار و فدا راه یافت دیگر رنجی را موجب ناراحتی نمی داند و هر رنجی را مفتاحی برای گنج رضای الهی و حب او می داند . اینک آنرا با نصوص الهی بررسی می نمائیم :

## ۱. به دعا بلا را طالبیم

حضرت بهاء الله می فرمایند قوله الاحلی :

« . . . به دعا بلا را طالبیم تا در هواهای قدس روح پرواز کنیم و در سایه های شجر اُنس آشیان سازیم و به منتها مقامات حبّ منتهی گردیم و از خمر های خوش وصال بنوشیم . . . این اصحاب را بلا فنا نکند و این سفر را قدم طی ننماید و این وجه را پرده حجاب نشود . . . »  
نار و نور ص ۱۱

ایضا می فرمایند قوله تعالی :

« . . . یا ایها الناظر الی الوجه ، بسیار از نفوس حال سائل و آملند که فی سبیل تعالی طائف حبس شوند و با سلاسل هم آغوش گردند لعمرالله این سلاسل از صد هزار حمایل اولی و احبّ است چه که آن بحق منسوب و این بمطالع ظلم . . . »

آثار قلم اعلی ج ۷ ص ۶۷

ایضا می فرمایند قوله تعالی :

« المحب الصادق یرجو البلاء کرجاء العاصی الی المغفرة و المذنب الی الرحمة . »

کلمات مکتونه ش ۴۹

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله عزّ بیانه :

« . . . شما اگر در حقّ نفسی دعا نمائید این را بخواهید که ای پروردگار از صهبای بلا جام سرشار بخش و در انجمن مصائب کبری ساغر لبریز بنوشان گردنی که سزاوار فداست اسیر زنجیر کن و حنجری که لایق قربانیست مبتلا بخنجر کن تنی که هوشمند است در سیلت بر خاک انداز و خونی که مطهرّ است در محبتت بر خاک افشان اینست دعای حقیقی اینست نیازبندگان الهی . . . »

نار و نور ص ۴۷

ایضا می فرمایند :

« . . . بلا را در سبیل بهاء عین عطا شمرند مصیبت را در ره حضرت احدیّت عین موهبت دانند جمال ابهی روحی لاجبائه الفدا آرزوی بلا می فرمود و تحمّل هر جفا می نمود سدره منتهی مورد تیشه اذیّت و ابتلا بود دیگر معلوم است که این گیاه نا چیز چگونه سزاوار وشایان . . . »

نار و نور ص ۴۰

آن حضرت در مناجاتی طلب بلا می فرمایند قوله تعالی :



« ای پروردگار ، از آن جام سرشار قطره ای نثار فرما و از آن گلشن فدا نفعه ای به مشام من آر تا منجذب آفاق گردم و سرگشته و سودایی آن جمال پر انوار شوم و جان و روان قربان نمایم . . . »

مجموعه مناجاتهای حضرت عبدالهیا چاپ آلمان ص ۴۲۹

## ۲. استقامت و صبر در بلایا

حضرت بهاء الله می فرمایند قوله الاحلی :

« امروز هیچ جامه از برای انسان احسن ، انور و اهی از جامه استقامت بر امر الله نبوده و نیست باید بآن تمسک نمایند . . . امروز در بازار دانا بی گوهر استقامت گران بها است . جواهر ثمینه عالم باو معادله ننماید طوبی از برای نفسی که باو فائز شد و او را از خائنین و سارقین محفوظ داشت . . . »

مجموعه الواح مبارک خط عندلیب ص ۱۲۳

همچنین می فرمایند قوله تعالی :

« . . . در هیچ وقت و احیان از نزول بلایا و محن محزون نباید بود و از ظهورات قضایا و رزایا مهموم و مغموم نشاید شد بلکه بعروة الوثقای صبر باید تمسک جست و بجبل محکم اصطبار تشبث نمود . . . »

مجموعه الواح مبارکه ص ۳۴۴

ایضا می فرمایند:

« . . . در احیان هبوب اریاح امتحان عاشقان جمال رحمن از اهل خسران ممتاز می شوند و نفوسیکه در این ایام مستقیمند از اهل جنّت عندالله مشهود و مذکورند . »

مائده آسمانی ج ۴ ص ۲۱

جمال مبارک در باره چگونگی استقامت در حین بلا یا می فرمایند قوله تعالی :

« . . . سراج حبّ الهی را بزجاجات توکل و انقطاع از اریاح مختلفه حفظ نمایند . . . »

مائده آسمانی ج ۴ ص ۲۲

## ۳. بشارت برای صابرین :

جمال اقدس اهی می فرمایند قوله عزّ بیانه :

« سوف نفتخ علی وجوه الذین استقاموا ابوابا اذا دخلوا یرون انفسهم سلاطین الوجود . »

مائده آسمانی ج ۴ ص ۲۲

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله عزّ بیهانه: «ای حزب الله در موارد بلا صبر و سکون و قرار یابید هر قدر مصائب شدید شود مضطرب نشوید در کمال اطمینان بفضل حضرت یزدان مقاومت طوفان محن و آلام نمایید.»

مکاتیب ج ۳ ص ۱۶۲

ایضا می فرمایند قوله تعالی :

«... یاران آسمانی چون ستم بینند پای را محکم کنند و قوّت متانت و مقاوت ظاهر نمایند تحمل تیغ و شمشیر کنند...»

نار و نور ص ۴۹

ایضا می فرمایند قوله تعالی: «... با ید بفضل و عون الهی چنان استقامت و ثبوتی از مستظلمین در ظل جناح عنایت حضرت احدیّت ظاهر و لائح گردد که جمیع انظار و عقول حیران شود...»  
نقل از جزوه بحرانها و پیروزیها ص ۳

لوح آیوب و شرح حال او و عنایات الهیّه که به او رسیده یکی از بهترین نمونه های تبدیل عسر به یسر است که جمال اقدس الهی بدان اشاره فرموده که در اثر صبر و استقامت و فضل الهیّه نصیب صابربین می شود: "انما یوفی الصابرون اجرهم بغير حساب" اجر صبر و تحمل بی حد و حساب می باشد.

خلاصه شده از کتاب نفحات ظهور حضرت بهاءالله ص ۲۹۰

#### ۴. شکرانه

حضرت بهاء الله می فرمایند قوله الاحلی :

«... آنچه بر تو وارد شد بر ما مکرر وارد . اشکر ربک کما شکرنا بما ورد علینا فی سبیلہ المستقیم و نباه العظیم ... زود است که اهل ظلم و طغیان برخسارت خود و ربح شما اقرار نمایند.»

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۲۹۸

و نیز می فرمایند: «... لک الحمد یا الهی بما اخترتنا لقضائک و اختصتنا لحمل البلیا فی حبک و رضائک...»

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۲۸

حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله تعالی: «باری تا توانی شکر نما چه که شکر در موارد بلا از شیم مقربین و خصائص مخلصین است...»

منتخبات آثار مبارکه ج ۲

ایضا می فرمایند :

« ای بنده بما از بلا یای وارده بدرگاه احدیت شکرانه نما زیرا مصیبت در سبیل حضرت احدیت عین عنایت است و مشقت صرف موهبت . . . »

پیام شهر الشرف ۱۴۱ بدیع

ما همیشه و در هر حال باید دعای شکر را بجا آوریم :

« الهی الهی اشکرک فی کل حال و احمدک فی جمیع الاحوال فی النعمة الحمد لک . . . فی فقدها الشکر لک . . . فی الباسا لک الثناء . . . فی الضراء لک السناء . . . فی الشدة لک الحمد . . . و فی الرخاء لک الشکر . . . تحت السیف لک الافضال . . . فی السجن لک الوفاء . . . و فی الحبس لک البقاء . . . »

ادعیه محبوب ص ۴۵

#### ۵. خدمت

حضرت عبدالبهامی فرمایند قوله تعالی :

« . . . باید احبای الهی و اماء رحمن از هیچ بلائی فتور نیارند و از هیچ مصیبتی قصور در خدمت جائز ندانند . . . »

مکاتیب ج ۳ ص ۱۸۵

ایضا می فرمایند :

« شما باید در این امر ، یعنی خدمت به عالم انسانی ، حیات خویش نثار کنید و در کمال سرور و جبور جان فدا نما یید . » ( ترجمه )

نشریه ش ۳ ص ۲۰

و نیز می فرمایند :

« در جمیع احیان بذکر و ثنا مشغول باش . . . »

آثار قلم اعلی ج ۵ ص ۱۶۴

#### مقام فدا و شهدا

حضرت بماءالله جلّ جلاله می فرمایند قوله تعالی :

« یا ابن الانسان و جمالی تخصّب شعرک من دمک لکان اکبر عندی عن خلق الکونین و ضیاء الثقلین فاجهد فيه یا عبد . »

کلمات مکنونه عربی

ایضا می فرمایند :

« انّ الذی یسفک دمه فی سبیلی یبعث الله من کل قطرة منه هیاکل المقربین و المخلصین . »  
مقدمه نار و نور

ایضا می فرمایند :

« . . . شهادت به مثابه اکسیر اعظم است و کبریت احمر ، در این ایام مذکور غیر موجود ،  
نصیب هر کس نبوده و نخواهد بود . . . »

مجموعه الواح مبارکه ص ۹-۱۷۸

ایضا می فرمایند :

« یا شیخ این حزب از خلیج اسماء گذشته اند و بر شاطی بحر انقطاع خرگاه افراشته اند . ایشان  
از صد هزار جان را یگان نثار نمایند و بما اراده الاعداء تکلم نمایند بارادة الله متمسکند و از ما عند  
القوم فارغ و آزاد ، سر دادند و کلمه نا لایقه نگفتند . تفکر نماید گویا از بحر انقطاع نوشیده اند  
زندگی دنیا ایشانرا از شهادت در سبیل الهی منع نمود ... »

لوح ابن ذئب ص ۵۵

ایضا می فرمایند :

« . . . اگر مردمان بیابند و بدانند جان رایگان در راه این رنج دهند . . . اگر در ظاهر منکر  
است در باطن پسندیده بوده و هست . . . »

مجموعه الواح ص ۳-۲۴۲

در تاریخ نبیل در باره حضرت اعلی و سفر ایشان از مکه به مدینه و ارتباط ایشان با ارواح  
مقدسه شهدا و همچنین اینکه خود آرزوی شهادت داشته اند چنین آمده است که خلاصه ای از  
آن را ذکر می کنیم : حضرت باب از مکه به مدینه توجه فرمودند . . . همانطور که به مدینه  
نزدیک می شدند در باره مصائب حضرت رسول و سرگذشت آن بزرگوار تفکر  
می فرمودند . . . شهدای راه اسلام و نفوسی که جان خود را در راه حضرت رسول فدا کرده  
بودند در مقابل چشم آن حضرت مجسم شدند . تربت مقدس شهدا بر اثر اقدام مبارک حیات  
جدیدی یافت و آن ارواح مقدسه با صدای بلند بحضرتش خوش آمد می گفتند حضرت اعلی در  
جواب آنها که تقاضا می نمودند همین جا پیش آنها بمانند ( زیرا در این جا اذیت و آزار دشمنانی که  
بمخالفت حضرتش قیام خواهند کرد به ایشان نخواهد رسید ) می فرمودند من در این عالم آمدم تا  
عظمت و جلال شهادت را مشاهده کنم شما می دانید من چقدر شهادت را دوست دارم و باو  
مشتاقم دعا کنید که خدا ساعت شهادت مرا نزدیک کند و جانفشانی مرا قبول نماید خوشحال

باشید مسرور باشید زیرا من و قدوس بزودی با نهایت خلوص در قربانگاه وارد شده و در راه مولای خود بهاء جان خویش را فدا خواهیم کرد . خونی که در راه او ریخته شود باعث سر سبزی و شادابی باغ سعادت جاودانی ما خواهد بود قطرات خون ما بمنزله بذرهایی هستند که پس از کاشته شدن درخت خداوند از آن بعمل خواهد آمد آن شجره الهیه بسیار تنومند و پر قوت است جمیع امم و ملل دنیا در سایه آن درخت مجتمع خواهند شد . . .

تاریخ نبیل ص ۷-۱۲۶

حضرت عبدالبهاء در باره فدا شدن می فرمایند قوله عزّ بیانه :

« . . . طوبی لمن فدی بنفسه فی سبیلی . طوبی لمن حمل الشدائد باسمی . و ما منعه الدنیا عن الورد فی شاطئی . . . »

مکاتیب ج ۳ ص ۱۴۵

و در مقامی می فرمایند:

« عاشق فدیه ای است برای محبوب . . . باید بکلی خویش را فراموش کند . . . رضای حق جوید و طالب لقای حق گردد و در سبیل حق سالک شود . . این اولین مرحله فدا است مرحله دوم ایثار، آن است که انسان باید چون حدید باشد که در کوره نار افکنده شده است کیفیات حدید چون سیاهی ، سردی و سختی که تعلق به خاک دارد معدوم و زائل گردد و صفات نار چون صلابت افروختگی و حرارت که تعلق به ملکوت دارد . واضح و عیان شود پس حدید صفات و کیفیات خود را فدا کرد تا به مرحله نار صعود نمود و فضائل این عنصر را تحلیل کرد »

ترجمه کتاب اندیشه ها ص ۲۰۸

ایضا می فرمایند : « انسان تا بمقام فدا قدم نهد از هر موهبتی محروم گردد و مقام فدا مقام فنا

و نیستی است تا هستی الهی جلوه نماید . »

نشریه شماره ۳ ص ۲۲

و نیز می فرمایند : « تقرّب الی الله مستلزم فدای نفس است ، انقطاع و تفویض جمیع به اوست .

تقرّب مماثلت است . » ( ترجمه )

نشریه ش ۳ ص ۲۲

### مقام شهدا

حضرت بهاءالله جلّ جلاله می فرمایند قوله تعالی : « . . گمان نکنید که احبّا هم در این میان از سیوف ظالمان کشته شده اند قسم به آفتاب ملکوت صدق که هر نفسی از دوستان الهی که در آن واقعه شربت شهادت آشامید و برفیق اعلی صعود نمود و در ظل قباب رحمت الهی ساکن و

مستریح گشت اگر آن مقامات بقدرسم ابره تجلی نماید کل بندای یا لیتنی کنت معه ناطق  
می گردند . . . »

نار و نور ص ۱

سرّ فدا

فدا نمودن جان آسان است

حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله عزّ بیانه :

«جسم را فدا نمودن آسان لکن شئون منبعثه از حیّز وجود را که از لوازم ذاتی امکانست فدا نمودن  
مشکل .»

مکاتیب ج ۸ ص ۱۱۴

« . . . مقصود از ذبح و قربانی در کور حضرت خلیل مقام فدا بود نه مراد قصابی و خونریزی  
این سرّ فداست . و سرّ فدا معانی بیحد و شمار دارد از جمله فراغت از نفس و هوی و  
جان فشانی در سبیل هدی و انقطاع از ما سوی الله و از جمله محویت و فنا . . . »

مکاتیب ج ۲ ص ۳۲۸

بیت العدل اعظم الهی در پیام مورخ شهر الشرف ۱۴۲ بدیع خطاب به احبای ایرانی مقیم  
بلاد غریبه می فرمایند :

« . . . پس ای یاران عزیز ، چون دیده بصیرت بگشاییم ، سرّ فدا را در استقامت بهایان عزیز در  
ایران ، مشهود بینیم و سر تعظیم پیش آن واصلان بارگاه قرب الهی فرود آوریم . . . »

در باره مقام دو نفس مقدّس ( سلطان الشهداء و محبوب الشهداء ) از نظر اینکه اول از مال  
گذشتند و بعد از جان ، چندین لوح و زیارتنامه در باره نورین و نیرین نازل گشته از جمله لوح  
مفصّل " اول نور اشرق من افق ظهور وجه ربکم فاطر السماء علیکم یا مظاهر الوفا و مطالع  
الاسماء فی ملکوت الانشاء .. . اشهد انک اقبلت و سمعت النداء و اجهت مالک الاسماء و اخذک  
جذب الآیات علی شان انفقت ما عندک و روحک فی سبیل الله المهیمن العزیز القیوم . . . " .

لیالی درخشان ص ۱۵۳-۱۵۶

و در لوح دیگر خطاب به جناب حیدرعلی چنین نازل شده است "راجع به سلطان الشهداء قبل از شهادت ظاهره قلم اعلی بر شهادتش شهادت داده... چند سنه قبل از صعود در دفتر شهداء اسمش از قلم اعلی مذکور و مسطور"

لغالی درخشان ص ۱۵۱

### خون شهدا

حضرت عبدالبهاء در ذکر شهید قربانگاه عشق حضرت میرزا یعقوب متّحده چنین می فرماید  
قوله تعالی :

« ای ثابت بر پیمان . . . شهادت حضرت یعقوب حضرت یعقوب را باز معتکف بیت الحزن کرد و جمیع یارانرا باسف شدید انداخت ولی این شهادت آن جان پاک را عین مسرت بود . . . در کرمانشاه چنان روح و ریحانی عنقریب احداث نماید که حتی اهل عدوان فریاد و فغان برآرند که ای کاش اوباش متصدی این ظلم دلخراش نمی شدند . زیرا بر عکس نتیجه بخشید گمان میشود سبب خمودت است . ولی این خون جوشید و انجذاب و حرارت حاصل شد . . . این شهادت کبری سبب نصرت عظمی است . آن خون رنگین عاقبت آن مدینه را بهشت برین نماید . اطبا بر آنند که قوت خون بسیار است در پای هر شجره ریخته گردد آن درخت تن آور شود . و شکوفه و ثمر بی حد و حصر دهد . این تاثیر خون بهائم است دیگر معلوم است که چنین خون مبارک انسانی در پای شجره مبارکه چه قدر سبب قوت و نمو و شکوفه و ثمر گردد . . . »

مکاتیب ج ۳ ص ۱۵۲

حضرت ولی مقدس امرالله چنین بیان می فرماید قوله عزبیانه :

« . . . اهراق دماء مطهره شهیدان ایران است که در این قرن نورانی و عصر گوهر افشان اعزّ اهبایی روی زمین را بهشت برین نماید و سراپرده وحدت عالم انسانی را کما نزل فی الالواح در قطب آفاق مرتفع سازد و وحدت اصلیه را جلوه دهد و صلح اعظم را تاسیس فرماید و عالم ادنی را مرآة جنّت الهی گرداند و یوم تبدّل الارض غیر الارض را بر عالمیان ثابت و محقق نماید . »

خلاصه یم بیت العدل اعظم ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰

بیت العدل اعظم الهی در پیام شهر الشرف ۱۴۱ بدیع چنین می فرماید:

« ملاحظه فرمایید که مستشهدین فی سبیل الله و نفوسیکه در نهایت انقطاع و شجاعت در قبال بلایا و رزایا به استقامت کبری فائز گشتند به چه مقامی رسیده اند که حق جلّ جلاله آنانرا در ملاء اعلی شفیع و مجیر ما در این عالم ادنی قرار داده چنانچه در مناجاتی می فرماید:

" سوال می کنم ترا بدمائیکه در راه تو در ایران ریخته شد و به نفوسیکه سطوت ظالمین و ظلم مشرکین ایشان را از توجّه به تو منع نمود و از تقرّب باز نداشت . . . »

در واقعه ابرقو محاکمه اعضاء محفل یزد که در طهران بوسیله آقای . . . وکیل مدافع انجام پذیرفت و فدائیان اسلام در آخر جلسه به سب و لعن امر الله مشغول بودند در همین زمان مولای توانا حضرت ولی امر الله یاران را تسلی داده و اطمینان می دادند که این صدمات و بلاها مقدمه پیشرفت نقشه بدیع الهی است و عنقریب است که آن ذوات نورانی آزاد و دشمنان خجل و شرمسار خواهند شد و چنین هم شد.

جناب فتح اعظم را شهید نمودند یک روز بعد از محاکمه جسد ایشان را در اطاقی جنب خطیره القدس قرار دادند سپس تشییع جنازه عظیمی بر پا نمودند .

توفیق اول اجازه شرکت خاتم ها در انتخابات بود که سه نفر از خاتم ها در محافل ملی و محلی طهران درخشیدند میس ادلید شارپ - شهید مجید سرکار خاتم بهیه نادری و روح انگیز خاتم فتح اعظم . دوّمین مژده اتمام ساختمان مقام مقدّس اعلی بود که با عشق و فداکاری برای اتمامش کوشش کرده بودند در آن موقع لجنه جوانان از احبّا خواسته بودند که هر شئی نفیسی که دارند و می خواهند تقدیم کنند به سالن خطیره القدس بیاورند تا برای مقام اعلی ارسال گردد .

توفیق سوّم خیر انتصاب ایادیان و اعلام آن به عالم بهائی بود و بشارتی از موفقیّت های آینده بود . توفیق چهارم اعلام نقشه دهساله جهاد اکبر الهی بود که حقیقتاً در اجرای آن نقشه جهانگیر شدن امر الله و پراکنده شدن آن در سراسر عالم تحقّق یافت .

کتاب نقش خیال دوست دکتر شاپور جوامردی ص ۴۹

حادثه خوش دیگر انتخاب جوانترین عضو کانونشن ملی از شیراز جناب علی نجوانی به عضویت محفل ملی ایران .

و نتیجه خون سه شهید مجید در آفریقا بیت العدل اعظم در پیام ۱۰۵ بدیع می فرمایند :

« باید همواره بخاطر داشت که فتوحات اهل بهاء از طریق بلاها و امتحانات بدست می آید . »

بیت العدل اعظم در بیان اینکه جانفشانی « نسل فدا » چه ثمراتی برای ایشان دارد می فرمایند :

« مطمئن باشند که این زحمات و جانفشانی ها به اضعاف مضاعف سبب سعادت آن دوستان راستان گردد و اولاد و احفادشان را در پناه جمال احدیّت قرار دهد . . . »

پیام مورّخ ۳۱ مارس ۱۹۸۷



## شهدا به مخاطبین خود ندا می دهند

حضرت عبدالبهاء جل جلاله می فرماید قوله تعالی :

« . . . آن جان پاک از اوج اعلائی افلاک در ملکوت اهی ناظر به شماست و ناطق بثناء که ای منتسبین و متعلقین شادی کنید و آزادی و وجد و طرب نمایید و شادمانی که من از آن عالم آلوده آزاده گشتم و در خلوتخانه ملکوت و صومعه لا هوت مستریح و آسوده گشتم از دست ساقی عنایت جام احدیت نوشیدم و از جمال رحمانیت شهد لقا چشیدم ای کاش صد هزار جان داشتم و فدای محبوب یکتا مینمودم و صد هزار سر داشتم و قربان دلیر یکتا میکردم از شهادت مسرور باشید نه مقهور مشعوف باشید نه ملهوف . . . »

منتخبات آثار مبارکه ج ۲ ص ۱۲۸

## نسل آینده افتخار به اجداد خود می نماید

حضرت عبدالبهاء می فرماید قوله تعالی :

« در وقت نزول بلایا و مِحَن و مصائب بعضی خسته و خمود می شوند ولی خوب می شود عنقریب دودمان آن ها افتخار به نسبت یک موی آن شهید فی السبیل الله خواهند نمود روزی شیخی بما وارد شد در عکا با عمّامه بسیار بزرگ گفت من را می شناسید گفتم : نه گفت : من از سلاله حُرّم گفتم : باشید بعد او را رعایت کردم متصرّف و مفتی واعیان را دعوت نمودم میهمانی کردم او را در صدر مجلس نشاندم بحضرات معرفی نمودم که ایشان از سلاله و دودمان حُرّم بن ریاحی هستند او هم حظّی کرد و کیفی نمود عنقریب باسم سلاله شهدا افتخار ها خواهند کرد . میرزا آقا جان نوری وقتی که صدر اعظم شد تمام اقوام خود را مصدر امر مملکتی نمود و بیستگان خود حکومت داد حضرات بخواجه معروف بودند چون این بزرگواری را در خود دیدند بخيال افتادند سلاله نجیبی برای خود ترتیب دهند دور هم نشستند فکری نمودند شخص منشی خوش تحریری را دیده دو سه هزار تومان باو دادند که سلاله آن ها را به شخص نجیب جلیلی برساند او هم کتابی نوشت بمناسبت اینکه حضرات به خواجه معروف بودند سلاله آن ها را از طرف مادر ، کنیزی بخواجه اباصلت رسانید اینها هم جشن گرفتند چراغان نمودند بساط عیش گسترده ، افتخار ها کردند که الحمد لله سلاله ما بآن کنیز سیاه رسیده که شوهر او و آقای او خواجه اباصلت بوده که گاهی در مشهد خدمت حضرت رضا علیه السلام مشرف میشده بعد ها از آن منشی بعضی رنود پرسیده بودند چطور تو این سلاله را از کتب استخراج نمودی و ترتیب

دادی گفت والله حقیقت مطلب این است که آن کنیز شانزده ماه بعد از مردن خواجه اباصلت  
حامله و فارغ شده بود و این سلاله را تشکیل نموده است . «

مائده آسمانی ج ۵ ص ۲۵۹

## تائیدات ، بشارات ، هدايات

"قسم ببحر اعظم که در انفاس نفوس

مقدسه تاثيرات کليه مستور است على

شان يوتر في الاشياء كلها "

ظهور عدل الهی ص ۵۱

### تائیدات

حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی در سورة القدير می فرمایند قوله العزيز :

« يا قوم فاجعلوا قلوبکم مرآ تا لهذا الشمس لينطبع فيها انوارها و تجلیها . . . و كذلك يا مرم  
ربکم ان انتم تعرفون و من انطبع فيه تجلی هذا الاسم لیجعله الله قادرا على کل شئی بحيث لو يقول  
لکل شئی فانقلب کلهم ینقلبون ولو یرید ان یغلب على امکونات بارادة من عنده لیقدر من قدرة  
ربه و ان هذا الفضل مشهود . . . »

حضرت بهاء الله بیان می فرمایند که نفسی که قلبش از تجلی نور این اسم قدیر نورانی شده باشد  
چنان نیروی پیدا می کند که به انجام هر کاری که اراده نماید توانا می شود حتی اگر تمامی عالم  
بر علیه اوقیام کنند به مدد قوه الهی خواهد توانست به تنهایی در برابر حملات آنان ایستادگی و  
غلبه خود را ثابت و محقق نماید . . . صفحات تاریخ امر از داستانهای جانبازی قهرمانی حواریون  
حضرت بهاء الله آکنده است این قهرمانان روحانی با وجود اینکه از قدرت و توانایی ظاهره محروم  
بودند به چنان قوتی در عالم بالا موید شدند که توانستند باجرات و همت خارق العاده ای چون  
دلیران قیام کنند و بر مشکلات غیر قابل حل غالب گردند . معجزاتی که آنان نمودند در حقیقت  
مصدق این بیان حضرت مسیح بود که فرمود: " اگر ایمان بقدر دانه خردلی می داشتید بدین کوه  
می گفتید منتقل شود البته منتقل می شد و هیچ امری بر شما محال نمی بود "

انجیل متی ۱۷:۲۰ (نصفحات ظهور ص ۱۳۳)

قوه عظیمه ای که در هویت این آئین نازنین مکنون است هر روز در عرصه شهود، نفوذی دیگر کند و جلوه و بروزی بیشتر نماید اینک حضرت ولی مقدس امرالله این قوه را بدینقرار توجیه می فرماید :

... " قوه قدسیه " ساریه جاریه دافعه الهیه که " در مدینه طیبه شیراز نقطه بیان در سنه ستین بآن بشارت داده " و در اثر مشقات و زحماتی که جمال اقدس اهی در سیاه چال ادهم اخفی تحمل فرموده " در سنه تسع در ارض مقدسه در زندان طهران متولد گشته " و در اثر هجرت پر زحمت و مشقت به عراق " تصرفات اولیه اش در مدینه الله نمودار گشته و در ارض سرّدر سنه ثمانین بمنتهی درجه قدرت در حقائق کائنات سریان و نفوذ نموده " و مهمترین آثار عظیمه صادره از قلم جمال مبارک که در ادرنه بعد از فصل اکبر نازل شده سورة الملوک است هیکل مبارک در این لوح عظیم برای اولین بار روسا و بزرگان و سلاطین روی زمین را در شرق و غرب مخاطب قرار داده اند . " و در ایام قیادت مرکز میثاق از سجن اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده و اقالیم غریبه را بمرکت آورده پس از افول کوكب میثاق این قوه ساریه دافعه نافذه در مشروعات و موسسات بیه پیروان امر خداوند یگانه حلول نمود و مجسم و مشخص و مصور گشت " ...

توقیع مبارک نوروز ۱۰۱ بدیع ص ۱۴۳

زمانیکه دو سلطان مقتدر همدست شدند تا از انتشار شمس حقیقت جلو گیری نمایند و جمال اقدس اهی را با چهار نفر از معاندین بعکا بدترین نقاط و مخرب ترین بلاد برای حبس ابد تبعید نمودند . میرزا آقا جان حسب الامر مبارک می نویسد : « . . . فرمودند که این سفر حتم است و باید برویم علی الله فی کل الامور توکلی . . . در روز حرکت غوغای غریبی بر پا شد با هفتاد و دو نفر از ارض سرّ بارض سجن توجه فرمودند دیگر چه عرض کنم که در راه چه حالت خوشی دست داد والله جمیع مثل آنکه بعیش می روند و دیگر چه عرض کنم از آیات بدیعه که در هر حین ظاهر و هویدا میگشت فیالیت کنت معنا »

لیالی درخشان

در این مقام ترجمه قسمتی از فرمان پادشاه عثمانی که بزبان ترکی راجع به تبعید و حبس حضرت بهاء الله به عکا صادر شده ذیلا درج می گردد:

« . . . میرزا حسینعلی و جمعی از اصحاب ایشان بحبس ابد در قلعه عکا محکوم گردیده اند وقتی بآن قلعه رسیدند و تسلیم شما شدند ایشا نرا در داخله قلعه مادام الحیات مسجون سازید و مراقبت

کامله مجری دارید که با احدی آمیزش ننماید و مامورین بنهایت دقت نظارت نمایند که از محلی به محل دیگر حرکت نکنند و دائما تحت نظر دقیق باشند . «

کتاب حضرت همام الله ص ۷-۱۹۶

این حکم از این جهت در این مقال ذکر می شود تا معاندین امرالله بدانند که جمال مبارک با میل خود به سرگونی و تبعید نرفته اند بلکه اراده الهی تعلق گرفت و دو پادشاه مجری این امر قرار بگیرند تا وعود الهیه که از قلم انبیاء اعظام سه هزار سال قبل نازل شده تحقق یابد از عاموس نبی چنین نقل شده است که می فرماید :

" پس ای اسرائیل خویشتن را مهیا ساز تا با خدای خود ملاقات نمائی . . . و در باب ۳۵ کتاب اشعیا است که می فرماید : " بیابان و زمین خشک، شادمان خواهد شد و صحرا بوجد آمده مثل گل سرخ خواهد شکفت شکوفه بسیار نموده با شادمانی و ترم شادی خواهد کرد شوکت لبنان و زیبای کرم و شارون بآن عطا خواهد شد . جلال بهوه و زیبای خدای ما را مشاهده خواهند نمود "

لئالی درخشان ص ۳۱۱

این قوه در ایام قیادت مرکز عهد و میثاق از سجن اعظم بجهان فرنگ سرایت کرده کشیش کلیسا در شیکاگو هیکل اظهر را با اسم پیغمبر ایرانی و نبی شرق نام برد و حکایت از چهل سنه حبس و بلا تا ایام آزادی و فلاح و مسافرت مبارک باروفا و امریکا نمود .

خلاصه شده از سفر نامه مبارک ج ۱ ص ۲۵۰

در انجمن تیاسفیها رئیس انجمن با نهایت تعظیم و ادب در معرفی طلعت پیمان گفت : این فیض عظیم و افتخار بزرگی است که خود را در محضر شخصی می بینیم که بزرگترین پیغمبر صلح و سلام است من بدون شک احساس می کنم و از قبل جمیع می گویم که تا حال چنین شرفی نصیب ما نشده که بیان حیات بخش را از لسان پیغمبر حی بشنوم لهذا با نهایت افتخار و سرور حضرت عبدالبهاء پیغمبر صلح و مروج اخوت عمومی را معرفی می نمایم .

خلاصه شده از سفر نامه مبارک ج ۱ ص ۲۴۶

شخصی که بهایی نبود اظهار داشت . . . که ( حضرت عبدالبهاء ) فخر ایران است و سبب افتخار مشرقیان .

سفر نامه مبارک ج ۲ ص ۱۴۸

از صبح تا ظهر جمعیت بسیاری از رؤسای مجامع و پرفسورهای ترک و عرب و اروپایی مشرف و از نطق و بیان مبارک چنان پر جذبه و شور گردیدند که شهادت بر عظمت و اهمیت امر مبارک دادند. . . و رئیس دارالفنون و اعضای پارلمان منشی اول سفارتخانه ، صاحبان جراید تقاضا داشتند اسم مبارک را بقلم خود در آن روزنامه که ورود ایشان را نوشته بود بنویسند .

سفر نامه مبارک ج ۲ ص ۲۲۸

آری در این برهه از زمان احبای الهی ، با آن قوای مقدسه ای که در قلوب هزاران هزار نفوس پاک و طاهر ودیعه گذاشته شده معجزه آسا توانستند با خون خود شهادت بر این ظهور اعظم دهند و با کمال سرور طناب دار بوسیده و در برابر ظلم ظالم اظهار ما فی الضمیر نمایند . و یا در جواب اینکه من دشمن تو هستم از روی حقیقت گویند : " در عوض ترا دوست دارم " و چون این جمله لله گفته شد و سخن هم دلپذیر بود در آهن سخت او اثر گذاشته و تغییر روش داده و خوی حیوانی او به ترحم و انسانیت تبدیل گشته و تقلیب ماهیت نموده و مصداق بیان مبارک حضرت ولی مقدس امرالله گشته که می فرمایند :

« شادند و محن و آفات و آلام که بحکمت بالغه احدیه بر جامعه اسم اعظم وارد آید کلّ مایه تقویت روح و تحکیم اساس و تشیید مبانی الفت و و داد در بین سالکین سیل هدی و متمسکین بعروة وثقی بوده و هست . »

ظهور عدل الهی ص ۳

حضرت اعلی در خطاب به پیروانش در اول پیدایش آئین حضرتش چنین می فرمایند :

« . . . به ضعف و عجز خود نظر نکنید ، به قدرت و عظمت خداوند مقتدر و توانای خود ناظر باشید . . . به نام خداوند قیام کنید ، به خدا توکل نمائید و به او توجه کنید و یقین داشته باشید که با لآخره فتح و فیروزی با شما خواهد بود . »

قرن انوار ص ۴۵

حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله تعالی :

« . . . هر چه زحمت و مشقت بیشتر باشد باید شکر و حمد نمود که سبب ظهور تائید و عنایت ملکوت اهیست . . . »

مکاتیب ج ۵ ص ۱۴۸

« . . . بلایای سبیل الهی انسان را سبب تائیدات است بلکه قوتی است ملکوتی و موهبتی لاهوتی . . . نفوسیکه ثابت و راسخند آنان را امتحان اعظم مواهب است . . . »

مکاتیب ج ۳ ص ۱۸۴

حضرت ولی مقدس امرالله می فرماید :

« هر قدر صولت هجوم احزاب و قبائل بر جند الهی شدت نماید اشعه تائید بر اشراق بیفزاید »

توقیعات مبارکه ج ۲ ص ۱۶۷

و نهایت تاییدات الهی را در این بیان می توان احساس نمود که می فرماید :

« جمیع افرادی که به هر وسیله ای خواستند از پیشرفت امرالله بکاهند و مقصد اصلی آنرا موقتاً تیره و پنهان سازند آنچه انجام دادند نتیجه اش درعمل آن بود که این آئین تطهیر و تہذیب گشت ، فوران و هیجان حاصل نمود، روح آن صیقل یافت ، موسساتش پیراسته گشت و اتحادش تحکیم پذیرفت ولی هرگز موفق نشدند در جمیع پیروان کثیر این آئین نازنین انشقاق و شکافی دائمی تولید نمایند . »

جزوه مشیت الهی ص ۸۲-۸۵ توقیع شهر المسائل ۱۹۴ دسامبر ۱۹۳۷

ایضاً در مقام تاییدات روح القدس در بشارات می فرماید قوله تعالی :

« . . . روح القدس بیشترک بالانس کیف تخزن و روح الامر یویدک علی الامر کیف تحتجب و نور الوجه یمشی قدامک کیف تضلّ . »

کلمات مکنونه ش ۳۴

### بشارات

راجع به عالم امکان که منقلب است و انقلابات بی درپی ، و وجه آن رو به لا مذهبی است کرارا در الواح و آثار طلعات مقدسه زیارت کرده ایم . از طرف دیگر حضرت بهاء الله در مقام پیشگویی از آینده ای درخشان برای دنیایی که در حال حاضر غرق ظلمت و تاریکی است با قاطعیّت بیاناتی فرموده اند که در این جزء نمی گنجد ولی گوشه ای از آن را مزید اطلاع یاد آور می شویم . می فرماید قوله تعالی :

« عالم منقلب است و انقلاب او یو ما فیوما در تزیاید و وجه آن بر غفلت و لا مذهبی متوجه و این فقره شدت خواهد نمود و زیاد خواهد شد بشارتی که ذکر آن حال مقتضی نه و مدتی بر این نهج ایام می رود و اذا تم المیقات یظهر بغتة ما یرتعد به فرائض العالم اذا ترتفع الاعلام و یغرد العنادل علی الافنان . »

و قوله الاعلی : « . . . وجه عالم بلا مذهبی متوجه در کل سنین بلکه در کل شهور بل در کل ایام از ایمان و عرفان و ایقان بعید و بظنون و اوهام نزدیک تا مدتی باین نحو خواهد بود چنانچه میقات

آن در کتاب الهی نازل و ثبت شده و لکن محزون مباش چه که اشراقات شمس حقیقت رطوبت زائده طبیعت را جذب خواهد فرمود و تشتتات حروف را جمع خواهد نمود . . . بعد از انقضاء مدت مذکوره در کتاب بغتة امر الله مرتفع و جمیع نفوس باو متوجه ان ربک لهو الصادق المتکلم الناطق الامین . «

امر و خلق ج ۴ ص ۴۷۲

و نیز می فرمایند :

« حال ارض حامله مشهود . زود است که اثمار منیعه و اشجار باسقه و اوراد محبوبه و نعماء جنیه مشاهده شود ... »

در پیش بینی از عصر ذهبی بشریت مرقوم داشته اند : « این ظلم ها تمهید عدل اعظم می نماید . » ( ترجمه )

و عدل اعظم در واقع عدلی است که تنها بر اساس آن بنای صلح اعظم باید بالمآل استقرار یابد و این صلح اعظم بنوبه خود مبشر مدنیت عظیمی است که همواره با نام " اسم اعظم " همراه خواهد بود . "

کتاب حال و آینده جهان ص ۱۳

حضرت بهاء الله جلّت عظمت اینگونه بشارت می دهند :

« عنقریب است که اعلام قدرت الهی را در همه بلاد مرتفع بینی و آثار غلبه و سلطنت او را در جمیع دیار ظاهر مشاهده فرمائی . »

امر و خلق ج ۴ ص ۴۷۵

و ایضا می فرمایند :

« از بلا یای وارده محزون مباشید عنقریب از افق نظر ربانی شمس سرور طالع شود . »

آیات الهی ج ۲ ص ۳۴۲

در سورة الملوک بشارت به ارتفاع امر مبارک می دهند و می فرمایند :

« فسوف یرفع الله امره و یظهر برهانه بین السموات و الارضین . »

و نیز در باره عزت اصحاب الهی می فرمایند قوله عزّ بیانه :

« . . . عنقریب اصحاب الهی در همه دیار معزز باشند الحمد لله جمیع اعداء مخذول خواهند شد دیگر مثل قبل نیست که مردود همه دول باشند . . . »

ماتده آسمانی ج ۸ ص ۱۲۰

در باره عظمت امر و اینکه سدره امرش را با خون ابرار آبیاری می کنند و این بلا یای وارده به منزله دهن است می فرمایند:

« الحمد لله الذی جعل امره فی مقام لا یضّرہ البلایا و لا تضعفه الرزایا انه غرس بایادی الاقترار سدره امره و سقاها من دماء الاخیار و الابرار انه لا تعجزه ضوضاء العباد و لا تمنعه ضغائن من فی البلاد . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۸۷

ایضا می فرمایند قوله عز بیانہ:

« . . . مشرکین در هر ظهور بدیع و تجلی منیع چون جمال لا یزال و طلعت بیمثال را در لباس ظاهر ملکّیه مثل سایر ناس مشاهده مینمودند بدین جهت محتجب گشتند و غفلت نموده بآن سدره قرب تقرّب نمیجستند بلکه در صدد دفع و قلع و قمع مقبلین الی الله بر آمده چنانچه در این کور ملاحظه شد که این همج رعاع گمان نموده اند که بقتل و غارت و نفی احبای الهی از بلاد توانند سراج قدرت ربانی را بیفسرند و شمس صمدانی را از نور باز دارند غافل از اینکه جمیع این بلایا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح . . . »

مجموعه الواح مبارکه ص ۳۷۰

و نیز در باره عظمت ظهور و اینکه همه ابواب بروی ممتحنین اش گشوده و سطوت آئینش روز بروز رو به تزاید است می فرمایند:

« . . . امروز روزیست که هر نفسی آنچه اراده نماید بآن فائز میشود چه که ابواب عنایت مفتوح است و بحر کرم در امواج و آفتاب جود در ظهور و اشراق . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۱۸۰

حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله تعالی:

« . . . قدری تفکر فرمائید که چگونه سطوت امرالله آفاق را حیران نمود و شمس حقیقت از افق بلا اشراق فرمود با وجود این همه سفک دماء مطهر و بلا یای متتابعه و تعرضات مترادفه در ازمنه سالفه شمع رحمانی روشنتر شد و پرتو شمس حقیقت شدید تر گردید آهنگ هُنگ الهی را خروش بیشتر شد و دریای عطای ربّانی را موج و جوش عظیمتر گشت و عنقریب ملاحظه خواهید نمود که فوج فوج مانند موج بساحل نجات توجه نمایند . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۶۷



ایضا می فرمایند :

« در حوادث واقعه در آن صفحات محزون مگردید ، مغموم مشوید ، مطمئن به فضل و عنایت ربّ احدیت باشید که حافظ حقیقی است و جمیع امور در ید قدرت او اسیر، حادثی که در ایران واقع می شود یا در تمام جهان آشکار می گردد منتهی به نشر نفحات است و اعلاء کلمة الله زیرا عالم اکوان خادم امر حضرت رحمان است . »

خلاصه پیام بیت العدل اعظم ۲۹ دسامبر ۱۹۹۰

و اینکه همه امور خادم امرالله و باعث نشر نفحات الله و سبب استحکام قصر مشید امر اعز الهی است می فرمایند :

« . . . در کتاب خود بنویسید که هر چه واقع شود سبب علو کلمة الله و نصرت امرالله است ولو بظاهر کمال زحمت و ذلت باشد جمیع امور خادم امرالله است . »

سفرنامه مبارک ج ۱ ص ۲۴۵

و نیز می فرمایند :

« در بحبوحه انقلاب آثار نصرت و ظفر نمودارو در اثر هر محنت و ابتلابی فتح و انتصاری جدید آشکار و جلوه ای بدیع و تلؤلوی شدید پدیدار ... هر انقلابی که دست دشمن ستمکار در جامعه پیروان امر کردگار احداث نمود ، علت استحکام اساس و اسباب اشتهار و باعث اتساع و مورث انتصار امر الهی گشت . »

پیام شهر العزة ۱۳۵

حضرت عبدالبهاء می فرمایند قوله تعالی :

« . . . این مسئله تجربه شده است که هر وقت فریاد علمای ملت و اعتراض آنها بلند شد

امرالله قوت گرفت . »

بدایع الاتار ج ۱ ص ۳۶۰

و بشارت به نفوسی که بمر نوعی مورد عنایت حق قرار گرفته و به رضای الهی فائز شده و به موهبت کبری رسیده اند . حضرت عبدالبهاء چنین می فرمایند :

« اگر بدانی از برای نفوسی که از این عالم منقطعند و در نهایت قوت مجذوب امر الهی و مشغول به تبلیغ و مستظل در ظلّ حضرت بهاء الله ، چه مقام رفیعی مقدر گردیده، از شدت سرور و انجذاب و وجد و اشتعال بال بگشایی و به اوج افلاک پرواز نمایی که در چنین سبیلی سالکی و بسوی چنین ملکوتی عازم . » ( ترجمه )

نشریه شماره ۳ ص ۲۰

ایضا می فرمایند :

« . . . اگر چه از یوم انتساب راحتی نمودی و آسایش نیافتی و در بستر خوشی نیارمیدی اما چون این زحمات در راه خداست البته نتیجه موهبت کبری است و رحمت عظمی . . . »

مکاتیب ج ۷ ص ۲۳۲

و نیز می فرمایند :

« . . . مغموم مباش ، محزون مباش ، اسیر اندوه مباش این ایام بسر آید و بعالی پر شاهد و شکر در آئیم و در سایه نخل امید بیا رمیم و محفل لاهوتی بیا را ئیم . . . »

مکاتیب ج ۷ ص ۲۵۲

ایضا می فرمایند :

« . . . ای شمع افروخته انجمن محبت الله اگر در سوز و گدازی مغموم مباش و مهموم مباش جنود ملاء اعلی ناصر شماست و قبیل ملائکه مقربین حامی شما از فضل و موهبت الهیه مطمئن باش که آثار قدرت باهره اش عنقریب آفاق را منور فرماید و سطوة برهان الهی ملکوت وجود را احاطه نموده و خواهد نمود . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۸۰-۷۹

و نیز می فرمایند قوله تعالی :

« نفوسی که در سبیل الهی در صدمه و مصیبت افتادند و جام بلا نوشیدند ، آن اشخاص در ساحت مقدّس از جواهر وجود معدودند و مظاهر الطاف نا محدود خواهند گشت . »

مکاتیب ج ۴ ص ۷۵

و همچنین می فرمایند :

« ای احبای الهی از تعرض جاهلان دلتنگ نشوید و از موارد بلا در این جهان پریشان نگردید قوه محرّکه آفاق در نشر نفحات ، بلائاء وارده بر احبای است و رزایاء متابعه بر اصفیاء ملاحظه کنید هر چه جفا بیشتر دیدند علم وفا بلند تر شد و هر چه بلا بیشتر مشاهده نمودند فیض جمال الهی عظیمتر گشت . »

پیام شهر الکمال ۱۵۰ بدیع

حضرت ولی مقدّس امرالله می فرماید قوته تعالی : « الحمد لله که الیوم بشائر اعلاء امر الله در بروز ظهور است و علائم ترویج کلمة الله در هر نقطه و دیاری واضح و مشهود در دین الهی در قطعات خمسه عالم علی الخصوص در اکناف و صفحات بعیده ، قطعه استرالیا و شرق اقصی نفوس

زکّیه ای دسته دسته داخل میگردند و عنقریب فوج فوج در جنوب و شمال و شرق و غرب عالم باین نور مبین اقبال نمایند مصداق بشارات قلم اعلی در شرف ظهور و وقوع است و نتایج بلیات و صدمات و مشقّات متوالیه حضرت اعلی و جمال اقدس الهی و مولای عزیز حضرت عبد البهاء متدرجا باکملها و احسنها واضح و مکشوف میگردد . . . »

مانده آسمانی ج ۳ ص ۴۹

و در توقیع ۱۱۰ می فرماید :

« . . . این ظلمهای وارده عظیمه تدارک عدل اعظم الهی می نماید . . . »

در دستخط حضرت ورقه علیا ۹ ربیع الاول ۱۳۴۱ خطاب به حاجی آقا محمد علاقه بند

چنین مذکور است :

« . . . بکرات مرّات تجربه شده که آنچه واقع گشته و وارد آمده نتیجه عزّت دین الله و ارتفاع کلمه الله بوده حال نیز چنین است هر چند طوفان و گرد باد امتحان شدید و عظیم است و سفینه امر الله محاط بصدمات و لطمات امواج است ولی ملاح الهی سگان فلک رحمانی را در قبضه قدرت و عظمت خود گرفته و در نهایت سکون و وقار و هیبت و اقتدار سیر و حرکت دهد و عاقبت به ساحل سلامت و مرکز عزّ اقامت کشاند از این جهت اطمینان تام موجود . . . »

همایه ۱۵

بیت العدل اعظم الهی در پیام رضوان ۲۰۰۲ چنین می فرماید :

« آ یا حضرت بهاء الله با این کلمات پر هیمنه در نصایح محبت آمیز خود وعده نفر موده و قوت و قدرت عنایت ننموده اند که می فرماید : " از حوادث دنیا محزون مباشید بحر فرح ، لقای شما را آمل چه که هر خیری مخصوص شما خلق شده و به اقتضای اوقات ظاهر خواهد شد . . . »

و این هم بشارتی برای احبای ایران چنانچه در پیام ۱۳۵۸ خطاب به آنها می فرماید :

« . . . یاران عزیز ایران . . . اگر به ظاهر ، مظلوم و مقهورند ولکن بر مسند فتح و ظفر

روحانی جالس و به رضای الهی فائز و در بساط انس و قرب ، وارد . . . »

### انفصال و استقلال امرالله و موسسات آن

حضرت ولی مقدس امرالله می فرماید قوله تعالی :

« هنگامی که نظم اداری امر حضرت بهاء الله در شرق و غرب عالم استقرار مییافت و اساس و شالوده آن بکمال متانت و اتقان نهاده میشد آئین الهی در قطر مصر از جانب مصادر امور و

روسای مذهبی آن دیار مورد حمله شدید قرار گرفت حمله ای که از لحاظ تاریخ فصل جدیدی در مسیر ترقی و تکامل امرالله باز نمود و موقعیت خطیره و بی نظیری در عصر تکوین این دور اعظم بل در تمام قرن اول بهایی ایجاد کرد این تحول عظیم که در نتیجه تعرض اعدا حاصل گردید شریعت الله را از مرحله مظلومیت بمرحله انفصال و استقلال سوق داد و راه را برای رسمیت آئین رحمانی و تاسیس سلطنت الهی و استقرار حکومت جهانی بهایی که در مستقبل ایام بکمال عظمت و جلال جلوه گر خواهد گردید هموار نمود . »

قرن بدیع ج ۴ ص ۱۳۱

حضرت ولی امرالله این واقعه را چنین ذکر می نمایند :

« در کوم الصعایده یکی از قصبات گمنام مصر... بعثت تاسیس محفل روحانی ... کدخدای محل بر آشت ... و یاران حضرت رحمان را نزد مقامات انتظامی مملکت و حکمران ولایت بمخالفت با شرع انور متهم ساخت ... ضوواء شدید برپا شد ... علیه سه نفر از بهاییان آن سامان اقامه دعوی نمود و از مرجع قضایی انفصال و آزادی زوجات ایشان را خواستار گردید ... در تاریخ دهم می حکم محکمه شرعیه بپا در این باره صادر ... بموجب حکم مذکور علمای سنت عقد زواج بین بهاییان مذکور و زوجاتشانرا فسخ و ارتداد و کفر متمسکین بشریعه ربانیه و انفصال و استقلال امر حضرت رب البریه را از سائر شرایع قبلیه اعلام نمودند ... صدور این حکم ... اولین سند و منشور قاطعی محسوب می گردد که انفصال امر حضرت بهاءالله را از سنن و احکام اسلامیة ابلاغ و راه را برای احراز اصالت و رسمیت آئین بهایی هموار مینمود ... »

قرن بدیع ج ۴ ص ۱۳۳

یک واقعه بظاهر کم اهمیت در یکی از قصبه های گمنام مصر ، موجب صدور فتوای تاریخی می گردد که اثرات و نتایج جسیمه مهمه آن در کشور مصر ، ارض اقدس ، ایران ، ایالات متحده امریک و سائر جوامع بهایی در اقطار مختلفه عالم ظاهر می گردد. از جمله دفن اموات بهایی در قبرستانهایی که به آنها اختصاص داده شده است ، اولین عقد نامه بهایی از طرف ولایةامور فلسطین صادر می شود ، املاک و موسسات امریه و موقوفات مقامات مقدسه در مرکز جهانی آئین الهی کلاً از تادیبه رسوم دولتی معاف شدند ، شعب محافل روحانیه ملیه بهاییان امریکا و هندوستان نیز سمت رسمی یافتند ، از جمله امور مهمه ای که جامعه بهایی ایران در اثر نفوذ فتوای تاریخی مصر بدان توجه نمود ، اقدام برای تعمیم و تنفیذ منصوصات کتاب مستطاب اقدس راجع به ازدواج و طلاق و ارث و تکفین اموات و تاسیس گلستان جاوید در سراسر مملکت و تاسیس

مدارس بهایی و . . . . بوده و از جمله امور بسیار مهمه ای که از طرف محفل ملی شیکاگو بعمل آمد آنکه موفق به تسجیل نام خود در دفاتر دولتی گردید و مقدم بر کل در ارتفاع مشرق الاذکار قدم برداشت و . . . تائیدات و بشاراتی که کل در نصوص مبارکه مذکور شده بمنصه ظهور در آمد .

### خروج از مجهولیت

پیام بیت العدل اعظم الهی مورخ ۲۰ شهریور ۱۳۶۳ شمسی خطاب به احبای ایران :  
« . . . یاران ایران ، مبدا حرارت و مرکز حرکت هستند . . . یاران باید بدانند کلیه این وقایع ، جز اراده الله ، چیز دیگری نیست ، زیرا اگر چنین چیزی نبود امرالله از مجهولیت خارج نمی شد ، احبای ایران در مسیر نقشه الهی قرار گرفته اند . . . »

### هدایات

در هر جزئی از اجزاء آثار مبارکه را بنگریم هدایت است و عنایت . پس به گوشه ای از آن اشاره ای می شود باشد که خود کل را بیاییم حضرت بهاء الله می فرماید قوله تعالی :  
« و جمالك يا أيها الظاهر بالجلال أتى لا اجزع من البلايا في حبك و لا من الرزايا في سبيلك بل اخترتها بحولك و افتخر بها بين المقربين من خلقك و المخلصين من عبادك . »

مناجاة حضرت بهاء الله ص ۱۸۶

حضرت عبدالبهاء مثل اعلی امر مبارک مژده جانبخش به یاران خود می دهند و می فرمایند قوله تعالی :

« . . . اگر بلاهای عظیمه و رزایای شدید رخ دهد و جمیع من فی الوجود بر اذیت و جفای بر شما قیام نمایند محزون مشوید ، مغموم نگردید و جزع و فزع ننمایید بشارت عظیمه از فم مطهر در الواح الهیه وارد و مژده جان بخش در کتب صمدانیه نازل . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۵۶

ایضا می فرمایند :

« . . . جمیع دوستان را بصبر و سکون و وقار وصیت نمائید و بگوئید یا اولیاء الله فی الارض ، باسم حق در جمیع عوالم الهی معززید و لکن در این دنیای فانیه که اقرب از آن منتهی می شود بذلت مبتلا در سبیل خداوند یکتا شماتت شنیدید و اذیت دیدید بحسب رفتید جان دادید و لکن

بجهت ظلم چند نفس غافل نباید از حدود الله تجاوز نمائید یعنی نباید بنفسی تعرض کنید آنچه بر شما وارد الله بود هذا حق لا ريب فيه . . . »

نارو نور ص ۹

« . . . تamen در صدمه و بلا هستم یاران عزیز نیز باید سهیم و شریک باشند و البته آن یار موافق را ضی نشود که این شرکت بهم خورد مولوی گفته:

این روا باشد که من در بند سخت گه شما بر سیزه و گه بر درخت

رفیق داد و فریاد مکن اگر این شرکت را فسخ نمایی فوراً دعا نمائیم که اسباب خوشی و راحت فراهم آید و السلام . . . »

مآخذ اشعار فارسی ج ۲ ص ۱۳۵

حضرت عبد البهاء می فرمایند قوله تعالی :

« . . . اشهد بالله که از نزول بلا مضطرب نشدید و متزلزل نگشتید . در آتش امتحان مانند ذهب ابریز شکفته و با دلبر دلجو در اسحار به مناجات و گفتگو مشغول گشتید . . . »

منتخبات آثار مبارکه ج ۲ ص ۹۱

ایضا می فرمایند :

« . . . ابدأ" از آزار خلق محزون مگرد . . . باید بموجب تعالیم الهیه مجری داری . . . روش عبد البهاء را دیدی دستور العمل بنما ، جمیع ابواب را مفتوح خواهی یافت . . . »

مآخذ آسمانی ج ۶ ص ۵۳

ایضا می فرمایند :

« . . . اهمّ امور در این یوم سرور و حبور در بلایای موفور است . . . »

مکاتیب ج ۵ ص ۱۴۰

ایضا می فرمایند :

« . . . ابدأ" آزرده نگردند ، افسرده نشوند ، پژمرده ننشینند ، آنچه جفا بیشتر بینند وفا بیشتر نمایند و هر چه بلا و عذاب زیادتیر کشند جام عطا بیشتر بخشند . . . »

مکاتیب ج ۲ ص ۲۰۸

ایضا می فرمایند :

« . . . اعتماد به خدا کن و به او توکل نما و به اراده حق تسلیم شو . . . مشمول عنایتش خواهی گشت . . . »

دعا و مناجات ص ۹۰

بیت العدل اعظم الہی در پیام شهر ال کمال ۱۴۳ بدیع می فرمایند :

« . . . اهل بھاء نفوسی نیستند کہ بہ مجرد مقابلہ با مشکل و بلائی از میدان بگریزند . »

همچنین در پیام رضوان ۱۹۸۵ چنین می فرمایند :

« . . . بالاتر از ہمہ با تعمق و تدبّر نسبت بہ درک هدف اعلی و مقصد اسنی از ظهور مبارک

حضرت بھاء اللہ ما خود را آمادہ و مہیا خواهیم ساخت کہ زندگی بشری در سیارہ خاکی را بہ

نحوی تبدیل و تغییر دھیم کہ شایستگی وصول فیوضات و مواہب و برکات ملکوت الہی را بیابد .

( ترجمہ )

## بلا یا

" یا من بلاوک دواء صدور المخلصین ...

یا من بلاوک دواء المقربین و سیفک رجاء

العاشقین و سهمک محبوب المشتاقین وقضائک

امل العارفین . "

آثار قلم اعلی

## بلا از نظر طلعات مقدسه

بلا در لغت بہ معنی امتحان ، تجربہ ، سختی ، رنج ، مصیبت ، حزن شدید و یاس است . لکن

در این ظهور اعظم افخم ذکر بلائی بہ معنی بلا یابی کہ در اثر حبّ حق و برای حبّ امر جمال

اقدس الہی ایجاد شدہ و کلاً مشمول عنایات الہیہ بودہ ، و از قلم معجز شیم حضرت عبدالبھاء

صادر کہ می فرمایند : " چون جمیع این بلا یا و رزایا در راہ خدا واقع مقبول و مطبوع و محبوب

ارباب قلوب است "

مکاتیب ج ۷ ص ۱۵۷-۱۵۳

حال چند نمونہ از نصوص مبارکہ از طلعات قدسیہ راجع بہ بلا و معانی و اقسام و علّت

نزول آن و مصائب و بلا یابی وارده بر انبیاء اولیاء و اصفیاء و احبّای الہی را یاد آور می شویم

باشد کہ دوستان الہی حلاوة آن را الواح و آثار و تاریخ امر مبارک بیابند . حتی المقدور از آثار

مبارکہ استفادہ می گردد زیرا کلمات الہیہ سلطان کلمات است و اثر بی منتهی دارد . هیچ قلمی

نمی تواند حق مطلب را بجا آورد مگر آثار مقدسہ .

جمال اقدس اہمی در مقام مناجاة از مقام بی انباز خواستار عمر اولین و آخرین را طالب می باشند که در هر آن بلائی جدیدی در حبّ و رضای او بر حضرتشان وارد شود می فرمایند :  
" . . . یا لیت قدرت لظا هر جسدى عمر الاولین و الآخیرین ، بل ما لا یحصیه احد من العالمین ، و نزلت فی کلّ آن بلاء جدیدا فی حبک و رضائک . . . "

مناجاة حضرت بماء الله چاپ برزیل ص ۱۷

و همچنین در مناجاتی پس از ذکر مصائب و بلائای وارده می فرمایند :  
« . . . وان دمی یخاطبنی فی کل الاحیان و یقول یا طلعة الرحمن الی متی حبستنی فی حصن الاکوان و سجن الامکان بعد الذی وعدتنی بان تحمر الارض منی و تصبغ وجوه اهل ملا الفردوس من رشحاتی ، و انا اقول ان اصبر ثم اسکن لان ما ترید یظهر فی ساعة ، و یتم فی ساعة اخرى ، ولكن ما انا علیه فی سبیل الله لاشرب فی کل حین کاس القضاء و لا ارید ان ینقطع القضاء و البلاء فی سبیل ربی العلی الاهی ، و انک ارد ما ارید ، و لا ترد ما ترید ، ما حبستک لحفظی بل لقضاء بعد قضاء و بلاء بعد بلاء ، . . . »

مناجاة حضرت بماء الله چاپ برزیل ص ۱۲

مضمون آن بفارسی چنین است : " خون من به من می گوید تا کی مرا در زندان این عالم محبوس می کنی در حالیکه بمن وعده دادی زمین و اهل فردوس از رشحات من رنگین شود من در جواب باو می گویم صبر کن ، ساکن باش آنچه تو اراده می کنی در یک ساعت ظاهر می شود و در ساعت بعد تمام می شود و لکن آنچه من اراده دارم اینکه بنوشم کاسه قضاء و بلا را در سبیل هدی که از من قطع نشود . گمان نکن ترا برای حفظ خودم نگه داشتم بلکه برای قبول بلاء بعد بلاء . . . "

حضرت بماء الله جلّت عظمته می فرمایند قوله تعالی :

« . . . قد جعل الله البلاء اکلیلا لراس البهائم . . . » بلا چون تاجی بر راس بهاست

کتاب مبین ص ۳۳۱

« بلائی عنایتی ظاهره نار و نعمة و باطنه نور و رحمة . . . »

کلمات مکنونه ش ۵۱

از آن جهت نار و نقیمت است که سبب حصول گرفتاری و درد و رنج و انواع عذاب است و اما از این جهت که همین بلا و مصیبت سبب بروز فضائل و مواهب مکنونه و علت اثبات مدعی صادق . . . عین رحمت و نورنیت است . . . نفوس عالیه مستعده را بلا عین نعمت و عنایت است زیرا سبب حصول مواهب مکنونه در حقیقت آنهاست .



« ... این محن و بلایا و مشقت و رزایا که بر مخلصین و مومنین نازل و وارد است عین راحت و حقیقت نعمت است . . . » بلا برای مخلصین و مومنین عین راحت و نعمت است .

مجموعه الواح ص ۳۴۴

« . . . هر دردی در راه او درمانیست بزرگ و هر تلخی شیرین و هر پستی بلند . . . این رنج مفتاح گنج است . . . » بلا و رنج کلید هر رنجی است

مجموعه الواح ص ۳-۲۴۲

« ... بلایا در سبیل الهی کتر لا یفنی بوده و هست . . . » بلا در راه حق گنج بی پایان است .

مائده آسمانی ج ۸ ص ۷۹

« قل ان البلا افق لهذا الامر و منه اشرفت شمس الفضل . . . » بلا برای امرش چون افقی است که از شمس فضل الهی تاییده است

منتخباتی از آثار مبارکه ش ۱۷ ص ۳۵

« ان القضاء موید لهذا الامر و البلاء معین لهذا الظهور . » هر قضا بی تایید امر می نماید و بلا معین این ظهور است

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۲۸

« لو لم تکن البلایا فی سبیلک بای شئی یسر قلبی فی ایامک ولو لا سفک الدماء فی حبک بای شئی تحمر وجوه اصفیائک بین خلقک ... » در مقام مناجات بدین مضمون چنین می فرمایند:  
اگر بلا در راه تو نبود چگونه قلب من مسرور می شد و اگر در راه حب تو خوفنا ریخته نمی شد چگونه سرخ می شد صورت بر گزیدگان تو بین خلق تو .

مناجاة چاپ برزیل ص ۷۹

« بالبلاء علاء امره و سنا ذکره » بلا موجب عزت و بزرگواری امر می شود .

توقیعات مبارکه که ۱۰۱ ص ۱۷۴

« بلاء رحمتک علی خلقک و الرزیه فی سبیلک نعمتک لاصفیائک . . . » بلا رحمت است برای خلق و نعمت است برای برگزیدگان او .

مجموعه مناجات ص ۲۷

« ... لیعلموا ان البلا ما منع الله عن سلطانه ... » بلا موجب قطع قدرت و سلطنت حق نمی شود

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۶

« یا لیت لم یدرک البلا الا نفسی فی سبیل الله رب العالمین . . . »

جمال مبارک آرزو می فرمایند کسی دیگر جز خودشان بلا را درک نکند .

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۱۰

« . . . کم من بلاء نصر الله به امره انه هو القوى القدير . . . » بلايا همیشه ناصر امر بوده و خواهد بود .

آ نار قلم اعلى ج ۶ ص ۲۸

« . . . بلايا بمنزله دهن است برای اشتعال این مصباح . . . » بلا يا بمنزله روغن است برای اشتعال این چراغ .

مجموعه الواح ص ۲۷۰

« قد جعل الله البلايا كنسائم الربيع لهذه السدرة التي ارتفعت بالحق و تنطق كل ورقة منها السلطنة لله المقتدر المختار. » و مانند نسیم بهاری است برای این درخت تا اینکه سبز و مرتفع شود و هر برگ آن شهادت بر قدرت حق مختار دهد .

کتاب مبین ص ۳۱۳

« من وجد لذة البلاء في سبيل الله خالق الاسماء لا يبدلهم بما خلق في ملكوت الانشاء ان ربك ما اقول شهيد . » و کسیکه لذت بلا را در سبیل الهی چشید تبدیل نمی کند آنرا با آنچه در آسمانها و زمین است .

کتاب مبین ص ۲۴۵

حضرت عبدالبهاء سختیها و محنت و ملامت و شماتت را موهبت دانسته چه که عنقریب شماتت بشکرانیت تبدیل گردد. چنانچه می فرماید قوله تعالی :

« . . . این موهبت عظاماست و رحمت کبری و عنایت جمال اهی . . . »

مکاتیب ج ۷ ص ۱۰۶

« هر افتتانی که بواسطه حبّ تو عارض شود برای من موهبتی است . »

الواح حضرت عبد البهاء ص ۳۵۴

« . . . انشاءالله . . . سيل غم فيض سرور می گردد و طوفان بلا باران وفا می شود . . . »

مکاتیب ج ۸ ص ۱۵

« . . . بلا عین عطاست و زحمت حقیقت رحمت و پریشانی ، جمعیت خاطر است و جانفشانی ، موهبت باهر آنچه واقع شود فضل حضرت یزدانیست . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۱۲۶

« یا محبوب قلوب احبا منهوب شدی ، مسجون شدی ، مغلول شدی ، مکبول شدی ، مرشوق به رصاص شدی ، بی سر و سامان شدی ، سرگشته و پریشان شدی ، فانی در سبیل رحمان شدی هر یک از اینها نعمت عظیمه است دیگر چه خواهی . . . »

نار و نور ص ۴۱

« .. . قسم بسلطان وجود و عالم غیب و شهود که این بلیات سبیل محبوب از جان عزیز تر است و از شهد و شکر لذیذ تر . »

نار و نور ص ۴۵

### اقسام بلایا و علت نزول آن

حضرت بهاء الله جلّ جلاله می فرماید :

« .. . غفلت عباد و اعمال باطله ایشان بصور بلایاى مختلفى ظاهر شده و ارض را احاطه کرده نظر بمقدر من القلم الاعلى این جهات را نار حروب و دخان بلایا اخذ نموده و آن شعله در بلاد ایران مستور است و البته این سطر را ظهور و بروزی از پی مگر بملاحظه نفوس مقدّسه ثابتہ راسخه مطمئنہ مستقیمه بلایاى کبری و رزایای عظیم منع شود . . . »

مائده ج ۸ ص ۵۸

حضرت عبد البهاء جلّ جلاله می فرماید :

« در خصوص بلایا و محن و مصائب سوال نموده بودید که این ( از ) خداست یا منبعث از سیئات نفس انسان است . بدان بلایا بدو قسم است قسمتی بجهت امتحان است و دیگری سزای اعمال . آنچه بجهت امتحان است تربیت و تادیب است و آنچه سزای اعمال است انتقام شدید است . . . »  
جزوه مفهوم حیات روحانی ص ۹۵

ایضا می فرماید :

« .. . هنوز ناس در شهوات نفسانیّه منہمک به درجه ای که صور اسرافیل بیدار ننماید البته این غفلت و کفران نعمت و عدم انتباه سبب حسرت و مشقّت و جنگ و جدال و حصول خسران و وبال است و اگر اهل عالم توجّه به اسم اعظم ننمایند خطر عظیم در استقبال . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۳۸

اگر بمقتضیات حکمت الهیه خسارتی وارد شد نباید محزون شد .

در این مقال اشاره ای به نصوص مبارکه راجع به حکمت های الهیه می شود که در آثار

مبارکه طلعات مقدسه امر مبارک بسیار است :

حضرت بهاء الله جلّت قدره می فرماید قوله عز بیانه :

«ان اصابتک نعمة لا تفرح بها و ان تمسک ذلّة لا تحزن منها لانّ کلیتها تزولان فی حین و تیبدان فی

وقت . »

کلمات مکنونه عربی ش ۵۲

ایضا می فرمایند :

« ان یمسک الفقر لا تحزن لان سلطان الغنی یتزل علیک فی مدى الايام و من الذلّة لا تخف لان العزّة تصیبک فی مدى الزّمان . »

کلمات مکنونه عربی ش ۵۳

و نیز می فرمایند :

« . . . اگر در بعض امور ظهورات عنایت تاخیر شود این نظر بحکمت بالغه الهیه بوده و خواهد بود نباید از آن محزون شد . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۱۸۰

ایضا می فرمایند :

« . . . مقصود حق از آفرینش جود و کرم بوده البته خیر کل را خواسته آنچه وارد شود از بأسا و ضراء و یا شدت و رخاء جمیع به مقتضیات حکمت بالغه بوده . . . »

آثار قلم اعلی ج ۷ ص ۲۷۰

و نیز می فرمایند :

« . . . شاید آنچه وارد شده بر شما سبب و علت ظهورات عنایات غیبیه الهیه شود شما باو منسوبید آنچه بر شما وارد شده بعد از ایقان و اقبال بوده لعل یحدث بذلک ما تقرّ به العیون و تفرح به القلوب بر اسرار حکمت بالغه احدی مطلع نه . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۷-۱۹۶

و همچنین می فرمایند:

« . . . چون مومنین و محبین بمنزله اغصان و اوراق این شجره مبارکه هستند لهذا هر چه بر اصل شجره وارد گردد البته بر فرع و اغصان و اوراق وارد آید اینست که در جمیع اعصار اینگونه صدمات و بلایا از برای عاشقان جمال ذو الجلال بوده و خواهد بود و در وقتی نبوده که این ظهورات عزّ احدیه در عالم ملکیه ظاهر شده باشند و اینگونه صدمات و بلایا و محن نبوده . . . »

مجموعه الواح ص ۳۳۳

ایضا می فرمایند:

« . . . هر نفسی از دوستان که خسارت ظاهره بر او واقع شده آن ربح کامل بوده و هست . اهل بها در ربح عظیم بوده و هستند اگر در یومی از ایام و وقتی از اوقات نظر بمقتضیات حکمت الهیه خسارتی واقع شود نباید از او محزون بود البته حق او را به طراز ربح اعظم مزین

نار و نور ص ۱

فرماید . . . »

حضرت عبدالبهاء می فرماید قوله تعالی :

« ای بنده الهی . بر مشقّات و بلائی تو مطلعم این را حکمتی است و بعد خود شما مطلع خواهید شد حال باید که نهایت صبر و تحمل را بجری دارید این مشقّات و زحمات زائل گردد و وقت خوش پیش آید و این بلاها و مصائب از قصور شما نیست ولی از حکمتهای بالغه است . »

مکاتیب ج ۳ ص ۲۰۳

ایضا می فرماید :

« . . . اموری در این جهان فانی ظهور و بروز نماید که بظاهر سبب هیجان امواج احزان است ولی حکمتی در آن پنهان که عقلا در آن ذاهل و حیران . . . »

منتخبات آثار مبارکه حضرت عبدالبهاء ج ۲ ص ۱۴۰

و نیز می فرماید:

« . . . بلاهایی که بر احبای الهی وارد و صدمات و اذیّات و مصیباتی که بر عاشقان جمال رحمانی نازل می شود حکمتش این است که چون این نفوس مقدسه بمتزله فروع و اوراق سدره مبارکه الهیه هستند لهذا آنچه بر اصل شجره مبارکه الهیه وارد، البته بر فروع و اوراق آن نیز نازل می شود حال چون اعظم بلاها و محن و آلام و اشدّ متاعب سجن و سلاسل و اغلال را حق بنفسه در سیل جمالش حمل فرمود و بکمال سرور و حبور و تمام روح و ریحان ایام مبارک را در سجن و زندان بگذراند شما نیز ای احبای الهی هر یک بقدر لیاقت و استعداد خویش از این موهبت عظمی بهره باید ببرید و از این رحمت کبری نصیبی باید بگیری . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۵۶

مصائب و بلائی وارده بر انبیاء

" . . . احدی از انبیاء مبعوث نشد مگر آنکه

محلّ بغض و انکار و ردّ و سبّ علماء گشت . . . »

ایقان

حضرت بهاء الله جلّ جلاله می فرماید قوله تعالی :

« . . . مظلومیّت انبیاء و اصفیاء و اولیای الهی را استماع نمودی تفکر نما که سبب چه بود و علت چه در هیچ عهد و عصری انبیاء از شماتت اعداء و ظلم اشقیاء و اعراض علماء که در لباس زهد و تقوی ظاهر بودند آسودگی نیافتند در لیالی و ایام بیلابی مبتلا بودند که جز علم حق جلّ جلاله احصاء ننموده و نخواهد نمود . »

منتخباتی از آثار حضرت بهاء الله ش ۲۳ ص ۴۵

و نیز در مناجاتی که در بحبوحه انقلاب سجن اعظم نازل باین بیان ناطق قوله جلّت عظمتة :  
« قد تبلبل اجساد الاصفیاء علی ارض البعد، این بحر قریبک یا جذّاب العالمین ، قد قام المشرکون  
بالاعتساف فی کل الاطراف ، این تسخیر قلم تقدیرک یا مسخّر العالمین . . . قد بلغت البلیة الی  
الغایة . . . قد بلغت الذلّة الی النهایة . . . »

لوح احتراق

ایضا می فرماید :

« فاعلموا بان البلیا و المحن لم یزل كانت موكّلة لاصفیاء الله و احبائه ثم لعبادة المنقطعیین الذین  
لا تلهیهم التجارة و لا یبع عن ذکر الله و لا یسبقونه بالقول و هم بامرہ لمن العالمین کذلک جرّت  
سنة الله من قبل و یجرى من بعد . »

منتخبات آثار حضرت هاء الله ش ۶۶ ص ۸۹

بلا یا و محن همیشه برای اصفیای الهی و احبای حق و بعد برای منقطعیین نازل می گردد بعد  
منقطعیین را معرفی می فرماید کسانیکه امور دنیوی آنان را از ذکر حق باز ندارد و بآنچه  
می گویند عامل بآن باشند ( اشاره به بیان مقدس دیگری است که می فرماید : " لا تقل ما  
لا تفعل . . . " )

لوح کل اصل الخیر

ایضا می فرماید : « . . . در بلایای وارده بر نفس حق و همچنین آنچه بر انبیاء وارد شد تفکر نما  
جذب محبت الهی چنان اخذ شان نمود که بلایا و رزایای عالم نزدشان مائده فرح و سرور  
محسوب . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۱۹۶

ایضا می فرماید :

« حمد مقدّس از عرفان اهل امکان مقصود عالمیان را لایق و سزااست که بلا را مخصوص اولیاء  
قرار فرمود. طوبی از برای مقربین یعنی نفوسی که بسلم بلا بذروه علیا ارتقا جسته اند ایشانند  
اولیای حق جلّ جلاله لازال بافق اعلی ناظر بوده و هستند باسأء ایشانرا از توجه منع نمود و ضراً  
از اقبال باز نداشت بلکه حوادث عالم و مصیبات آن نار محبت را مدد نمود و بر شعله  
افزود . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۱۹۴

ایضا می فرمایند: « یا عبد حاضر آ یا علمای عصر همچو گمان می نمایند که در احیان ظهور مظاهر حق اهل ارض رایگان امر محبوب امکان را پذیرفته اند آ یا تفکر در رزایاء و بلایا و ضرا و باسای آن نفوس مقدسه نمی نمایند آیا در کلمه مبارکه ما یاتیهم من رسول الا کانوا به یستهزون تفکر نمی کنند آ یا سبب چه بود که یهود بر روح قیام نمودند و علمای عصر بر قتلش فتوی دادند و بچه علت بر خاتم انبیاء خروج نمودند و اصحابش را کافر و غافل و مفسد می شمردند لزال مظاهر و مطالع و مشارق در دست اعداء مبتلا و لکن آنچه در سیل حق وارد در کام جان بسیار شیرین . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۶۶

ایضا می فرمایند:

« . . . محزون باشید از آنچه بر اولیا وارد شده لعمرالله اعمال ظالمین سبب ارتفاع امر و علو آنست . . . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۲۰۱

ایضا در بلایای وارده بر نفس خود چنین می فرمایند:

« . . . بلایایی بر این مظلوم وارد شد که شبه آنرا عیون عالم مشاهده نکرد . . . »

لوح ابن ذئب ص ۵۴

در شرح شدت بلایایی که از دست کافرین و معرضین کشیدند می فرمایند:

« . . . قد احاطتنا البلیا من کل الجهات بما اکتسبت ایادی الذین کفروا بالله مولی السوری و اعترضوا علی الذین بکلمة من عنده ظهر ما کان مکنونا فی العلم و ممنوعا عن الابصار . »

آثار قلم اعلی ج ۶ ص ۳۲۸

در تشریح بلا یا می فرمایند: « ای امة الله اگر از متزل پرسی سجن و اگر از غذا پرسی بلا یا و محن و اگر از جسد پرسی در ضعف و اگر از روح پرسی در سرور و فرحی که مقابله نمی نماید بآن سرور من علی الارض . . . »

آثار قلم اعلی ج ۷ ص ۵

در شدت حزن آن ایام که جز ذات قدم اطلاع ندارد و احدی قادر بر شمارش آن نیست می فرمایند: « . . . اگر از حزن این ایام که بر محبوب وارد شده مطلع شوی سر بصحرا گذاری و دل از جمیع من فی الملک بر داری ولکن حزنم قمیص ذکر دریده و جامه بیان از هیکل

انداخته چه که بذکر و بیان معلوم نگردد و مشهود نیاید جز ذات قدم احدی مطلع نه و قادر بر احصاء نخواهد بود . . . »

آثار قلم اعلیٰ ج ۷ ص ۳۴۶

حضرت عبدالبهاء در مصائب وارده بر جمال مبارک چنین می فرمایند :  
« . . . آن ذات مقدّس با وجود علوّ ذات و سموّ حقیقت خویش بجهت هدایت ما تحمل غلّ و زنجیر نمود و در مدّت زندگانی در این جهان فانی آنی نیاسود و دقیقه ئی را حت نفرمود و سر بیالین سکون و آرام نهاد و در جمیع ایام در محن و آلام بود . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۵۲

خودنیز تحمّل بلایا فرموده و شب و روز بذکر یاران الهی مسرور و مشغول بودند چنانچه می فرمایند :

« . . . ای احبّای الهی دریای بلایا در تلاطم است و امواج رزایا در تهاجم دقیقه ئی بر عبد بها نمی گذرد مگر آنکه سهام شدیده از جهات متعدّده وارد و ذاب کاسره و سباع مفترسه از جهات عدیده در هجوم کأس احزان سرشار است و سحاب آلام مدرار با وجود این الحمدلله شب و روز بذکر یاران الهی مستبشر و بیاد دوستان معنوی متذکّر . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۹

خداوند عالمیان حضرت عبدالبهاء را برای حمل بلا آفریده نه برای راحت و آسایش چنانچه می فرمایند :

« . . . از بلایا و رزایا وارده بر این آواره اظهار تأسّف فرموده بودید ، خداوند عالمیان عبدالبهاء را بجهت حمل بلا آفریده، نه راحت و رخاء و نه صحت و رفاه ، آسودگی و خوشی و لذائذ این دنیای فانی از برای دیگران است نه من ، خوشی و عافیت و شادی و راحت به چه کار من آید . . . مرا در سبیل الهی بلا باید تحمّل ، جفا شاید ، حبس و زنجیر سزاوار و تیر و شمشیر موهبت کردگار . . . »

مآخذ اشعار فارسی ج ۲ ص ۲۰۸

حضرت بهاء الله درباره مصائب وارده بر حضرت محمد ( ص ) چنین می فرمایند :  
« در خاتم انبیاء روح ما سواه فداه تفکّر نماید چون آن نیر حقیقی به ارده الهی از افق حجاز اشراق نمود احزاب اعراض نمودند و بر سفک دم اطهرش قیام کردند . وارد شد بر آن حضرت آنچه که عیون ملاء اعلیٰ گریست و افئده مخلصین و مقربین محترق گشت . . . »



حضرت ولی مقدس امرای الله درباره شهادت حضرت غصن الله الاطهر چنین می فرمایند :  
« . . . به شهادت قلم اعلی ظلمی باسراء و غرباء وارد شد که شبه آن از اول دنیا دیده نشده و  
شنیده نگشت مقارن این احوال غصن اهی المخلوق من نور البهاء و کتره و ودیعه فی هذه الدیار  
در سبیل حیات عباد واتحاد من فی البلاد فدا گشت و برفیق اعلی اسیرا مظلوم ما صعود نمود . »  
توقیعات مبارکه ۱۰۱ ص ۸۹-۹۰

## در مقام سجن

حضرت بهاء الله جلّ جلاله می فرمایند قوله عزّ بیانه :

« قل ان البئر بیتی و السجن قصری . . . »

کتاب مبین ص ۴۲۲

ایضا می فرمایند :

« . . . مظلوم را احزان از هر شطری احاطه نموده و این حزن نه از جهت سجن اولیا و یا

ابتلای اصفیاء بوده چه که بحبش هر سجنی جنّت علیا است و هر بلایی شاهد فائق . . . »

مجموعه الواح خط عندلیب ص ۱۴

وعلت قبول حبس و بلایا را چنین توجیه می فرمایند :

« . . . حبس را قبول فرمودیم تا گردنهای عباد از سلاسل نفس و هوی فارغ شود و ذلت اختیار

نمودیم تا عزّت احبّا از مشرق اراده اشراق نماید . . . »

آثار قلم اعلی ج ۷ ص ۵

در حالی که : « . . . اگر اراده فرماید صد هزار جنّت از نفس سجن ظاهر نماید و بلایا و رزایا

را برحمت کبری تبدیل کند اوست قادر و اوست مقتدر ملکوت ، اشیا در قبضه قدرت او بوده و

خواهد بود يفعل ما یشاء و یحکم ما یرید و هو المقتدر القدیر . »

آثار قلم اعلی ج ۵ ص ۱۰۷

تا اینکه حبس برای جمال اقدس اهی تبدیل به قصر اطهر گردید :

« یا سمندر ان استمع نداء مالک القدیر انه یدکرک فی منظره الاکبر فی هذا السجن الذی بدّله الله

بالقصر الاطهر رغما للذین حبسوه و انکروه ان ربک هو المقتدر القدیر . . . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۱۵۴

حضرت عبد البهاء مثل اعلی امر بهایی موارد فوق را چنین تشریح و توجیه می فرمایند :

« از مسجونیت و بلایای وارده بر من محزون مباشید زیرا این سجن برای من گلستان است و بیت

معمور جنان و سریر عزّت و جلال در عالم امکان . این بلایا در این زندان اکلیل جلیل من است

که بین ابرار افتخار می نمایم. در اوقات آسایش و راحت و عیش و عشرت و صحت و عافیت و فرح و مسرت هر نفسی مرد میدان است ولی اگر نفسی در اوقات سختی و محنت و بلا و رنج و انام مسرور و شادمان باشد آن دلیل بر علو همت و شرافت منزلت اوست . . . »

آهنگ بدیع سال ۲۶ ص ۲۱۷

ایضا می فرمایند :

« . . . از بلا یای وارده و مصائب نازله بر این مسجون اظهار پریشانی و اضطراب نموده بودید ابدا محزون مباشید متأثر نشوید پریشانی نخواهید زیرا سجن این زندانی را بزم شادمانیست و بهشت جاودانی و بلایا و مصائب از نعماء رحمانی اگر این بلایا و مصائب در سبیل الهی نبود عبد البهاء را سرور بچه حاصل می شد تسلی خاطر بظهور بلاست و حصول مصائب کبری . . . »

مکاتیب ج ۸ ص ۱۰-۱۱

در اینجاست که حضرت عبد البهاء سجن را رها بی، موهبت و ایوان یزدانی می دانند:

« این بند نیست رهائیست این زحمت نیست موهبت آسمانیست این زندان نیست ایوانست این قعر چاه نیست اوج ماهست و دلیل بر این نهایت شادمانی در محفل این زندانی بلکه کامرانی دو جهان حاصل . . . »

مکاتیب ج ۸ ص ۲۰۲

حضرت عبد البهاء پس از چند سال رهایی از زندان این حقیقت را با بیانات زیر تأکید فرمودند :

« آزادی ارتباطی با مکان ندارد بلکه فرع بر مقتضیات و شرایط است من در زندان مسرور بودم زیرا آن ایام و اوقات همه در سبیل خدمت می گذشت برای من زندان آزادی بود و زحمت راحت دیده می شد . تحقیر عبارت از تعزیر بود و ممت حیات شمرده می شد . همین سبب من در تمام ایام سجن غرق سرور بودم وقتی انسان از زندان نفس آزاد می شود به آزادی حقیقی می رسد زیرا نفس بزرگترین حبس برای آدمی است اگر انسان خود را از این حبس آزاد کند هرگز مسجون نمی شود ولی تا وقتی که شخص این تقلیب خطیر روحی را نپذیرد به آزادی واقعی فائز نمی شود و این پذیرش نباید با تسلیم اجباری باشد بلکه باید با رضایت همراه با شادمانی انجام گیرد . »

کتاب ظهور حضرت هاء الله ص ۱۱۳

مصائب و بلائی وارد بر اولیاء و اصفیاء و احبّای الهی

حضرت بهاء الله جلّ جلاله می فرماید قوله تعالی :

« . . . تعالی تعالی مقتدریکه اشجار فردوس اعلی را از خون مرتفع فرمود و بلند نمود و بلایا و قضا یا را مع حدّ و تلخی لا نهاییه در کام احبّایش احلی از سگر مقدر داشت . . . »  
نار و نورص

ایضا می فرماید قوله تعالی :

« آنچه در عالم واقع شود از برای اولیای حق نور است و از برای اهل شقاق و نفاق نار ، اگر ضررهای عالم بر یکی از اولیا وارد باز ربح با اوست و خسارت از برای مادونش یعنی از برای نفوسی که غافل و جاهل و جاحدند اگر چه گوینده به خیال دیگر گفته ولكن مطابق است با دستگاه حق تو گرو بردی اگر جفت اگر طاق آید . در هر حال ربح و ثروت و منفعت با دوستان الهی بوده و هست . اولیای حق از نار سردند و از آب خشک یعنی امورات ایشان غیر از امورات اهل عالم است در هر تجارتی ربح با ایشانست یشهد بذلک کل عاقل بصیر و کل منصف سمیع . »

نقل از جزوه بحرأها و بیروزیها ش ۴۷

ایضا می فرماید :

« از مصائب و بلائی وارد محزون و مغموم مشو در ره عشق پست و بالاهاست ، جام بلا نصیب اهل وفا و اخوان صفا هده من سنة ربک فی جمیع القرون و الاعصار، تا انقطاع این نفوس مبارکه و جانفشانی عاشقان جمال ذوالجلال در حیّز ظهور واضح و مشهود گردد . . . »

در مورد سجن احبّای الهی

چه فضل و احسانیت که حق جل جلاله احبای خود را به فروع و اوراق سدره الهیه نامیده و آنچه که بر اصل وارد از متاعب و مصائب بر اوراق و اثمار عنایتا روا داشتند چه که می فرماید:

« . . . سجن شما و دوستان الهی علت و سبب حرّیت و آزادی اهل عالم است . . . »

نار و نورص ۷

ایضا می فرماید : « . . . ای اسیر سلاسل و اغلال و رهین وثیق و سجن در راه پروردگار اگر چه در بلائی شدید افتادی و در رزایای عظیمه گرفتار شدی ، کاس بلا نوشیدی و زهر ابتلاء

چشیدی بسا شبها که از ثقل اغلال نیارمیدی و بسا روزها که از اذیت اهل ضلال نیاسودی ، اینست صدمات قویّه بود و جلیست بلیات شدیده ، امید واریم که این مشقات جسمانیّه راحت و مسرت روحانیه آرد و این آتش سوزان عوانان روح و ریحان قلب و وجدان آرد ، این عسرت علّت مسرت گردد و این زحمت باعث رحمت شود و این نعمت سبب نعمت جاودانی گردد و این تنگی سجن گشایش جهان الهی شود . قسم بسلطان وجود و عالم غیب و شهود که این بلیات سبیل محبوب از جان عزیزتر است و از شهد و شکر لذیذتر . «

اخبار امری ش ۶ سال ۵۹ ص ۸۲

ایثار کردن یعنی به موهبتی رسیدن و اجر ظاهری و باطنی داشتن

حضرت بهاء الله جلّت قدرته می فرماید قوله الاعلی :

« .. محزون مباشید از آنچه به تاراج رفت ، زود است که جمیع من علی الارض به ذکر شما ذاکر شوند اجر هیچ نفسی ضایع نشده و نخواهد شد آنچه از زخارف دنیویّه در سبیلش از شما اخذ شد البته در دنیا عطا خواهد فرمود و در عقبی مقاماتی که اگر یکی از آنها بر اهل ارض ، ظاهر و هویدا شود نفس خود را در سبیل دوست ، فدا نمایند . رجای آنکه بر آن مقرّ اقصی فائز گردند . «

اقتدارات ص ۱-۱۸۰

حضرت عبد البهاء جلّ جلاله می فرماید قوله تعالی :

« هر بلائی که در سبیل الهی وارد عین عطاست و هر مصیبتی موهبتی است . ملاحظه در قرون اولی نمائید که نفوسی در نهایت راحت و رخاء زیستند و عاقبت ترک دغدغه دنیا نمودند و نفوسی که در سبیل وفا انواع جفا دیدند ، انوارشان الی الآن از افق ملکوت ساطع و لامع و پرتوشان چون شعاع ستاره صبحگاهی از مشرق الهی ظاهر و باهر حال کدام یک خوشتر و دلکشر است ؟ فاعتبروا یا اولی الابصار . . . «

منتخبات مکاتیب ۳ ص ۱۳۹

ایضا می فرماید :

« . . . اگر لانه و آشیانه در گلخن فانی ویران شود آشیانه بی مثل و نشانه در گلشن باقی ترتیب گردد اینست که احبای الهی جمیع شئونشان و عزت قدیمه اشان و خدمات جدیده اشان و

بلایای شدیدۀ اشان چون نقش حک بر الواح زمردین در صفحات ملکوت اهی نقش بندد. . . .»

نار و نور ص ۴۲

بیت العدل اعظم اهی در پیام نوروز ۱۴۷ بدیع می فرمایند :

« . . . الحمد لله تائیدات غیبیه جمال اهی در این آیام چنان است که هر اقدامی در سبیل عبودیت

مبذول دارند فوراً اجر جزیلش و اثرات بی مثلش در عالم وجود ظاهر می گردد . . . .»

مصدق این عنایات اهی این خاطره است . در دوران اولیه امر شخصی در یزد به نام سید علی آرد فروش را می گیرند و آنچه داشته غارت می کنند و حتی زنش را به عقد دیگری در می آورند این مرد با خدا به حضور مبارک مشرف می شود و در نظر می گیرد که زمان تشریف سه سوال از حضور مبارک نماید یکی آنکه جلال الدوله چه شد و دیگر آنکه من نمی خواهم محتاج شوم و دیگر آنکه آیا این زحماتی که من متحمل شدم نتیجه اش چه می شود ؟ راجع به جلال الدوله می فرمایند مردی است نه یار و نه اغیار به دوستی ایشان اعتماد ننماید و دیگر اینکه فرمودند تمام مصائب و زحمات شما در نزد حق عیان است و روزی دیگر فرمودند احببای مخلص هرگز محتاج نخواهند شد خودش پس از برگشت از روزی ۵ شاهی کار کرد تا یکی از تجار معروف شد .

اینست که شیخ عطار گفته است :

در دل بهایی نه هر بلا که بتوانی

## فضل اهی برای بندگان آستان یزدان در کشور مقدس ایران

القاب جمال اقدس اهی در سرزمینی که زادگاه امرش بوده

حضرت عبدالبهاء جل جلاله می فرمایند قوله الاحلی :

« ... ای دوستان جانی من ، یاران رحمانی من ، عزیزان آسمانی من ، چه نویسم ؟ آیا از فضل و موهبت جانان نگارم و یا از لطافت و روحانیت دل و جان دم زخم ، از مائده سماوی گویم یا بیان مواهب مخصوصه ربّانی تمام که جمیع این الطاف شامل حال اهل بهاست . . . مقصود اینست که جهان غافل و شما آگاه و عالمان و عارفان محروم و شما محرم و اکابر و اعظم بیگانه و شما آشنا ، آنان اعتساف خواهند و شما انصاف جوئید . آنان راه جفا گرفتند و شما سبیل وفا پوئید . آنان در نهایت بغض و کینند و شما در غایت محبت با ملل روی زمین . . . آنان زخمند و شما مرهم ، آنان دردند و شما درمان ، آنان زهرند و شما شهد ، آنان تیر جفا بند و شما میر وفا . . . آنان اگر دست

یابندخون ریزند و شما اگر فرصت یابید شکر ریزید و مشک و عنبر بیزند . بین تفاوت از کجاست تابکجا این نیست مگر از موهبت جمال ابھی روحی له الفدا . . . »

نار و نورص ۳۹

ایضا می فرمایند :

« من یک موی احبای ایران را به دو جهان ندهم . »

آهنگ بدیع سال ۳۲ ش ۳۴۷ ص ۳۶

ایضا در پیام ۱۹۸۴/۹/۱۱ می فرمایند :

« دوستان معنوی ایران ، تمام امر به وجود شماها افتخار می کنند حقیقتا یاران ایران مبدأ حرکت و مرکز حرارت هستند و قدر این مقام و خدمات را بدانند . . . کلیه این فتوحات و موفقیت ها مرهون فداکاری و استقامت یاران عزیز ایران است . . . جامعه کنونی مهد امرالله نیز چون قهرمانان دوره عصر رسولی نام خود را الی الابد پایدار و فضل و عنایت پروردگار را شامل حال خویش ساخته اند . . . »

در پیام شهر الشرف ۱۴۱ بدیع می فرمایند :

« ... شماید منادیان حقیقی امر جمال ابھی ، ملح ار ضید و چون شریان در جسم امکان نباض ، عرق حیاتید و مایه نجات و سعادت جهان و جهانیان . »

### بجراهما و نتایج حاصله

" متزلزلان را گمان چنان است که این نار موقده  
ربا نیه را توانند خاموش نمایند و این بحر اعظم  
عالم را توانند که از نسائم عنایت جمال قدم  
محروم کنند فبئس ما هم یظنون ."  
عندلیب سال ۱۹ ش ۷۶ ص ۷

### بجراهما در ایران

احبای الهی همزمان با طلوع شمس حقیقت از افق ایران همیشه در معرض امتحانات و افتنانات و ابتلائات عظیمه بوده و هستند . چنانچه طبق بشارات حضرت ولی مقدس امرالله که می فرمایند : « پیروان اسم اعظم در ممالک اسلامیّه . . . دچار فشار و تضییقات گوناگون و

شاداند و صدمات و ناملایمات متنوعه مختلفه گردند و در معاملات دنیویّه و کسب امور ظاهره و  
علاقات شخصیّه در زحمت و تعب افتند و برنج و محنت و خسارت مبتلا گردند. . .»

مائده آسمانی ج ۳ ص ۷۸

بشارت آن نا ملامات و امتحانات را غصن ممتاز در آثار خود کرارا متذکر شده اند در این مقال  
به طور مختصر به ذکر چند نمونه در این باره اشاره می شود که یک به یک طبق بیانات مبارکه به  
آنچه که فرموده بودند مشمول عنایت حق شدند.

اینک تا جایی که قلم قادر گردد این شاداند ، زحمات ، ناملایمات توجیه می گردد . کلیه  
بلا یای وارده بر احبای عزیز همانطور که وعده فرمودند مختلفه ، متنوعه بود. البته این مخصوص  
این زمان نبوده و تاریخ امر اینها را بارها تجربه نموده مثلا وقتی نامه جناب حاجی میرزا حیدر علی  
اصفهانى خطاب به جناب درویش غلام حسین همدانی مشهور به قلندر رسید جناب افغان معظم  
آقا میرزا هادی مژده وصول نامه بحضور مبارک دادند . . . فرمودند این بشارت مرهم زخمهای  
متراکمه است و این که دکان غارت شده ذلک فضل الله یوتیه من یشاء باید به فضل الله از این  
وجودین مقدّسین عمل خیری و نیت صالحی ظاهر شده باشد که دکان و خانه شان فدائشان شده  
است و بلکه فدای احبا . . . « آقا میرزا آقا بالا و برادرش آقا علی اشرف که اهل بادکوبه  
بوده اند سالها در حیف ساکن و به ساختن مقام حضرت ربّ اعلی اشتغال داشته اند به این مناسبت  
باب وسط در سمت شرقی مقام اعلی به نام آقا بالا و باب وسط در سمت شمالی آن مقام اعلی به  
نام اشرف تسمیه شده است .

مجله عنذلیب ش ۸۰ ص ۸

### وقایع متنوعه

خانه به غارت رفت ولی هر کدام بیک نحو، ۸۰ خانه در یک شب بآتش کشیده شد و لکن بعضی  
با چپاول توام و برخی کلیه اثاث سوخته شد گروهی را مجبور نمودند در شب سرمای زمستان از  
مزل خارج شوند و آنان به بیابان پناه بردند حتی به قبرستان و در قبرهای خالی جای گرفتند .  
خانه بغارت رفت و لکن باقیمانده در آتش سوخت حتی بدرختان منزل رحم نشد و حتی به  
حیوانات ترحم نیامد، گاو حامله را چاقو زدند و مرغان را سر از تن جدا کردند، سگی را که  
مورد علاقه صاحبش بود چون تقاضا نمود اجازه بدهند سگ را بکسی بسپارد در دم بگلوله  
بستند. غارت شدگان چند نوع بودند، بعضی از بهایان فقط محل کسبشان مورد هجوم قرار  
گرفت و برخی فقط منزل مسکونی و اثاث البیت را از دست دادند، گروهی هر دو را فدای  
محبوب نمودند . منزلی را پس از غارت و سوزاندن برای اینکه غیر قابل سکونت شود پس از

ویرانی لوله های آب راباز گذاشته و خارج شدند تا آن منزل قابل سکونت نگردد و حتی سیم برق را از کار انداختند .

دوستی اظهار می داشت که برای دیدار احبایی که به نوعی مورد این گونه اذیات در شهرهای مختلف ایران قرار گرفته بودند رهسپار آن دیار شدم و در یکی از این محله ها که دوبار منزلشان را غارت کرده بودند موفق بدیدار یکی از آنها شدم . ایشان اظهار می داشت دیشب خواب حضرت ولی امر الله را دیدم فرمودند برای بار سوم هم غارت خواهی شد حالا با عجله مرتب می کنم و می سازم که برای بار سوم هم مورد تهاجم واقع شوم زیرا حضرت عبدالبهاء فرموده اند : " نفس خرابی سبب آ بادانی است و بسیار برای امر مفید است . "

اما شهادتهای بی نظیر که شاید در تاریخ مشاهش یافت نشود، پدر و پسری را پس از اینکه محل کارشان را بآتش کشیدند و بمنزل برای غارت رفتند پدر و پسر را با نهایت عذاب و شکنجه تکه تکه نموده در معبر عموم انداختند و کسی را یارای جمع آوری آن اجساد نبود تا پس از چندی به بیمارستان از طرف اولیای امور برده شد و از آنجا به محل نا معلومی برده و دفن نمودند . یکی از اعضای محفل .. را پس از بازگشت از محفل چند نفر مسلح بدر منزل رفته و در می زنند چون ایشان در را باز می کنند بضرگلوله او را از پا در می آورند .

پروفسوری را یکی از مریضانش با ضرب گلوله بچیاتش خاتمه می دهد تا نامش در صفحات تاریخ تا ابد بیادگار بماند و سپس اموال و خانه اش مصادره می شود .

هفت نفر (در دو روز) در طهران فقط بوسیله رادیو خبرشهادتشان را شنیدند و از بستگان بملاقاتشان نرفتند و روی اجساد آنان نام و مورد اتهامشان " ضد مذهب " نوشته شده بود .

خانمی را در منزل بوضع فجیعی بقتل رساندند تا گویای انواع مختلفه شدائد و لطمات و شاهد و مصداق بیانات مولای مهربان گردد . شرح جانباز یها بی حد و حصر است و در این جزء نمی گنجد. قلمی توانا ، فکری عالمانه و نفسی عارفانه و علمی محققانه می خواهد تا شرحی بنگارد و حق مطلب را ادا نماید .

اما احبایی که در سجن بودند در معرض این ابتلائات قرار گرفته ، آن هم با تأییدات الهی توأم بوده و نتایج هم بدست آمده است دارای انواع و اقسام مختلفه است .

از چند نفر افرادی که شدیداً مورد امتحان واقع شده و مشمول عنایات حق که تحمل بلایا نمودند پرسیده شد که در آنجا چه می کردیدو چگونه ایام را سپری می نمودید؟ آنان به ذکر چند نمونه پرداختند و خاطرات آن زمان را برای ما زنده نمودند .



یکی از آنها اظهار داشت با عجز بشکرانه می پرداختم زیرا جمع غفیری بفرمان حضرت ولی مقدس امر الله بمهاجرت عزیمت نموده و ندای جان فزای الهی را بگوش مردم محروم به اقصی نقاط عالم رساندند و مسرورند که بتدریس علوم و فنون ... و به تعلیم و تربیت افراد پاک و بی خیر از این بشارت عظمی پرداختند . ای کاش کل احبا باجرای کل منویات طلعات مقدسه موفق می شدم ولیکن در آنچه پیش آمده حکمتها مستور است . بدعا و مناجات مشغول و خود او اظهار می داشت بارها از متصدیان امور خواستم که هرچه زودتر مرا اعدام نمایند زیرا بودن من در زندان چه نتیجه ای برای جمهوری اسلامی خواهد داشت جز مخارج فراوان . باشد این خون افسرده بر خاک ریزد تا بتوان قدمی بر جای پای حضرت عبدالبهاء گذاشت که می فرمایند : " خدای عالمیان عبدالبهاء را بجهت حمل بلا آفریده نه راحت و رخا و نه صحت و رفاه " بلی شبانه روز بدعا می پرداختم و اغلب روزها روزه دار بودم شاید عنایتی از درگاه حق رسد و نفوس خواب بیدار شوند و ظلم و تعدی از عالم رخت بر بندد و با توشه حسن خاتمه و موفقیت در راه عهد و میثاق الهی بسوی عالم الهی پرواز تمام .

یکی دیگر اظهار می داشت تمام مدت با گریه و زاری بدرگاه حق تعالی بدعا و مناجات و شکرانه مشغول که علت اینهمه رحمت و موهبت چه بوده که باین عنایت عظمی مفتخر گشتم و در جزیری از مصائب جمال قدم شریک و سهیم شدم ، زیرا نه لیاقت ، نه استعداد و نه فهم و ادراک آنرا داشتم با لآخره موجب آرامش و سکونم این شد که مشمول فضل و عطا شدم زیرا فضل بدون استحقاق حاصل می گردد در یای فضل الهی بیکران است و علتی نمی خواهد . و با این بیان مقدس مسرور و سپاسگذارم که از قلم معجز شمیم مرکز عهد و میثاقش نازل شده :

« ای بنده الهی بر مشقّات و بلا یای تو مطلقم ، این را حکمتی است و بعد خود شما مطلع خواهید شد . حال باید که نهایت صبر و تحمل را مجری دارید . این مشقّات و زحمات زائل گردد و وقت خوش پیش آید . این بلا یا و مصائب از قصور شما نیست ولی از حکمتهای بالغه است . »

مکاتیب ج ۳ ص ۴۰۳

دیگری می گفت که در زندان فقط به این لوح حضرت عبدالبهاء خطاب به جناب ابن اهر توجه اشم که می فرمایند قوله تعالی :

« هو الاهی یا ایها المسجون فی سبیل الله آنچه مرقوم نموده بودید قرائت گردید سؤال از تکلیف فرموده بودید بر ده ویران خراج و عشر نیست . در زندان اسیر کند و زنجیر و رهین تیغ و شمشیر را چه تکلیف توان نمود جز آنکه شب و روز مشغول بذکر الهی شدن بنوعی که سبب تنبّه

غافلان گردد و بیداری جاهلان و رقت قلوب عوانان و آن بنوع خاصی باید واقع شود یعنی اگر بصریح من غیر تأویل و تلویح بیان شود سبب غیظ قلب بیخردان گردد و علت شدت تعرض ستمکاران لهذا بمفاد و قولاً له قولاً لئنا ملامت و مدارا لازم و این باین نوع ممکن که بتلاوت قرآن انسان مشغول شود و بمناسبت آیات وقایع واقعه در زمان انبیاء و اعتراضات واقعه و مصائب وارده و بلایا نازله و جسارت اقوام و کوری انام و حبس و سجن اولیاء رحمن که ترجمه لفظی قرآن است بیان شود خود تو در ضمن حکایت گوش دار باری بقسمی باید حرکت نمود که آثار رقت و تذکر و انتباه و هوشیاری و تضرع الی الله واضح و مشهود باشد تا توانی قرآن تلاوت کن و تفسیر و تاویل نما و گاه گاهی مناجات و صحیفه سجّاد با نهایت خضوع و خشوع تلاوت کن . . . »

مآخذ اشعار در آثار هابیه ج ۲ ص ۲۳۶

### گذراندن اوقات زندانی در سلول و نتیجه آن

اغلب در تنهایی بخواندن آیات و الواح و مناجات می پرداختم و زندانبانان که گاه و بیگاه دریچه سلول را از بالا باز می کردند تا ببینند در سحرها و در دل شب زندانی بچه کار مشغول است ناظر بدعا و توجه او بخدا در ساعات متعدّد بودند . او اظهار می داشت شبی با خدای خود با حضرت عبد البهاء که همواره در نظرم مجسم بودند و شمایل مبارک را روی دیوار های سلول که شاهد رفتار هزاران زندانی بود می دیدم بی اختیار بخواندن این بیان مبارک که می فرمایند "ای ربّ بدّل عُسْر اولیائک بالیُسْر و شدّهم بالرخاء و ذلّهم بالعزّ . . ." مشغول بودم که ناگاه دریچه باز شد و با لحن بسیار زننده پرسید چه می خواندی گفتم دعا ، بیاید داخل تا بگویم . گفتم خیر، پا شو! بیا جلوی دریچه و بگو چه می خواندی؟ گفتم دعا بود ، گفت: می گفتی ذلّ؟ ذلّت برای که می خواستی؟ وقتی تمام بیان را خواندم خود متنبّه شد و رفت . پس از مدتی که هر وقت صدای مرا می شنید گوش می داد با لآخره کلام حقّ کار خود را کرد به سلول داخل شد و پرسید تو چگونه اینهمه چیز از حفظ کردی؟ من می خواهم طلبه شوم چطور می توانم از حفظ یاد بگیرم جوابش را بحد استعدادش دادم بجایی رسید که این شخص تغییر وضع داد و هر روز دریچه را باز می کرد و احوال پرسی می کرد . دوست ما ادامه می دهد این دختر کسی بود که نهایت عداوت را با من روا داشت و اول ورود به سلول آنچه که موجب توهین و تحقیر و آتّهام بود روا داشت حتی می گفت تو موقعی که بحمام می رفتی از زیر چشم نگاه می کردی و آتّهامات دیگر و باید یکدفعه دیگر ترا بدست همان بازجو بسپارم تا ببینی چه بسرت خواهد آورد .

از شخصی پرسیدم زندان را چگونه دیدی گفت جواب شما را از زبان زینب کبری بشنوم . بعد از واقعه کربلا یزید ، زینب را خواست گفت : ای دختر علی اچه دیدی در کربلا ؟ زیرا می خواست بیشتر بیشتر بر زخم آن بانوی محترم زند ایشان جواب فرمودند: " ما رأیت الا جمیلا " شهادت امام حسین هم برای او زیبا بود بفرموده حضرت عبدالبهاء سجن آزادی است و زندان ایوان روحانی ، زیرا هر دم ندای حضرت عبدالبهاء بگوش می رسید " هر آن شما را تأیید می نمایم "

شخصی دیگر اینگونه اظهار می داشت بالاترین نعمت و عنایت الهی این بود که در زندان با زندانیان دیگر که ۱۸ دسته بودند (با عقاید و فرهنگ و تحصیلات و نوع تربیت مختلف) احببا با محبت خالصانه با آنها رفتار می نمودند. دوستان بهایی که بحمدالله با عنایات و تأییدات الهیه هر یک از لحاظ معلومات ، تربیت و داشتن هنرهای مختلف توانستند نظر زندانبانان و هم بندیهای خود را بوسیله اخلاق و عمل به احکام (بقدری که مقدور بود) و تدریس و یاد دادن آداب اجتماعی بنحوی با خود نزدیک سازند که همیشه اطاق بقول آنها " بهایت " مورد توجهشان قرار گرفت و زندانبانان اقرار کردند که شماها با زندانیان دیگر فرق دارید و چیز دیگری هستید و در حالیکه ممنوع بودیم از تبلیغ و لکن با تعلیم انواع مختلف هنر و خواندن قرآن و بخصوص ادعیه های اسلامی باعث اشاعه امرالله و امتیاز بهایی، پیرو حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی از دیگران نمایان گردد . در ابتدا که با عده ای از همبندیها در سالن مخصوص مجتمع بودیم احببا بر خلاف آنان که با فحش و ناسزا جواب به زندانبانان می دادند احببا با محبت و حتی با سلام و احوال پرسی با آنان رو برو می شدند و این خود موجب خشم سایرین می شد که چرا به دشمنان سلام می دهید یا، چرا اطاعتشان می کنید مدتی طول کشید تا توانستند با آنها بفهمانند که ما آمدیم تا اینها را مثل خود کنیم نه اینکه ما هم مثل آنها شویم و بالاخره کم کم اعتراف نمودند که آنچه می گوئید درست است و بزرگترین موفقیت بدست آمد . وقتی سه نفر از آنها که برای اذیت و آزار ما انتخاب شده و در بند مخصوص ما آمده بودند که شاید بتوانند ما را ارشاد نمایند پرسیده شد شما جوان و تحصیل کرده هستید بگوئید این مدتی که با ما بودید چه دیدید گفتند والله ۱۸۰ درجه نظر ما نسبت بشما تغییر کرد حتی چند نفر اظهار داشتند اگر ما آزاد شویم حتما تحقیق خواهیم کرد و می دانیم شما گفتارتان با عمل یکیست . اغلب ساعاتی که در اطاق مشغول دعا بودیم توجه آنها را جلب می کرد و گاهی شرکت می کردند از جمله وقتی دو نفر از ما مناجات حضرت عبدالبهاء " ای یزدان مهربان غریق بحر عصیانم طریق غفران بنما. . . " را می خواندیم یکی از محافظین که

خود از مجرمین عادّی و گنهکار بود و برای اذیت ما مأمور شده بود با عجله نزد ما آمد پرسید چه می خوانید جمله اول مناجات که "ای پروردگار غریق بحر عصیانم طریق غفران بفرما خوانده شد فوراً با حال توجّه و تنبّه دست به درگاه باری بلند کرد و گفت غریق بحر عصیانم یا رسول الله مددی و چنان تغییر حالت داد که بالاخره با توبه و استغفار حکم تخفیف مجازات گرفت و آزاد شد. دیگری اظهار می داشت بیازجویی خوانده شدم چهار نفر که هر کدام وسیله ای برای تعزیر داشتند کابل، شلاق، شلنگ و خط کش آهنی نوک تیز. مشغول کار شدند پنجمی از در وارد شد اظهار داشت پس من چی؟ او هم دم پایی لاستیکی را از پا در آورده و به شدت به پشتم می کوفت رئیس اظهار داشت بزنی بزنی این روحانی است لحظه ای که این پنج نفر سرگرم بودند یکی از آنها اظهار داشت عجب استقامتی! در این حال بیان جمال قدم بخاطرم گذشت که می فرمایند "... کونی نار الله لتجد منک حرارة حب ربک العزیز الکریم" در اینجا نهایت تأثیر و معنی استقامت در شنونده نمایان گردید

مائده آسمانی ج ۴ ص ۳۶۵

ایضا می فرمایند: «استقامت ناری است که قلوب مشرکین را محترق می نماید و نوری است که عالم عرفان را منور می دارد.»

اقداح الفلاح ج ۲ ص ۲۶

و همچنین: «قد ذابت الاحجار من حرارة محبة المختار و لكن اشرار فی سکر عظیم.»

مجموعه الواح خط عندلیب ص ۵

یکی دیگر از زندانیان اظهار می داشت نصف شبی مرا برای بازجویی صدا زدند چون پشت میز قرار گرفتم پس از مدتی صحبت برای اثبات توهینی که روا داشتند آخر با لحن نسبتاً آرام پرسید آیا حاضرید تخفیف حکم بگیرید و از گفته خود استغفار کنید (بها بی بودن که ابدا کلمه بهایی نمی گفتند) عرض کردم اگر قرار بود از روز اول می گفتم و این همه در حبس نمی ماندم گناهی که مستوجب استغفار باشد نکردم. پرسید چه معجزه ای دیدید؟ عرض شد لطفاً به پرونده من مراجعه فرمایید تا بدانید چه معجزه ای ظاهر شده و چه گناهی از من سرزده و اینک چند سال مانده ام. بعد از چند ثانیه فکر سر را بلند کرده و گفت بگو من جبل راسخ هستم. حالا از من چه می خواهید؟ گفتم: شما! در این نیمه شب مرا از خواب بیدار کرده اید من از شما چه می خواهم؟ من از خدا هر چه خواستم داده و از جا بر خاستم. همین یک جمله مبارک برای من کافی بود که عُسرم به یسر تبدیل گردد. ایشان ادامه داد روزی یک عده زیادی از عزیزان در راهرو چشم بسته اغلب مجروح و مریض سر به زانو تفکر نهاده و منتظر سر نوشت بودند متصدّی

امور وارد و اعلان نمود اینجا روی میز کاغذ و قلم گذاشته شده بر خیزید فقط بنویسید مسلمانم و امضاء کنید و از درب خارج شوید . در اینجا تعمق لازم است پل صراط کشیده شد تصور بفرمایید تصمیم در این ساعت چه؟ و عقل چه حکم می کند ولی کدام شخص از جا برخاست ؟ چرا ؟ برای اینکه همه اینها سالکان کوی محبوب بودند و حاضر بقدا .

دیگری می گفت در زندان به همبندیهای خود بافتنی و گلدوزی و عربی و قرآن می آموختم و اوقات خود را مفید می گذراندم و بیاد این بیان حضرت ولی مقصد امرالله می افتادم که چند سال قبل از انقلابات در سال ۱۳۱۹ شمسی تلگرافی دستور فرمودند که احببا به کار های فنی پردازند و عربی و انگلیسی فرا گیرند. جمعی این فرمان مولای حنون را بجان و دل پذیرفته اغلب به نقاط بعیده مهاجرت نموده و از بهره ای که خود بدست آورده بودند به محرومین را یگان هدیه نمودند و اکنون نتایج حاصله از اطاعت فرمان مشاهده می شود.

همچنین زمانیکه احبای عزیز مقیم در ایران مورد بی مهری و لطف دولت قرار گرفتند و از مشاغل دولتی و فرهنگ اخراج شدند دوستان با وفا با نهایت سرور و رضایت به کار های فنی و تحصیل علوم و فنون پرداخته بخصوص خانمها به تربیت اولاد و اطفال خود بیش از پیش وقت صرف نموده و از نظر اقتصادی نیز بیش از آنچه قبلا بدست می آوردند عایدشان شد. که نتایج حاصله از آن امروز مشاهده می شود و احتیاج به توضیح نیست .

اینک در زمان حاضر مقام مصون از خطا توطن در ایران را صلاح دانسته و عزیزان مهتد امر الله را باین خطاب عظیم " احبای با وفا" مخاطب ساخته و حتی المقدور توطن در موطن جمال مبارک را ارجح شمرده اند. احبای ایران مامور به وفاداری و استقامت شدند و خروج از ایران را شرط وفا ندانسته و تا ایثار جان و مال و فرزند و . . . ایستادگی نمودند تا مظهر وفا شوند چرا که مولای آنها چنین فرموده اند: "ای عزیزان من محزون مشوید افسرده نگردید. . . من با شما هستم و در هر آنی تأیید و توفیق جدید مینمایم وفا بامر بها نمائید و تا نفس اخیر مانند این عبد در خدمت امرالله و عبودیت آستانش بکوشید و جانفشانی نمائید. . . "

ایام تسعه ص ۵۴۱

حضرت عبدالبهاء جلّ جلاله می فرمایند قوله الاحلی :

« . . . یاران ایران فی الحقیقه هر بلایی تحمل نمودند هر دم جام پر زهری چشیدند و ساغر فدا در نهایت سرور نوشیدند ، گهی در زیر زنجیر بودند و گهی در تهدید شمشیر، مؤمن ممتحنند و ثابت

و موتمند. هر یکی سراچی است و هر نفسی نفیس. در نهایت ابتهاج در این ایام در کشور باختر،  
اختر خاور، تائیدی جدید فرمود یاران معدودی بقوه انجذاب دوستان ایران دیده شد . . . .  
مکاتیب ج ۴ ص ۶-۱۳۵

ایضا می فرمایند قوله العزیز :

« . . . تا انسان جفا نبیند مظهر وفا نگردد . . . »

منتخبات آثار مبارکه ج ۲ ص ۹۳-۹۴

« ای میر وفا در عالم وجود صفتی بهتر و خوشتر از وفا نیست . . . »

اخلاق همایی ص ۲۵۸

« ما محافل وفا را دوست داریم نه مناظر با صفا و اما وفا اول باید بخدا و اوامر و عهد او نمود و  
بعد به بندگانش . . . »

سفر نامه مبارک ج ۱ ص ۱۲۸

« نفوسیکه رائقه محبت جمالمبارک در مشام دارند از هیچ نفحه ای جز رائقه گلشن وفا استنشاق  
نمایند . . . »

گلزار تعالیم همایی ص ۱۰۷

بیت العدل اعظم الهی در پیامهای خود مکرارا مقام یاران ایران را یاد آوری می فرمایند و در باره  
استقامت احبای ایران به ذکر چند نمونه از دستخط های بیت العدل اعظم الهی اشاره می شود:  
« یاران ایران شمع انجمن روحانیانند و نور وفا و استقامت درخشانده و تابان . . . »

پیام ۱۴۳ بدیع

« مشیت حیّ قدیر بر این تعلق گرفته و حکمت بالغه الهیه چنین اقتضاء نموده که خاصان حق در  
کشور مقدّس ایران مال و منال حتی دم مظهر خویش را ایثار نمایند تا شجره امید سقایت  
گردد . . . »

پیام مورخ شهر الشرف ۱۴۱ بدیع

« . . . بندگان آستان یزدان در کشور مقدّس ایران کماکان فدایی جانانند و در میدان استقامت و  
وفا شهسوارانی پر توان . . . »

پیام مورخ شهر الکمال ۱۵۰ بدیع

اینک با نهایت عجز و نیاز بدرگاه حضرت بی نیاز و طلب تایید و توفیق که با اجرای دستورات  
مرکز مصون از خطا موفق گردیم و مطمئن به عنایات حق با شمیم و با خدمت به هموطنان با

سکونت در ایران و اطمینان بر اینکه ایران عزیز مطمح نظر جهانیان و حکومت ایران محترمتترین حکومت جهان خواهد شد گوی سبقت را در این میدان بر باییم و به رقیمه شریفه آن مقام توجه نمایم که در جواب سوال یکی از احبّاء مقیم مهد امر الله می فرماید :

« . . . راجع به سؤالشان ، اینکه مسائلی از قبیل اقامت یا خروج از ایران را معهد اعلی به وجدان نفوس احبّاء واگذار می نمایند که آنچه را نفعش به امر الهی و خود آن نفوس راجع می شود معمول دارند به این دلیل است که اهل بهاء چنین تربیت شده و به ترقیّات رو حانیّه رسیده اند که مصالح امر اعظم را بر منافع شخصی مقدّم می شمارند و سعادت دو جهان را در حفظ حرمت امرالله و عبودیت آستان مبارک می دانند لهذا اتخاذ تصمیم به ترک یا ماندن در ایران از اموری است که ملحوظ نظر خود داشته و آنچه را الله مفید شمارند بگری دارند . اما این امر نباید چنین تلقی شود که مسأله استقامت یاران در ایران در حال حاضر چندان مورد عنایت و توجه بیت العدل اعظم الهی نیست . یقین است که چنین اظهاراتی ابداء موافق صواب و حقیقت نیست بلکه بر عکس معهد اعلی در اکثر پیامهای عمومی خویش استقامت و جانبازی و تحمل زحمت در سبیل احدیت را که از احبّای عزیز مقیم ایران ظاهر شده و می شود بسیار ستوده و آنان را سر مشق سایر یاران در سراسر جهان قرار داده اند . . . »

و در پیام مورّخ ۵ فوریه ۱۹۸۶ می فرماید :

« . . . معهد اعلی جمیع همشان مصروف تخفیف مصائب و آلام یاران ایران است که بجبل استقامت و وفا تمسک جسته و جان در کف در صف عاشقان جانفشان جمال الهی در آن اقلیم مقدّس مانده و چراغ امرالله را فروزنده تر از پیش روشن داشته اند . . . زیرا می دانید که با وجود مصائب و شدائدی که در وطن خویش در سبیل محبت الله تحمل می کنند قدم ثبوت و رسوخ را محکم داشته آن سنگر پر خطر را ترک نکرده به مجاهدت خویش در میدان وفا مداومت می دهند . . . زیرا استقامت آن عزیزان در ایران است که امر اعظم را بمدارج عالیّه ارتقاء داده اگر معاذ الله احبّاء از تحمل و مقابله با شدائد و مصائب خوف و هراس داشته باشند و به نهبی از جا بدر بروند . آنوقت بالمآل روح نبّاض امر الهی از تاثیر و نفوذ در هیکل جامعه انسان باز ماند و این امری است که البته یاران با وفای ایران آنرا نمی پسندند و سبیل استقامت را حبّاً لجمالها رها نخواهند نمود . . . البته این نفوس نفسیه که در آن اقلیم بر چنین خدمت مبارکی قائم اند و ایام فانی حیاة را سبب وصول به سعادت باقی جاودانی ساخته اند با سائرین که راحت و آسایش را ترجیح داده اند قابل قیاس نبوده و نیستند . »

همچنین در پیام نوروز ۱۴۶ بدیع می فرمایند :

« . . . الحمد لله شجر استقامتشان پر ثمر است و انوار ثبوت و رسوخشان روشنی بخش خاور و باختر . امید وار از عنایات حضرت پروردگار چنانیم که ابواب رخاء و آسایش بر وجه آن جواهر وجود گشایش یابد و آن مظلومان و آواره گان با قلبی طافح از سرور و اطمینان بر عبودیت متان و خدمت هموطنان خویش در کشور مقدس ایران قیام نمایند . . . »  
و در پیام مارچ ۱۹۸۷ چنین می فرمایند :

« . . . یاران عزیز ایران در کشور مقدس ایران در نهایت انقطاع و توکل و تفویض از جمیع راحت و آسایش حتی از سر پرستی عائله خویش گذشته اند تا در بزم قرب جمال اهبی وارد گردند و محبت الله را در جمیع امور مقدم بشمارند و مصداق این بیت از غزلیات جمال اهبی گشته اند :

گر خیال جان همی هستت به دل اینجا میا      و ر نثار جان و دل داری بیا و هم بیا «  
معهد اعلی در باره اقامت در ایران خطاب به یکی از جوانان که تقاضای مهاجرت به آفریقا ساحل عاج را نموده ، می فرمایند : « . . . الحمد لله احبای عزیز ایران در نهایت استقامت و جدیت مشغولند و در این ایام که بیش از همه به وجودشان در ایران نیاز است لازم نیست به خدمت دیگری پردازند که معلوم نیست نتیجه اش بیش از اقامت در ایران باشد . »  
و همیشه وظیفه قیام به خدمت و اطاعت از دولت را متذکر شدند زیرا جمال اقدس اهبی می فرمایند : " آنچه امروز لازم است اطاعت حکومت است " الحمد لله دوستان الهی از رجال و نساء در این دوران در همه حال همین دستور مبارک را رعایت نموده و کوچکترین مقابله با بلیات را روا نداشتند و در برابر پرسشهای متوالی جواب همه یک جمله بود " ما مامور باطاعت از دولت می باشیم " همین باعث اعتراف آنان به وحدت کلام و عقیده اهل بها شد و اقرار بر اینکه همه شما متحدید در یک بیان . همین مطلب موجب تخفیف آلام شد . اینجا سر بیان حضرت بهاء الله جل اسمه الاعلی در لوح اتحاد روشن می شود که می فرمایند : « اتحاد در مقامی اتحاد در قول است و این بسیار لازم است » و بیان حضرت ولی مقدس امر الله مصداق پیدا کرد که می فرمایند : « در صدد . . . انتباه افراد و تثبیت اقدام مشغول باشند و صیانت وحدت کلمه الله فرمایند و حفظ اتحاد و یگانگی احبای الله نمایند این اعظم وظیفه دوستان است و بهتر طریق خدمت به آئین یزدان . »

نقل از جزوه بحرالحا و پیروزیهاش ۹۱



اکنون همانطور که وعده فرموده اند " بعد خود شما مطلع خواهید شد " عزّت امر الله و حکمتهای بالغه آنرا مشاهده می نمایم و دعای شکر بجا می آوریم . الهی الهی اشکرک فی کل حال و احمدک فی جمیع الاحوال . . .

ادعیه محبوب ص ۴۵

### بسته شدن مدارس

اولین مدرسه بعد از عشق آباد در طهران سال ۱۳۲۱ (مدرسه تربیت) و بعد از طهران، همدان مدرسه پسرانه تأیید و بعد مدرسه دخترانه موهبت و سومین محل کاشان بنام وحدت بشر که در سال ۱۳۲۷ تاسیس شدو در سال ۱۹۳۴ میلادی بسته شد .

حضرت ولی عزیز امرالله چنین می فرمایند :

« . . . از جمله تضعیقات و محدودیتهای شدید که در ایران رخ گشود منجمله بسته شدن مدارس بهایی که همت یاران الهی تأسیس گردیده و کاملاً متعلق بجامعه و تحت اداره و نظارت آنان واقع بود و بعلت امتناع از باز نگهداشتن آنها در ایام متبرکه امریه باجبار بسته شد . و احببای الهی رجالا و نساء مورد تعقیب و محاکمه واقع گشتند . . . »

قرن بدیع ج ۴ ص ۱۵۱

حضرت ولی امرالله از جناب فیضی پرسیدند که آیا مدارس بهایی ایران در ایام محرمه بهایی تعطیل است یا نه ؟ فیضی پاسخ داد ، تصور نمی کنم چنین باشد حضرت ولی امرالله فرمودند این مدارس نباید در ایام محرمه باز باشند حتی اگر چنین مسأله ای منجر به تعطیل همیشگی این مدارس از سوی دولت شود سال ۱۹۳۳ این بیان را فرمودند و در سال ۱۹۳۴ مدارس بسته شد .

پیام بهایی ش ۱۳۲ ص ۱۰

و نتیجه ای که آن حضرت از این اقدام می گیرند این است که :

« تعطیل مدارس بهایی در ایران خود شاهد ناطقی از روح احترام و فرمانبرداری این فئه مظلومه نسبت به مراجع رسمیه مملکت است . »

قرن بدیع ج ۴ ص ۱۵۳

در این زمان نیز جوانان بهایی در ایران از تحصیلات عالی محروم شدند حتی در بعضی از شهرها آنها را از مدارس اخراج نموده و مورد توهین و استهزاء قرار دادند ، با وجود این تضییقات سر تسلیم به بارگاه حق نهادند و راضی به رضای او شدند و با صبر و بردباری که به خرج دادند توانستند به نتایج مثبتی برسند همه مشکلات را تحمل نمودند تا محروم از کسب معارف نشوند با جدّیت تمام به تحصیل در دو دانشکده معارف عالی امری و علمی در ایران مشغول کار شدند و

هم در دانشگاه‌های خارج راه یافته به ادامه تحصیلات پرداختند و مشمول عنایات لائیه الهیه گشتند. در همین موقع پیام بیت العدل اعظم الهی آنرا هدایت نمود که در مورخ ۱۰/۸/۱۹۸۹ چنین می فرماید:

«... آن عزیزان نباید نگران باشند، تا حدی که میسر و مقدور است به کسب مدارج عالیّه علمیّه پردازند و اگر در شرایط کنونی از آن محروم ماندند آن را حبالجمالّه بدانند و مطمئن باشند که این فداکاری بی اجر نمی ماند و ظاهراً و باطناً سبب حصول سرور خاطر و اطمینان قلب آنان خواهد شد...»

و در پیام مورخ ۳ جون ۱۹۸۵ مطابق با ۱۳ خرداد ۱۳۶۴ می فرماید:

«... حیف است که امور جزئیّه از قبیل کسب و کار و تحصیل و غیره، یاران عزیز را از خدمت در آن میدان وسیع، باز دارد و به خارج بکشاند...»

### باز تاب بستن دانشگاه آزاد در ایران

" هجوم جهلا سبب تنبه عقلا می گردد . "

مکاتیب ج ۳ ص ۴۹۵

از هنگامی که در ایران به تعطیل دانشگاه آزاد بهایی و تصرف کتب و کامپیوترها و سایر لوازم این دانشگاه اقدام شد صدها تلگراف و فکس و نامه از سوی دانشمندان و اساتید موسسات آموزشی عالی علمی و سایر مقامات و مسئولات برای ریاست جمهور جمهوری اسلامی ایران و مراجع یونسکو و غیره فرستاده شده و به این عمل که بر خلاف اعلامیه های حقوق بشر است اعتراض شده است. از جمله این افراد آقای پرفسور باسیونی استاد و رئیس انستیتوی بین المللی حقوق انسانی در دانشگاه DE PAUL امریکا است که خود مسلمان است و در زمینه حقوق بین المللی شهرت جهانی دارد و طرف مشورت سازمان ملل متحد قرار می گیرد. ایشان طی نامه ای خطاب به آقای مصطفی معین وزیر آموزش و پرورش عالی ایران از این اقدام ابراز تعجب و تأسف نمود و با سابقه ۳۵ سال تدریس حقوق این اعمال را مخالف شریعت اسلام و روح عدالت دوستی و تحمل آن دیانت دانسته است.

نقل از پیام بهایی ش ۲۳۲ ص ۵۹

## اخراج از مشاغل دولتی

در این زمان هر روز با حکمی که از طرف وزارتخانه های مربوطه ( مشاغل مختلف ) به اجبایی که در ادارات دولتی مشغول به کار بوده و از نظر اخلاقی و امانت داری و حسن سابقه بودند از کار اخراج شده و محکوم به پرداخت حقوق در یافت شده در سالیان گذشته شدند اینست یکی از شواهد بر این مقال :

سواد خلاصه ای از حکم یکی از آموزگاران اخراجی از فرهنگ بازگشت به حکم شماره ۱۵۸۴۴۲ - ۵۸/۴/۱ که بموجب آن بعلت نداشتن یکی از مذاهب رسمی و قانونی کشور بخدمت شما در وزارت آموزش و پرورش خاتمه داده شده . . . اشعار می دارد .

وزارت آموزش و پرورش در قبال جمهوری عدل اسلامی ایران که با ایثار و جانفشانی و شهادت هزاران نفر مردان و زنان مسلمان و مومن و متدین بدین مبین اسلام استقرار یافته متعهد به اجرای احکام قرآن و شریعت محمدی در مدارس می باشد و بیاس خون شهدای اسلام امکان و اجازه نمی دهد مانند دوران طاغوت . . . پیروان مسلک بهائیت در واحد های آموزشی بمانند و از این طریق افکار پاک و معصوم دانش آموزان را آلوده و منحرف نمایند . . . بی تردید نمی توان موجباتی فراهم آورد تا مانند گذشته افراد بهایی فعالیتهای آموزشی کشور را در دست داشته باشند . . . در خاتمه یاد آور می شود که استخدام افراد ایرانی در ادارات دولتی در صورتیکه متدین به یکی از ادیان رسمی اسلام، یهود، مسیح، زرتشت نباشد منع قانونی دارد بنابر این خواستار پایان دادن بخدمت شما هستند که بمواد قانون موجود و متضمن حداقل مجازات است مسلماً اشد مجازات متوجه متصدیان استخدام شماست که قریباً در دادگاههای انقلاب اسلامی تحت پیگرد قانونی قرار خواهند گرفت حقوق ایام گذشته شما که غیر قانونی پرداخت شده مورد بررسی است و در آینده نزدیک نتیجه آن اعلام می گردد.

سرپرست وزارت آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

## بستن حظیرةالقدس و نتیجه حاصله از آن

حضرت ولی مقدس امرالله از جناب محمد علی افغان تحقیق فرمودند راجع به حظیرةالقدس یزد عرض کردند در اشغال دولت است . . . بعد با یک تبسم فوق العاده ملیح و جاذب فرمودند

مانعی ندارد آنها یک حظیره القدس طهران را تصرف کردند و ۳۲ حظیره القدس ملی در عواصم مهم دنیا تأسیس شد .

خلاصه شده از مجله عندلیب ش ۷۸ ص ۵۸

### محروم ماندن از زیارت

یاران ایران که با منع خروج از کشور محروم از زیارت کوی دوست شدند مصداق این بیان مبارک حضرت عبدالبهاء هستند که می فرمایند:

« ای یاران مهربان من ، عبدالبهاء از حسرت شما غریق دریای احزان و آلام و اسیر زنجیر غم و الم بی پایان، با چشمی گریان و قلبی سوزان بدرگاه حضرت یزدان مناجات نمایم تا از جمله زائرین محسوب شوید و در درگاه احدیت مقبول گردید و در این ممنوعی حکمتی است عنقریب آشکار گرد ولی به حق یقین بدانید که این حرمان در آستان نور مبین اعظم از وصول بمقام عظیم است زیرا نفس حسرت جوهر زیارت است و احتراق از آتش اشواق ماء زلال وصال من شب و روز بیادشما هستم آنی فراغت ندارم . . . این بعد عین قرب است و این فصل حقیقت وصل اهم امور در این یوم سرور و جبور در بلایای موفور است . . . »

مکاتیب ج ۴ ص ۱۴۰

و نتیجه حاصله از این بجرانها اینکه حضرت ولی عزیز امرالله می فرماید :  
« . . . همانطور که معاندت اعداء در ادوار سابقه موجب بسط و اشاعه امر الله گردید در این عصر نورانی نیز قیام دشمنان علت شهرت و عظمت جامعه بهائی شد و تضعیقات اعداء مورث اعتلاء و ارتقاء نظم بدیع یزدانی گردید . »

قرن بدیع ج ۴ ص ۱۰۵

ایضا می فرماید :

« یک سلسله از بحران های داخلی و خارجی با شدت و ضعف گو ناگون به وجود خواهد آمد که هر چند آنرا "سبب ویرانی و دمار شود اما هر یک سیرا" قدرت متشاهی را ایجاد نماید که بر شدت و سرعت جلوه امر الهی بسیار بیفزاید . . . بروز مصائب و امتحانات بهترین وسیله پشرفت سیر بلوغ عالم انسانی است . »

قرن انوار ص ۹۴

## نتیجه بلایا

حضرت بهاء الله جلّت عظمة می فرماید :

« . . . نتیجه و ثمر این بلا یا راحت کبری و علت وصول برفرف اعلی است . . . »

مجموعه الواح ص ۳۴۴

همچنین می فرماید :

« . . . نفسی که بحب الله از نفسی بر آید در عالم اثر عظیم دارد تا چه رسد ببلا یا و رزایی که در سبیل الله بر نفسی وارد شود . »

مائده آسمانی ج ۸ ص ۴۸

ایضا می فرماید :

« . . . حمد مقدّس از قلم و مداد ساحت امنع اقدس حضرت محبوبی را لایق و سزااست که اهل بها را ببلا تربیت فرمود و بملکوت بقا راه نمود تعالی مقتدریکه اشجار فردوس اعلی را از خون مرتفع فرمود و بلند نمود . . . »

نار و نور ص ۱۴

و نیز در یکی از بیانات خود چنین می فرماید قوله الاحلی :

« در برخی مواقع است که روح بایستی جسد را معاونت کند حقیقتا تنها با قوای جسمانی موفق بانجام امور عظیمه نمی گردد روح بایستی قوای جسمانی را تائید و تقویت بخشد . . . چقدر روح انسان قوی است و حال آنکه جسد در نهایت ضعف و ناتوانی است . . . و این از حکم بالغه الهیه است که قوای روحانیه انسانی را اشدّ و اقوی از قوای جسمانی ساخته تا مقدّم و مسلّط بر حیات ظاهری و مادی او گردد . بدین طریق روح می تواند با اصالت خود بر عالم انسانی فرمانفرمایی کند و بدون خوف و هراس و بنهایت حرّیت و انقطاع پایداری نماید و دارای کمالات حیات ابدی شود . . . روح محتاج نفثات روح القدس است اگر بعنایات روح القدس فائز گردد دارای قوای عظیم و قادر بکشف حقایق و عالم باسرار می شود . قوه روح القدس دائما برای افاضه بجمیع حاضر است . اسیر روح القدس از هر قیدی آزاد است . . . » ( ترجمه )

درگه دوست ص ۶-۵-۱۸۴

حضرت عبدالبهاء جل جلاله می فرماید قوله تعالی :

« از امتحانات هیچوقت محزون مگردید زیرا امتحان و افتتان حصاد اشرار و سبب ظهور کمالات ابرار است . لهذا باید بسیار ممنون و خوشنود بود چه که مقصد از ظهور نور مبین تربیت نفوس

مبارکه است و این جز به امتحانات الهیه ممکن نه اگر امتحانات الهیه نبود ابدا نفوس تربیت  
نمیشدند . . . .»

مائده آسمانی ج ۵ ص ۳۶

حضرت ولی مقدس امرالله می فرماید :  
« مگر نه اینست که حضرت بهاءالله بما اطمینان داده اند که بلا یا و محرومیتها مواهب خفیه هستند  
که بدانوسیله قوای درونی و روحانی ما تجهیز شده خالصتر و پر قدرتر و ارزشمند تر  
می شوند ؟ . . . »

نمونه حیات بهایی ص ۱۵

ایضا می فرماید :  
« . . . اگر بفکری صحیح بعدم توفیق و امتحانات و بلاهایی که پیش می آید بنگریم  
می توانیم آنها را بمنزله عواملی برای تصفیه روح و استحکام سجایای روحانی و بمنزله وسیله ای  
برای ترقی و تعالی خود در خدمت امر بشمار آوریم . »

نمونه حیات بهایی ص ۱۹

مولای محبوب حضرت ولی امرالله در یکی از توقیعات مبارکه خود بلا یا را تنها عاملی می دانند  
که می تواند در افکار و عقول نفوس تغییر و تحولی اساسی پدید آورد قوله تبارک و تعالی :  
« افسوس و دریغ که هیچ چیز به جز آتش سوزان اهتنان و بلیات نمی تواند ، عوامل متضاد و  
متخاصمی را که اجزاء مرکبه تمدن امروزی ماست چنان در هم ذوب نماید و به هم جوش دهد که  
همه آنها را اجزاء مرکبه یک اتحادیه جهانی آینده گرداند . »

پیام شهر الملک ۱۳۶ بدیع ۱۰ فوریه ۱۹۸۰

نتیجه

ایضا می فرماید :  
« . . . از هبوب عواصف و بلا یا و اشتداد زوابع امتحان و افتتان یوما " فیوما " ساحتش وسیعتر و  
عمودش مرتفعتر و اساسش محکمتر و جلوه اش شدیدتر و سرایتش سریعتر و سطوت و غلبه اش  
ظاهر تر و ثابت تر گردید . . . »

توقیعات مبارکه ۱۰۱ ص ۲۳

## بجراهای وارده در ممالک دیگر و نتایج حاصله از آن

حضرت عبدالبهاء جل جلاله چنین می فرماید قوله تعالی :

« البته یاران غرب را نصیب و بهره از بلایای دوستان شرق خواهد بود لابد در سبیل حضرت بهاء الله مورد اذیت اهل جفا خواهند گشت . . . »

نقل از جزوه بجراها و پیروزیها ش ۱۰

## آلمان

حضرت ولی مقدس امر الله می فرماید :

« در آلمان نیز نظم نوزاد امر الله که یاران آن اقلیم در استقرار و استحکام آن نهایت همت مبذول داشته بودند مواجه با فشار و تهدید اولیاء امور شد و هر چند مصائب دوستان الهی در آن سرزمین پایه محن و آلام وارده بر بهائیان ترکستان و قفقازیا نمی رسید معذک در سنین ما قبل جنگ تشکیلات بهایی در سراسر آن خطه بتمامه تعطیل و تبلیغات عمومی امر که بی ستر و حجاب مبادی صلح و وحدت جامعه بشریه را اعلام و تعصبات ملی و امتیازات نژادی را محکوم می ساخت رسماً ملغی گردید محافل روحانیه و لجنه های امریه همچنین انجمنهای شور کلا منحل شد، آرشو محافل تصرف، مدارس تابستانه متوقف و انتشار کلیه آثار و مطبوعات بهایی بالمرة ممنوع گردید . »

قرن بدیع ج ۲ ص ۱۲۵

و امروز مشرق الاذکار فرانکفورت گویای عظمت امر و بفرموده مبارک مبلغ صامت است

## وقایع در روسیه

" مقدمات بنای اولین مشرق الاذکار بهایی عالم قبل از صعود حضرت بهاء الله با صدور فرمان حضرت غصن الله الاعظم آغاز شد . پیام حضرت عبد البهاء توسط زائرین به ایران رسید و علمداران شجاع از نواحی مختلف ایران خصوصا از یزد و خراسان پیاخاسته و راهی آن دیار گردیدند . . . راجع به هجرت به عشق آباد ، که هم مرز با ایران و در حال آبادانی بود بقدری شدید و سریع بود که عده ای از مسلمانان به بهائیان تاسی نموده دسته دسته بسوی عشق آباد حرکت کردند . . . حضرت عبدالبهاء جناب وکیل الدوله افغان را مامور ساختن مشرق الاذکار عشق آباد فرمودند . . . در مجموعه ساختمان ، مدارس دخترانه و پسرانه تاسیس شد . . . بعد از انقلاب کبیر روسیه جوامع مذهبی بدوا مورد بی مهری مقامات دولتی قرار گرفتند و بتدریج با خشونت و اعمال زور روسای حکومتی مواجه شدند . در روسیه تعداد زیادی کلیسا و تعداد ی

مساجد وجود داشت ولی دولت جدید از ادامه کار همه آنها ممانعت کرد . . . عجب نیست که عمال حکومت کمونیستی در ابتدای انقلاب برای ریشه کن کردن افکار مذهبی ، مدارس وابسته به گروههای دینی از جمله مدارس بهایی را در عشق آباد ممنوع کردند. و مدرسه را بجای دیگر انتقال دادند و معلمین را عوض کردند . . . یورش برای گرفتن مشرق الاذکار از سال ۱۹۲۷ یعنی ۲۵ سال از آغاز نصب اولین سنگ بنای آن آغاز شد و پس از دو سال قحطی شدید در روسیه پدید آمد و سراسر کشور را فرا گرفت یاران مهاجر اکثرا مقاومت نموده و " جان عزیز خود و عزیزانشان را در گرو اطاعت و انقیاد و میل و رضای مولا و مقتدای خود قرار دادند . " و در عشق آباد ماندند . . . ولی هر روز حکم جدیدی صادر می شد تا آخرین رمق حیات جامعه بهایی نابود شود در بجموحه مشکلات حائله حکم اخراج بلد یا تبعیدی زنان ابلاغ شد . . .

خلاصه شده از مجله عندلیب سال بیستم ش ۸۰ ص ۳۱-۳۶

چه بسیار از نفوس مقدسه که در زندانها معلوم نشد که چه بسر شان آمد یا زیر ضربات شلاق هلاک و یا اعدام نمودند ، از جمله جناب حاجی علی ارباب در دوره عهد و میثاق از حضور حضرت عبدالبهاء تقاضای شهادت می کند و مرکز میثاق الهی در لوحی که به افتخار ایشان نازل فرموده اند وعده شهادت به ایشان می دهند در آن لوح می فرمایند :

« از جسم و جان چشم پوشد و از نام و نشان در گذرد . » ایشان و شهدای دیگر در زندان چنان از جسم و جان و نام و نشان گذشتند که راستی هم از ایشان ابدان نشانی نماند و معلوم نشد که با آن ابدان چه کردند و مزارشان در کجاست .

خلاصه شده از کتاب سالهای سکوت ص ۱۲۵

#### موفقیت‌های حاصله :

با کمال خوشوقتی در تاریخ ۲۱ ژانیه ۱۹۹۹ اطلاع حاصل شد که محفل روحانی ملی بهائیان روسیه به عنوان سازمان مرکزی دینی بر طبق قانون جدید آن کشور به ثبت رسیده است . در مراسم اهداء ورقه شناسایی امر مبارک چند تن از مسئولان عالی مرتبه روسیه و دو نماینده از طرف جامعه بهایی حضور داشتند . یکی از مدیران وزارت دادگستری این کشور که در جلسه حضور داشت اظهار کرد که تعلیمات بهایی هم پیشرفته و هم منطبق بر نیازهای امروز است و از این بابت وی همواره خود را به منزله بهایی انگاشته است .

نقل از پیام بهایی ش ۲۳۲ ص ۵۹



در کنفرانس های مسکو و بخارست در آن سال (۱۹۹۲) تجدید حیات جامعه های بهایی که قبلاً تحت رژیم شوروی و شریکانش تقریباً از میان رفته بود به چشم می خورد. یکی از سه ایادی امرالله... جناب علی اکبر فروتن است که از ایام جوانی در روسیه میزیست و در سن هشتاد و شش سالگی به نمایندگی از بیت العدل اعظم برای تأسیس محفل ملی روسیه به مسکو مراجعت فرمود و از این پیش آمد در نهایت سرور بود. در تمام آن سرزمین که بروی امر بهایی گشوده شد محافل روحانی محلی تشکیل شد و شش محفل نیز تأسیس گردید. در مدت کوتاهی در ممالک مرز جنوبی امپراطوری سابق شوروی که در آنجا نیز امر بهایی ممنوع شده بود مهاجرت و فعالیت های تبلیغی سبب تشکیل محافل روحانی بیشتر شد و نیز هشت محفل ملی دیگر تأسیس گردید. آثار بهایی به گروهی جدید از زبان ها ترجمه شد. اقدامات برای شناسایی مدنی تشکیلات بهایی صورت گرفت و نمایندگان کشورهای اروپای شرقی و کشورهای تحت بلوک سابق شوروی با همکیشان خویش در بلاد دیگر در فعالیت های امور خارجه بهایی در سطح بین المللی شرکت نمودند.

نقل از کتاب قرن انوار ص ۹۱

فدراسیون روسیه

معرفی کتاب مستطاب اقدس به نفوس بر جسته در مسکو در پاسخ به هفتصد دعوت نامه به نفوس بر جسته، سیصد نفر در جلسه معرفی کتاب مستطاب اقدس که توسط محفل مقدس روحانی ملی در خانه دوستی منعقد گردید حضور یافتند محفل ملی از این فرصت حسن استفاده نموده بسته های حاوی جزوات و مطالب در معرفی امرالله برای ده مؤسسه از دوایر مهم دولتی و امور مذهبی ارسال نمودند.

دکتر فیروز کاظم زاده مورخ و استاد بازنشسته دانشگاه ییل سخنران اصلی این مراسم بود خطابه ایشان به ویژه برای حضار غیر بهایی که از متخصصین بودند بسیار حساس و مهم بود. ایشان عظمت برنامه حضرت بهاءالله را برای مدنیّت آینده عالم بیان نموده و با مطرح ساختن این نکته که کتاب مستطاب اقدس "نقطه تلاقی بشر با عوالم الهی" است نه تنها ساختار و محتوای بی مثیل و نظیر این کتاب مقدس بلکه دلایل قدرت و قوت فوق العاده آنرا توضیح داده اند.

در کنفرانس سن پترزبورگ که با ۳۵۰ نفر جوانان بهایی از اکثر جمهوریهای سابق شوروی و چند کشور اروپایی و حتی معدودی از کانادا و امریکا-حضور یافته بودند... مؤسسه مطبوعات امری روسیه کتابهای متعددی ترجمه و چاپ کرده اند که از جمله آنها منتخبات

آثار حضرت بهاء الله ، خطابات مبارکه ، مفاوضات ، ندا به اهل عالم و کتابهای جالب آموزشی برای کودکان است . . . از پیشرفت و نفوذ روز افزون امر الله در اقلیم روسیه یک بار دیگر بیان مبارک حضرت ولی مقدس امرالله را به خاطر می آوریم :

« . . . اقلیم روس در آینده جنة النعم گردود امر تبلیغ ترویجی عظیم یابد و . . . اسم اعظم جمال قدم رتبه در معاهد و صوامع و معابدش اندازد . . . »

پیام بهایی ش ۱۸۰ ص ۴۷

جناب فروتن در نامه خصوصی خود به یکی از احبا به تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۹۳ یکی از تأییدات حق را عنوان نموده اند : « . . . خبر مسرت آ و ر اینکه کتاب "مادران ، پدران ، فرزندان" از انگلیسی بروسی ترجمه شده و در مسکو از طرف مؤسسه رسمی دولتی بنام " پروگرس " با مقدمه ای بسیار مثبت و مفید راجع بامر بهایی به تعداد پنجاه هزار نسخه منتشر شده است و بیت العدل اعظم از این جهت عنایت مخصوص به بنده اظهار فرموده و دعا کرده اند . . . »

هندوستان

جامعه بهایی هندوستان امروز اهمیت عظیمی یافته است و بیش از یک میلیون بهایی دارد و خدماتش پهنای شبه قاره ای را فرا می گیرد که ساکنانش از حیث فرهنگ و زبان و قومیت و عقاید دینی، تنوعی بسیار دارند . از جهاتی بسیار تجربه جامعه بهایی هندوستان نمودار تلاش ها و آزمایشها و فتور ها و پیروزیها یی است که جهان بهایی در سراسر آن سی سال خطیر با آن مقابل بوده است . . . جامعه بهایی هندوستان راه درازی را پیموده و مشکلات دردناکی را پشت سر نهاده تا به اهمیت امروز رسیده است . . . در سال ۱۹۸۶ توسعه و تحکیم امر بهایی در هندوستان به نحوی شایان به تاج مشرق الاذکار زیبای آن کشور که در آن سال افتتاح گردید مزین شد . . . امروز مشرق الاذکار هندوستان بیش از هر محل دیگری در این شبه قاره بازدید کننده دارد و به طور متوسط روزی بیش از ده هزار نفر از آن دیدن می کنند و وصفش یا تصویرش در نشریات و فیلم ها و برنامه های تلویزیونی بارها ظاهر شده است . . .

قرن انوار ص ۸۹

آفریقا

وقتی تاریخ این دوره نوشته شود یکی از فصل های مهمش درباره پیروزیهای است که نصیب جوامع بهایی مخصوصا در آفریقا گردید که دچار جنگ و ترور و مظالم سیاسی و محرومیت های شدید بودند و جمیع این امتحانات را گذراندند و در ایمانشان خللی وارد

نیامد و همچنان مصمم بودند که کار ساختن حیات جمعی بهایی را که در آن وقفه افتاده بود بازآغاز نمایند . . . در سایر نقاط آفریقا می توان گفت که در تاریخ معاصر کم تر جامعه بهایی موجود است که افرادش چون بهائیان آفریقایی آن قدر در دوزخ مصائب مبتلا باشند و با وجود این به دین و ایمان خویش وفادار مانند . در تاریخ امر بهایی کم تر شواهدی می توان یافت که مانند داستانهای شجاعت و صفای بهائیان ستمدیده کشوری که نامش زئیر بود گویا باشد . یاران آن سامان در میان آتشی سوزنده بودند ولی داستان ها و حماسه ای از خود آفریدند که الهام بخش نسل های آینده خواهد بود همچنین ذکری از مصائب وارده سائر نقاط آفریقا بیان شده و نتایج حاصله آن در سال ۱۹۹۲ عالم بهایی دومین سال مقدس خود را برگزار نمود که در آن قرن صعود حضرت بهاء الله در آن سال ۲۷۰۰۰ بهایی در سراسر جهان در نیو یورک و هزاران بهایی دیگر در نه کنفرانس در ممالک دیگر جمع شدند . . .

خلاصه شده از قرن انوار ص ۹۰-۹۱

این است آن پیشگویی ها و بشاراتی که حضرت عبدالبهاء راجع به اقوام و ملل مختلفه فرمودند از جمله در فرامین تبلیغی می فرمایند : « چنانچه سرخ پوستان امریکایی تربیت شوند عالما نورانی خواهند کرد . »

و حضرت ولی مقدس امر الله راجع به بومیان محلی می فرمایند : « بومیان محلی شبیه منابع عظیمی هستند که باعث نورا نیت همه جهان خواهند شد . »

کتاب دکتر مهاجر